



شماره مسلسل ۲۳ و ۲۴ ارد ۱۳۷۰ جولای ۱۹۹۱

کردستان سرزمین رنج و مبارزه

دتروریست "امیر" غوره مالی دخیلو عربو ببادارانوپه وړاندې

گفتگوی زنان پاکستانی با نماینده "راوا"

لویټریا به آزادی رسید

"دای-اس-آی سیاست په افغانستان کې ناکام شو"

آلمان شرق غرق در گودال بیکاری



دملالی روغتون د فعالیتونو نه یو گزارش

رحیم چنرایبی ربوده شد، نفرین بر نیروهای سازشکار!

قمه بازهم کوتاه و تکراریست :

عبدالرحیم چنرایبی ناشر جریده "فریاد" (که مخالف رژیم پوشالی و احزاب پشوری و ایرانی بود) در ۹ جولای در یونیورسیتی تاون پشاور توسط افراد مسلح و جبهه پجیرو بانمبر پلیت ۳۱۹ ربوده شد !

این اولین قربانی ترور در پشاور بنیادگرا زده نیست ولی مهمترینست که آخرین آن هم نخواهد بود.

تاوقتی که لوٹ نیروی هار ولجام گسیخته بنیادگرا از میان نرفته باشد؛ تاوقتی که اربابان خارجیی بنیادگرایان از آنان به اشکال گوناگون حمایت کنند؛ تاوقتی که مبارزه قاطع و همه جانبه برای آزادی و دموکراسی و ضد بنیادگرایی صورت نگرفته؛ تاوقتی که نیروهای مدعی ملی و آزادیخواه بودن داغ سازشکاری مقابل فاشیزم بنیادگرایی را برجبین دارند و در مقابل چنین جنایاتی سکوت اختیار میکنند ... شنیدن خبر اختطاف و سر به نیست شدن چنرایبی ها و دههاروشنفر دیگر ضد بنیادگرایی و ضد بیگانه پرستی / درآینده هم مکرر در مکرر قلب ملت ما را خواهد فشرد .

روشنفکران آزادیخواه مادر پاکستان همیشه مورد تهدید پاندهای تروریست و آدم ربای گلبیدی و غیره قرار داشته و دارند. این وضعیتی است که همه به آن آگاه اند اما بحث روی اینست که مقابل اختناقیی تروریستی ازینگونه چه باید بکنیم ؟ این بار اول نیست که میگوئیم :

(۱) نیروهای مختلف طرفدار آزادی و دموکراسی و ضد

بقیه در صفحه ۵۸

درین شماره :

مطالب	صفحه
رحیم چنرایبی ربوده شد	۲
دملالی روغتون فعالیتونه	۳
چهارده بهار سیاه	۴
آقای عرفات، گلبیدی ...	۵
دینخو ضد بنسټپالوپرمخ ...	۶
اریتریا به آزادی رسید	۷
دای.اس.آی سیاست ...	۸
امنستی انترنشنل ۳۰ ساله شد	۹
اتحاد شوروی در فتر بحرانی	۱۰
دتروریست "امیر" غوپه ...	۱۲
بازهم در "بزرگترین ...	۱۳
جنایتی از وطن فروشان در ...	۱۵
آلمان شرقی غرق در کودال ...	۱۷
دناهدیپرونی دآزادی جندهده	۱۹
مصابحه زنان پاکستانی با ...	۲۱
پرتنه دمحا کمنونه داوردی ...	۲۳
مردم غیور مابه نوکران ...	۲۵
سیمای زنان در کویت پس ...	۲۶
فریاد مراکی می شود	۲۸
پیام زن و خوانندگان	۲۹
کردستان سرزمین رنج و مبارزه	۴۱
اشعار و چند مطلب دیگر	

آدرس مکاتباتی :

RAWA
P.O. Box 374
Quetta
Pakistan



د ملالی روغتون فعالیتونه

(۲۴ ساعته) د ناروغانو خدمت کوي

او زیاتسره نسایی / اسهال / محرکه /
استما (سالتوی) / برانشیت / دښځو
غیر نو رمال ویني ضایع کیدل /
روماتیزم / سوغیدنه او داسی نور
تکلیفونه په ناروغانو کی لیدل
کیری .

ملالی روغتون ۲۵ بستره / پیوه

د عملیات کوټه / دریکوری خای
(د عملیات نه وروسته د څارلو کوټه)
اکسری / زیږنتون / د پانسمنان
کوټه / لبراتور / دراجستر شعبه /
د رملتون او دواکسین د تطبیقولو
کوټه لری او همدارنگه د نرسانو

پاتی په ۶۱ مخ

ملالی روغتون د افغانستان

دښځو انقلابی جمعیت" لارښودی
شهید مینا له خوا په کال (۱۹۸۶)
دکویتی په ښار کی پرانیستل شو .
سره له دی چه دا روغتون
کافی مالی امکانات نه لری خو
دپرانیستیدو دوخت نه تراوسه
د(۳۲۰,۰۰۰) نه زیاتو ناروغو ښځو
اوماشومانو علاج یی کړی دی .

ددی روغتون ناروغان ټول
افغانان دی او اکثرأ د پنج پای/
سرخاب / سرد نان / گردجنګل دکمپونز
نه او یو زیات شمیر ناروغان
دنه افغانستان نه راځی .

دا روغتون شهه اوورځ



هره ورځ د ۳۰۰ زیاتی ښځی اوماشومان ملالی روغتون ته د معالجي لپاره راځی

گزارشی از کابل:

چهارده بهار سید-اه

یکی از خواهران ما
این گزارش را از
کابل فرستاده اند

خادی ها و تسلیمی ها امروز
روشن به اختطاف دختران میپردازند
و بعد از تجاوز به آنان یا آنها را
میکشند و یا بعد از مدتی رهایشان
میسازند. مثلاً در یکی از روزها
دختری بانامزدش از تایمنی به
شهرنو میرفتند که مورد بازجویی
تسلیمی های هرات قرار گرفتند.
بعد از سوال و جواب مختصر آنان را
به پوسته "تسلیمی" میبرند. دختر
را به یک اتاق و نامزدش را به اتاق
دیگر میبرند. نامزد دختر موفقی
میشود فرار کند و خود را به حوز
د هم خاندن می رساند و جریبان
را به آنان اطلاع میدهد. آمر حوز
نزد "تسلیمی ها" آمده با عذر فراوان
دختر را از آنان میگیرد. چون به
عفت دختر تجاوز شده بود نامزدش
از عروسی با وی منصرف میشود
بقیه در صفحه ۵۱

امسال سال چهاردهم تسلط حزب
مزدور خلق و پرچم بر کشور ماست. شهر
کابل که مرکز تسلط این عناصر
خود فروخته و فاشیست است هنوز هم در
چنگال آنان دست و پا میزند.
در شهر کابل هیچکس احساس
امنیت نمیکند مردم شریفش همیشه
بادلهره و تشویش زندگی تلخ خود را
میگذرانند ولی برعکس خلقیها و
پرچمیها/خادی ها/ صاحبان میدان اردو/
خاندنوی/ملیشای دولتی و نجس تر
از همه ی آنان "تسلیمی ها" سرمست
از عیاشی و خوشگذرانی خود هستند.
دزدی خانه/سرای و دوکان یک امر
کاملاً عادی و معمولی است زیرا
بعد از قیود شبگردی موترهای گزمه
در هرگونه جنایتی دست باز دارند
و با استفاده از خلوت شب با
سلاحهایشان بسادگی به دزدی
میپردازند.

* "تسلیمی ها" دسته ای از اوباشانی اند که در جبهات مرتکب قتل/ غارت/ راهزنی و هرزایی
جنایت دیگر گشته و بیعت رقابت با گروههای مخالف خود و یا عکس العمل شدید مردم قادر
به ادامه جنایت در جبهه نبوده خود را به دولت مزدور تسلیم میکنند و دولت هم بنوبه خود در
ارباب/ سرکوب و شکنجه مردم از آنان کار میگیرد. و در بدل به آنان زمینه هرنوع عیاشی و
خوشگذرانی را مهیا میسازد. اکثر تسلیمیها مربوط احزاب بنیادگرا به خصوص حزب گلبدین
اند. این دسته در ارتکاب هرنوع جنایتی دست باز دارند.

مردی وی دکابل گوداگی رژیم!

آقای عرفات، گلبدیدین ارزانی شما باد!

اینک آنچه را نمیتوانستیم به آسانی قبول کنیم رسانه های پاکستان و جهان بطور انکارناپذیری برملا ساخته اند. **بـــراســـاس** «دی فرنترپرست» ۷ دسامبر ۱۹۹۰/ عرفات لا اقل چهار بار ترتیب دیدار گلبدیدین بایعقوبی و سلیمان لایق را در پایتخت های عربی داده است. البته بوی این تباری آنقدر بالا گرفت که گلبدیدین هم طبق معمول تمام سیاست بازان ریاکار و روسپاه در برابر مردم/مجبور شد حتی در لوگربهبانه مصاحبه ای موضوع را تکذیب کند ولی با اینهم نمیتوانست تائید نکند که «عرفات در حضور بی نظیر بوتو و مشاورانش از من خواست که من حیث رهبر حزبی قدرتمند و متشکل بانجیب به مذاکره پردازم مسئله افغانستان حل خواهد شد...» پس از کودتای نظامی ۶ مارچ نجیب تماس با حزب اسلامی را قطع کرد. (دی فرنترپرست ۵ دسامبر ۱۹۹۰)

تبصره روی زدوبندهای پنهانی و خائنه گلبدیدین بـــا وطنفر و شان امری اضافیست. هیچ هموطن مادیکر تردیدی ندارد که گلبدیدین تروریست و حزبیست و منافع فاشیستی و ضدملیش اقتضاء کند بی محابا و حتی گاهی آشکارا با وطنفروشان و سایر دشمنان میهن و مردم مابه معامله گری میپردازد. انکار و قیحانه او از ملاقات با عمال رژیم نمیتواند چهره رنگ زرد و شرمسارش را بپوشاند چرا که حتی کودکان ماهم میگویند: «گلبدیدین تو که باکشیفترین منبره رژیم یعنی شهنواز تنی کودتا کنی روی چه دلیل و کدام احقاق میتواند بپذیرد که از ملاقات با دو وطنفروش دیگر سرباز زنی؟ و باز بفرض اگر با آنان ندیده باشی - آن هم بدعوت آقای عرفات - چه اهمیتی دارد در حالیکه با یکی از بقیه در صفحه ۵۶

**زنده باد مبارزه مردم فلسطین
بخاطر آزادی و حقوق شان!**

دښخو ضد بنسټپالوپرمخ یو بل خوله ماتوونکی گزار



داکتر نورجهان پانیزی

فکر کوونکی بنسټپالوپرمخ کلک
اوخوله ماتوونکی گزار دی .
نړی دمذهبی فاشیستانسمو او
بنسټپالودهیلو او آرمانونوپه خلاف
وپراندی غی . په مسلمانو هیوادوکی
ښځی نورو آزادیوته رسیدی اوبیابم
همداسی گزارونه دی تاریک خیاله
کسانو ته حواله شی .



آدرس بانکی:

Mrs. Hafez
A/c No. 9631-1
Habib Bank Ltd.
Frere Street Branch
Saddar-Karachi
Pakistan

ډاکتر نورجهان پانیزی دپاکستان
دسنادمعاونی په حیث انتخابه شولنه .
وروسته له بیگم لیاقت علی خان
اوبی نظیر بوتو دا دریمه ښځه ده چه په
یواسلامی هیوادکی ددولت اوچته
شوکی اداره کوی .

که څه هم دپاکستان بنسټپالولکه
پروفیسور خورشید احمد/قاضی حسین
احمد او حافظ حسین احمد دپانیزی د
انتخابیدوکلکه مخالفتونه وکړل
خوهغوی ونشوکی ای چه دسناد اکثریت
غږوله خوا ددی انتخابیدو مخنیوی
وکړی . ان سناتور حافظ حسین احمد
خپل د ماشومتوب خوب له امله په ډار
کی ولویډاوسودایی شوچه که د۱۳- C
دطبیاری سقوط حادثه (چه په هغی کی
ضیاء الحق اودده همکاران ووژل شول)
تکراره شی اوجهوررئیس اودسنا رئیس
په کښی له منځه لاړشی دهیوادواگلی
به دیوی ښځی په لاس کی ولویږی .

دډاکتر پانیزی انتخاب په
پاکستان کی اودښگلہ دیش د
صدر اعظمی په توگه دبیگم خالده ضیاء
اودهمدی هیواد داپوزیسیون رئیس
په توگه دبیگم حسینه واجدانتخابیدل
دپندی افغانستان په شمول په ټولو
مسلمانو هیوادوکی دمنځنی پیړی

اریتریا

به آزادی رسید

۳۰ سال پیکار قهرمانانه مردم

اریتریا برای کسب استقلال و آزادی به ثمر رسید و بدینصورت راه برای انکشاف و بهبود زندگی مردم جنگ زده و قحطی کشیده اریتریا و نیز اتیوپی باز گردید.

هنگامیکه "جبهه آزادیبخش خلق اریتریا" پس از تسخیر "اسمره" کنترل کشور را بدست گرفت خواستار برگزاری و فراندمی تحت نظارت ملل متحد درباره استقلال اریتریا از اتیوپی شد و انجام هرچه زودتر انتخاباتی را اعلام داشت که کلیه سازمانهای وطنپرست بتوانند در آن نامزدهای شانرا معرفی کنند.

فقط چندروز پس از آزادشدن اریتریا بود که با فرار دلتیبار منجیستوها یل مریم به زیمبابوه بقیه در صفحه ۵۹



رزمندگان اریتریایی در کنا ریوستر تبلیغاتی رژیم منجستی در یکی از خیابانهای ادیس آبابا. آیا بزودی شاهد یکچنین صحنه های درمیهن خود خواهیم بود؟

امریکایی سناتور په ډاګه کوي :

"دای.اس.آی سیاست په افغانستان کې ناکام شو"

سناتور اوریچ (Orrin Hatch)

چه دسنا په خارجي کمېټه کې غړيتوب لري وایي چه امریکا په داسې حال کې چه په نظامي برخه کې فشار اچولی / دپلماتیک ابتکار هم ترلاسه کړی اوسکويي دی شه اړه کړی چه د سیاسي لسیا رې دافغانستان ۱۲ کلنه داخلي جګړه پای ته ورسېږي .

ضمناً د نوموړي سناتور په وینا کې په سو واور بهیاد ا نه پتیدو نکی حقیقت څرګندیږي چه څرنګه ګلبدین دامریکي زیات پوځ او مالی مرستی تر لاسه کوي او اوس کله نا کله دخپلو معینو بی وفايو سره دخپل امریکايي بادار تر غضب لاندی راځي .

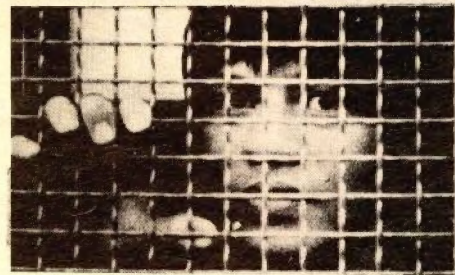
دسناتور هاج څو وړاندیزونه :

(۱) امریکا باید ټینګار وکړي چه په ګلبدین حکمتیار مرستی بندی کړای شي . دحکمتیار ډله دایماً د مقاومت په نورو ځواکونو یرغل کوي / هغه دخلیج په جګړه کې دمدام حسین نه پلوی وکړه . دده پر ځای دی مرستی اعتدال پسند ګروپونو او ملی قوماندانانو ته زیاتوي

کړي شي او اسلام آباد هم دافغانستان دراتلونکي سیمه اسی کنټرولولو هلی ځلی ختمی کړي .
(۲) څرنګه چه مسکو په تیر کال کې تقریباً ۳۵ بلیون ډالره پوځ مرستی او ۷۰۰ ملیون ډالره اقتصادي مرستی کابل رژیم ته په استولی / دامریکا مرستی لیرېدول و مسکو ته به زموږ ګټې له منځه یوسي . کريدت / قرض او تکنیکی مرستی په دی شرط ورکړي شي چه دافغانستان د لانجی د عادلانه حل په خدمت کې وي ددی ټکي په پاملرنی سره چه په روان کال کې د شوروی د ۱۵٪ دناخالصو ملی تولیداتو کمښت به ګورباچف دی ته اړ کړي چه دخبرواترو په میز کېښي .

سناتور هاج ماسکو ته دخپل وروستنی سفر په باره کې وویل: " ما دروسانو هیڅ ډول د نرمی ښی نښانی ونه لیدی " د کی . جی . بی رئیس ولادیمیر کرچکف وویل چه رئیس نجیب اله - چه په قسوت کې دمدام مخ سپینوی - یو "لوی وطنپالډی پاتی په ۵۵ مخ

امنستی انترنیشنل
(سازمان عفو بین الملل)
۳۰ ساله شد



“انسان آزاد به دنیا آمد”



۳۰ سال قبل در استوران کوچکی

در پرتغال تعدادی محصل هنگام
صرف صبحانه جامهای شان را بنام
آزادی سرکشیدند عملی که خوشایند دولت
نبود و محصلان مذکور دستگیر شدند. وقتی
پیتر بنسن (Peter Bensen)
قانوندان انگلیسی این
خبر را در روزنامه "آبزرور"
لندن خواند تکان خورده و از طریق
روزنامه ها از مردم خواست بمنظور
دفاع از حقوق بشر دست بهم
دهند. دعوت او وسیعاً مورد استقبال
قرار گرفته و در ۲۸ می ۱۹۶۱ نخستین
گروه امنستی انترنیشنل تشکیل
یافت.

امنستی خواهان رهایی بدون
قید و شرط زندانیان عقیده است
مشروط بر اینکه مرتکب شدت عملی
نشده باشند. از نظر امنستی زندانیان
عقیده انسانی را در بر میگیرند که بخاطر

بقیه در صفحه ۶۳

ارسالی خواننده‌ای از بلژیک :

اتحاد شوروی در قعر بحران

مدتها بود که پیکر حزب و دولت شوروی را امراض گوناگون بصورت نامرئی تخریب میکرد. رشد ایمن امراض تدریجی و نامرئی بودولنی زخم خونین که شمشیر افغان‌درپین بدن بیمار بوجود آورد/ باعث شد تا ارگان‌های مذکور بشکل بیسابقه ضعیف گردیده همه امراض لاعلاج او آثار خود را بیرون دهد. اشرافیت حاکم حزبی و دولتی در فکر علاج افتادند و سرانجام گورباچف منحیت یک طبیب "حاذق" بریستر بیمار آورده شد. "طیب" گورباچف برای مریض خود دو اهائی مسکن بسیار تجویز کرده بخاطر طولانی ساختن عمر بیمار تصمیم گرفت تن به عقب نشینی ها و تسلیم طلبیهای گوناگون بدهد تا فشار رقبا را از سر مریض کم سازد و بخاطر جلوگیری از نابودی شوروی بیمار از کمک اقتصادی و فنی آنها استفاده کند. واقعیت‌های دو سال اخیر مبین این امر است که محاسبات گورباچف نادقیق و سطحی بوده است. رقبای آنچه بدست آورده اند قانع نیستند. آنها فکر میکنند که حالا نوبت خود شوروی است که باید به باصرفه‌ترین شکل آن تمام و کمال در حیطه تسلط و فرمانروایی شان

در آید/ از جانب دیگر مردم عادی شوروی که تشنه دموکراسی بودند با استفاده از فضای بال‌نسبیه باز چند سال اخیر توانسته اند حداقل خواسته‌های خود را در جهت مطالبه دموکراسی بیشتر و رفاه برای همه / لغو اختیارات بیشمار اشرافیت حزبی - دولتی و مبارزه با سردمداران فاسد کرمانی - فورمول بندی نموده و تاحدود کمی هم در جمعیت های علمی / نیمه علمی و مخفی گرد آیند. بعبارت دیگر - گلاسnost و پرستیم گورباچف و در مجموع اتحاد شوروی درگیر بحران عمیق است که اینک بر چند بعد این بحران ازو رای مطبوعات جهان نیم نظری می‌اندازیم :

در شوروی انفلاسیون برای نه ماه اول امسال (۹٪) رسماً گزارش داده شده ولی قیمت ها در بازار سیاه برای ختم امسال بالاتر از ۲۰۰ الی ۳۰۰ فیصد تخمین زده شده است . بیلا نس تجارتی شوروی همچنان روبه کسراست . این کشور بزرگترین تولیدکننده نفت جهان است تولید نفت سالانه آن دو برابر عربستان سعودی میباشد ولی بدون مبالغه قسمت زیاد سود حاصله از ازیاد قیمت نفت

بحران اقتصادی خطرناک و تا توسط ارتش و کی.جی.بی را از دیامی بخشید. این مطلب را دگلاس هاردون زیر خارجه انگلیس بتاریخ چهاردهم دسامبر ۱۹۹۰ میلادی در خروج از جلسه وزیرای خارجه باز از مشترک اروپا به خبرنگاران تلویزیون خبری (C N N) توضیحات بیان داشت و "ما با خطر کمک به آقای گورباچف و پروستریکا اعطای یک بلیون دلار کمک مواد غذایی را به شوروی تصویب نمودیم".

ولی مدتی بعد که آقای گورباچف تغییر روش میدهد (کسب اختیارات فوق العاده و در نتیجه استعفای شورادنا دزه / سرکوب جدایی طلبی در جمهوری های بالتیک / جابوب کردن وزیرای مدافع اقتصادیان از کابینه و غیره) پرداخت این کمک ها به تعلیق درآمده و به روسها تفهیم گردید که صرف در بدل جانبداری از غرب در جنگ خلیج و اتحادیه و اتحادیه غرب پسندانه در قبایل یک سلسله از مسایل داخلی خواهند توانست سعادت بدست آوردن این کمکها را نصیب شوند. اینجاست که پسرده بشردوستان از روی این کمکها کنار میروند و اهداف واقعی خودنمایی میکنند. گفته میسرگاردینن بقیه در صفحه ۷۰

از طریق با این لاینها شکست به باد فنا میروند. (روزنامه گاردین شماره هفتم دسامبر ۱۹۹۰) "لیتراتورنیا گزیتا" چاپ مسکو در شماره دسامبر ۱۹۹۰ خود در رابطه باز مستان سال ۱۹۹۰ می نگارده "امسال مردم شوروی بدترین زمستان طی چهل سال گذشته را می گذرانند. مواد سوخت و سایر مواد مورد ضرورت اولیه بشکل وحشتناکی کمیاب شده است. تنهادر شهر مسکو یک میلیون و دویصد هزار نفر درلست نیازمندان مواد خوراکی امدادی شیت شده اند." همین تشریه روسی کمک غربی ها را به شمشیه تشبیه میکند که بخواد اتاق بزرگی را روشن سازد. باید اضافه کنیم که غربی ها روی این کمک ها اسم "کمک بشردوستانه" را گذاشته اند و در کشورهای خود کارزار وسیع تبلیغاتی را درین زمینه به همراه انداخته اند تا ناداران و بیکاران جوامع خود را تلقین به پندگرفتن از روسها و قناعت به پدبختی های فعلی خودشان بنمایند.

هدف غرب ازین کمک های ظاهراً بشردوستانه علاوه بر جلب افکار عامه جهان و بخصوص شوروی/ جلو گیری از برچیده شدن دارودسته گورباچف بوده است. چه حادثه ن

د تروریست "امیر" غورځو مالي د خپلو عربو بادارانو په وړاندې

انډيوالانو په ستونډ ونيښلي او د خپلو د زرگونو ميړنو او دافتخار نه ډکو بچيانو د وينو بدله واخلي چه دشمنانو او ور ستا او نورو شکنجه ځايو کې په شهادت رسيدلي دي .

د گلبدين د استغفار نه ډکــه بيانیه يو بل ټکي هم روښانه کوي او هغه دا چه دهغه فاشيستــي ځواکونه د کنړ په ولايت کې پــه خونړي جگړو بوخت دي او داســې معلوميږي چه د عربيونک بخته غلامانو يعني دمو لوی جميل الرحمن وهابــي ډلي / کلک گزارونه د گلبدين په افرادو او دهغو په سازو سامانونو وارد کړي دي . په کنړ کې گلبدين په پيره سخته کي دي . يو اځــې د عربستان يوه اشاره سلفــي او وهابي نو کړانو ته بس نه چــه د گلبدين تفر د کنړ نه په کـامله توگه ټول کړي . په دې حالت کې آيا ښکاره غوړه مالي ديوې اعلاميــې په سطح د عربو په مقابل کې (پرتــه دپتو پښو ښکلولو په سفارتونو کې او خصوصي ليدنې کتنې) ديو داســې شيا د اوسالوس فرد لکه گلبدين لخوا ضروري نه و ؟

پاتې په ۷۷ مخ

ورځپاڼو د جولای په څوارلسم کي خبر و رکړ چي گلبدين په يوې بيانیه کې په ځنومطبوعاتو کې دهغه ليکل شوي گزارش تکزيب کړي چه وياډي (گلبدين) د ټولو عربونه غوښتي چه افغانستان پرېږدي . برڅيره پردې ياد ونه يي کړي چه دهغه حزب د عربو " وروڼو " پورې دي نــود افغانستان د پريښودلو مسئله د عربانو پواسطه نشي مطرح کيدای .

معلوم ندي چه گلبدين د پــا د فکر روښانه کولو لپاره د ابـيانیه صادر کړي ده / که د الوبی د پاکــستان سپکو او بي پرنسپ مطبوعاتو لپاره وي هيڅ خبره نلري . ولی تر هغه ځايه چه مسئله زمونږ د وطنوالو فکرونو پوړي اړه لري / سپي وژونکی "امير" بايد پوه شي چه زمونږ خلکو د پير وخته نه دا پوهه پيدا کړي چه د گلبدين نامه دهغه د عربو امريکايي او پاکستاني اربابانو د نامه سره تړلی دي . هغه ورځ چه د احياتــي رابطه غوڅه شي د حزب اسلامي د تروريزم او تبه کاريو عمر هم سرته رسېږي او دا هغه وخت دي چه زمونږ دخلکو د قدرت نه ډکي منگلي د گلبدين او دهغه د جنايتکارو

بازهم در "بزرگترین دموکراسی" جهان دختر قربانی میشود

بشمول و اعظم معبدی در "بسموند" در ایالت مدیایر ادیش پیراز آنکه دختران را قربانی کردند سرش را یکجا و تنه او را درجایی دیگر دفن کردند تا امسال محصول خوبیی داشته باشند!

در چند شماره پیش "پیام زن" نیز خبر قربانی کردن دخترانی بود. ولی این خبرها فقط گوشه کوچکی از رخدادهای متعدد و هولناک از این قبیل در جامعه هندوستان است.



با از بین رفتن راجیو گاندی / طومار دودمان شهروپرچیده شد. ولی هنوز حکومتی که برای زخمهای ۸۰۰ میلیون مردم هندمرهمی باشد وجود نیامده است. دموکراسی سیاسی بدون وجود عدالت اجتماعی یا دموکراسی اقتصادی ناقص است.

بنابر گزارش روزنامه "دی تایمز آف انڈیا" مورخ ۶ جون دختر دهساله ای را دریای ربالنوعی سر بریدند.

بقول روزنامه مذکور چهار مرد



زنان
هند
زیر
ستم
هزار
گونه
رنج
میکشند



شکست

یکی دو لحظه پس از قرن‌ها شنو سخنم
هنوز برده تبعیض و ناسزات منم
دمی گذار مرا گوش ده و زور مگو
که در اسارت زندان جبر هاست تنم
چو براریکه جباریت نشسته ای تو
حدیث زنده و مجروح ظلم‌هاست تنم
چه قصه ها که نیاراستی زبهر فریب؟
چه رنجه‌ها نکشیدم برای اینکه زنم
سرودی با دم افسون که "عاریم از عقل"؟!
مگر نه هسته مردی و ممکنات منم؟!
زموش حسودی خود ، کرده اسیر مرا
که در سیاه‌کده ، کالای بی بهات منم
کجاست عدالت و احساس جاودانه‌تو؟
اگر زبان بگشایم حقیر و بی وطنم
بدشت ، همچو تو زحمت کشیده‌ام همه عمر
بخانه مادر مزدور خاک پات منم
چه زندگی است بگو گوش کن بهانه مکبر
که در سراسر عمرم همیشه در کفتم
مگر هنوز فروشم رواست زانکه توئی
خدای قدرت و ارباب ملک جان و تنم
تو گفتی پست ترم زانکه زن بود نامم
ولی حکایت زیبای عشق ناب و ترم
تو گفتی کار من است زادن و نشستن و خواب
ولی کنون هنر و علم هست ، راهبرم
اگر چه زنده بگوریست مذهبیت ای مرد
ولی سلاح من امروز نیست چشم ترم
منم چو هرکس دیگر درین دیار خراب
بهوش باش که با قهر بسته‌ام کرم

گزارش خاوهری از زاهدان :

جنایتی از وطن فروشان در ریگستان نیمروز

خواهران رزمنده جمعیت انقلابی
زنان افغانستان !

درودهای پرشور و پرحرارت من را
بپذیرید !

گاهگاهی نشریه تان گسه
الهامبخش روحیه پرشور انقلابی
برای زنان کشور ماست بدستم میرسد
و آثار مطالعه میکنم . باتوجه بسبب
اختناق و فاشیسم که در ایران حاکم
است نمی توانم آدرس را برای تان
بنویسم تا مسلسل نشریه تان را مطالعه
می کردم بهر حال گاهگاهی آنرا از
دوستان بدست می آورم من که اندکی
سواد دارم اخیرا از ولایت نیمروز به
شهر زاهدان ایران مهاجر شده ام .
پرچمهای شرفباخته بنام آزادی زن
سازمان زنان را در نیمروز نیز
ایجاد کرده اند که جمعی از زنان
بدنام و منفور میباشد این سازمان
زنان به جز از اشاعه بی ناموسی
و بد اخلاقی کار دیگری ندارد .
جریانی را که در جدی سال ۱۳۶۸ در
آن ولایت بوقوع پیوسته است و خودم
آن وقت در نیمروز بودم که گویای
زننده برخورد پرچمی ها
به زنان رنجکشیده کشور ما میباشد
برای خوانندگان عزیز پیام زن نوشته

تا باز هم آنها چهره واقعی "دفاع"
پرچمهای وطن فروش از آزادی زنان
را آنطوری که هست ببینند .

در یکی از روزهای سرد ماه جدی
سال ۱۳۶۸ موتر سرویس از شهر نیمروز
بادونفرکا رگر بنام های فتح محمد
و نور محمد جهت آوردن هیزم بطرف
ولسوالی خاشرود حرکت میکنند
در برگشت ریش سفیدی بنام
حاجی عبدالشکور در راه جلوسرویس
می ایستد و می خواهد بدختر سه طفل
دختر و خشوی دخترش به شهر نیمروز
برود و نظر محمد غریب موتر و آنرا
را سوار موتر میکند دختر حاجی
عبدالشکور که پایش سوخته و جهت
تداوی به شهر میرفت زن يك مجاهد
خاشرودی و حامله دار بود در نزدیکی
شهر نیمروز به یکی از گروههای سیار
دولت که محافظ شهر میباشد روبرو
میشود و شش نفر مسلح پرچمی پیشروی
موتر را میگیرند . بعد از بازجویی
و بازرسی دستور میدهند که زنهارا
پیاده کنید و به نظر محمد و دیگران دستور
میدهند که اینهارا نزد ما گذاشته و
خودتان بشهر بروید و اگر جایی جریان
را قلم کردید و ای بحال شما موتر و آن

بقیه در صفحه ۶۸

د «عبوری حکومت» اختلافات ژور کپیری

"حيات آبا د" کی په کار پیل کړی. ددی وزارتخانو کارکوونکی د ضرورت دحده خوچنده زیات دی .

مولوی خالص په خپل مطبوعاتۍ کنفرانس کی پیتړتیا مسن په دی محکوم کړی چه دی د قوماندانانو شور او د علماو شور او د احمدزی د قوم شور او نورو شوراگانو ته مالی مرستی بر ابری کړی . امریکاییان پدی مستقیمو مرستو چه اراد او شوراگانو ته ورکوی افغانان تجزیه کوی او د سیاسي رهبری نه چه هغوی په افغانستان کی د اسلامی غورځنگ بنسټ ایښی دی سترگی پتهوی .

دی و رځپاڼی د محاذملۍ قوماندانان او امریکاییان پدی تورن کړی چه د مجاهدینو په منځ کی تفرقه اچوی او دوی د جلال آباد د ناکام او خپله خنده عملیات مسئولین دی .

مولوی خالص ادعاو کړه چه سید احمد گیلانی په ژنیوکۍ د کال ۱۹۹۰ په نوامبر کی نجیب سره کتلۍ دی . هغه دیوی خواد د جهاد نه غږیږی او د بلی خوانجیب سره پاتی په ۷۹ مخ

د فرنتیریسټ انگلیسی ژبی

ورځپاڼی ۱۹۹۱ کال دمی په یولسمه گڼه کی ترپورتنی عنوان لاندی یو مفصل مطلب لیکلی چه اساساً د گلبدین/ مولوی خالص او برهان الدین ربانی نه د دفاع او هغوی ته د تبلیغ بڼه لری . مو نږدله یواځی ددی مقالی ځنی برخۍ تاسی ته وړاندی کوو .

"د وزارت دڅوکی نه د مولوی خالص د استعفا وروسته د عبوری حکومت اختلافات ژور شوی دی . عبوری حکومت د خپل جوړیدو د لمرنیو ورځونو نه د افغانستان دولس د اعتماد وېر نه گرځید / ځکه دهغه جگۍ / جگۍ ادعاگانۍ چه گویا عبوری حکومت به دیوی میاشتی په دوران کی دننه افغانستان ته منتقل شی او د شپږ و میاشتو په دوران کی به د مجاهدینو تر قبضی لاندی سیمو کی انتخابات په لاره واچوی / عملی بڼه ونه موند . یوزیات مقدار پیسی افغانستان ته د انتخاباتو د تهمینونو د لیردولو په نوم مصرف ته ورسیدی .

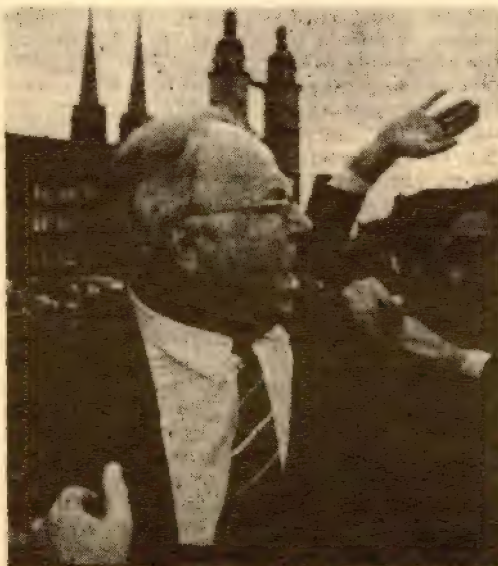
د عبوری حکومت د ۲۸ وزارتخانو نه ۱۲ وزارتخانۍ د پاکستان د معتبرو خلکو هستوگنځی په سیمه کی یعنی "یونیورسټی ته" او

ارسالی خواننده‌ای از آلمان:

آلمان شرق غرق در گودال بیکاری

مذکور از بیم آینده نداشتن چندان
مایل به سرمایه گذاری در آنجا
نیستند .

تا دو سال پیش آلمان شرقی از
نظام بسیار گسترده امنیت اجتماعی
برخوردار بود که حداقل معیار زندگی
را برای مردم تضمین میکرد. بسیاری
از مردم از طریق کار دوست یابی
میکردند. گردهمایی های اجتماعی /
پرستاری کودک و تعطیلات از طبر ف
کارخانه تنظیم میشد. اما اکنون
این سیستم از بین رفته است. بسیاری



کول صدراعظم آلمان هنگام سفر به بخش
شرق آلمان با تخم مرغ و حتی سیلی
مورد استقبال قرار گرفت .

مردم آلمان شرقی از زیوغ تسلط
مستقیم و غیرمستقیم شوروی نجات
یافتند و پس از انجام وحدت دو آلمان و
در پیش گرفتن نظام اقتصادی جدید /
اکنون ضمن روبرو بودن با مشکلات
متعدد در گودال بیکاری بیسابقه ای
دست و پامیزند. بیکاری ای بدتر از
بحران اقتصادی سالهای ۱۹۳۰ .

بعثت مسدود شدن موسسات یکی
پی دیگر و ادغام اقتصادی با آلمان
سرمایه داری قریب سه ملیون تن
یعنی حدود ۴۰٪ از ۸ ملیون کارگر
از بخش شرق آلمان کار شانس را
از دست داده و این جریان همچنان
ادامه دارد. گفته میشود که تا پایان
سال جاری تعداد بیکاران به اضافه تر
از ۴ ملیون خواهد رسید .

دولت میخواهد موسسات را به
فروش برساند اما مسئله اینست که
خریدار پیدا نمیتواند زیرا
در آلمان شرقی طبقه سرمایه دار
قادر به خرید فابریکات وجود ندارد .
تنها سرمایه داران انحصاری توان
اینکار را دارند ولی برای مردم به
آسانی قابل قبول نیست که چرا باید
خارجیان مجاز باشند اقتصاد آنها را
در دست گیرند. متقابلا سرمایه داران

اندازه بخش شرق بخرازی نیست اما به مرور و خامت کسب خواهد کرد. اخیراً رئیس "بوندیس بانک" استعفا داد. او علناً به هلمت گول حمله کرد و گفت که جریانات کنونی، تاثیری منفی بر سراسر آلمان خواهد داشت. مفسران زیادی از احتمال یک انقلاب اجتماعی دیگر صحبت میکنند.

در اول اپریل امسال رئیس

"مؤسسه خصوصی کردن ترویهانند" وابسته به سرمایه داران بن که بعلت بستن ۳۳۰ شرکت دولتی بنام بازسازی اقتصادی بخش شرقی مورد تنفر مردم آلمان شرق قرار داشت / توسط چریکهای شهری به قتل رسید. گروه چپگرای موسوم به "گروه ارتش سرخ" که اعلام داشته علیه آلمان متحد سرمایه داری به نبرد خواهد خواست مسئولیت آنرا به عهده گرفت. قتل مذکور که همزمان بود با اوجگیری و تند شدن ناآرامیهای کارگری در بخش شرق / این مسئله ترسناک را مطرح کرده که آیا وحدت دو آلمان موجب خشونتهای بیشتری خواهد شد؟

مدها هزار تظاهرکننده در هامارچ

و روزهای بعد ضمن تقاضای حفظ کارهای شان / مؤسسه "ترویهانند" رامتهم ساختند که بجای نوسازی

بقیه در صفحه ۶۳

از مردم بعلت خصوصی شدن منازل از خانه هایشان بیرون رانده شده اند. این وضع طبیعتاً برای امپریالیستها که میخواهند اقتصاد آلمان شرق را همچون لقمه چربی ببلعند / بسیار ناگوار است و شباهت میخواهند تا حاکمیت داشته باشند اینست که آنها دستجات فاشیستی و نژادپرست را سازمان داده و مردم را با این حيله قدیمی میترسانند که: "اگر آرام نشوید / موجب تشییع فاشیستها خواهید شد."

ضمناً بر اساس تاریخ سرمایه داری فاشیزم تشویق میشود تا مسایلی واقعی که همان گردیده و جنبش عادلانه توده های مردم از هدف اصلی منش منحرف گردد.

و قتی کوشش برای خاک پاشیدن بر چشم مردم از طرق مختلف جایی را نگرفت / آنگاه فاشیزم بهترین وسیله در ذرا دخانه امپریالیستهاست آنگاه بسیطه فاشیزم بمثابة خطری واقعی عرض اندام میکند.

در بخش غربی آلمان هم وضع بر وفق مراد امپریالیستها نیست. طبقه کارگر باید با ر سنگین وحدت دو آلمان را متحمل شود. کارگران این بخش آلمان هم بعلت پائین آمدن معیار زندگی به حرکت درآمده اند. البته در حال حاضر وضع در آنجا به



ناهید د ۱۳۵۹ کال د شورپه نهمه نیټه د کابل د جینکوپه هغه مظاهره کی چه دروسانودتیری د غندلوپه خاطر په لاره اچول شوی وه / په شهادتورسیده د الاندی مقاله ددی قهرمانی اومبارزی پیغلی د شهادت دیولسم تلین په ویار تاسی ته وړاندی کووه

دکامل د ښار یوه څنډه د بلی
څنډی نه دنړیو لرو د ښوریدوله وجی
نه لیدل کیده . په داسی وخت کی
د تاشکند در اهر سو / ویاند له خولی
نه دامین د خونړی رژیم دنسکورید و
د نډوړی وهل کیدی . خلکو داسی
فکر کاوه چی د تاشکند در اهر سو
ویاند له خوبه په اخیدل کی /
او او تی بو تی وایی ځکه چی د
امین " شمالی دوست " او " ملگری "

سوی ژمی اودجدی دمیاشتی توره
شپه وه . سپینی واورى وریدی . د پغمان
د غرونو د سپوږمیانو تیزوالی
د واورو څاڅوکی د کابل آسمان
په تورو وریځو کی ورکول . د آسمانی
د غرو دیوالو نه چیزمونږ د نیکونود
مقاومت نبی دی په سپینو واورو او
نړیو لرو پټ شوی وو . د سپوږمیانو
دلگیدو اود ژمی د کنگلو له وجی
څوک له کورونو نه بهرته نه شو
راه تلای .

لاتراوسه تره کی په کومی کی نسه
دی میده کړی . دغلیم گن شیپ
الوتکی اوبار وړونکی جهازونه
دشپي په تیاروکی دکابل دآسمان
په فضاکی دگهو باجونکو اوکارغانو
په شان راخپری شوی وی . دکابل
خلکو فکر کاوه چی گنی دهندوکش
دغرونو زانی دهوا دسپردو له وجی
راخپاره شوی/ دکابل دآسمان نه
دتیرو یدو په حال کی دی / ورو ورو
آوازونه کوی غواړی چی تودو علاقه
ته لارشی .

د سبایی خړی دتوریدو په حال
کی وه دکابل درادیو ویانسه لا
دتاشکند درادیو په موجونو دخونکار
امین دنسکوریدو شعارونه ورکول،
دیار ټول واټونه اولوی لاری
په روسی فوځیانو دکی شوی وی چی
په زغره لرونکو ټانکونو سمبال
وو/ دژمی تودی جامی په تن
او روسی وړینی خولی یی په سروی
غمبرویی دکابل سروبادونولایسی
سری کړیوی . سره بیرغونه یی په
لاسونو کی خوځول داسره بیرغونه
دروسی " انټرناسیونالیزم" سوغات
وو چی زمونږ هیواد یی په زوره په
خپلی خاوری پوری تاپه . دیو / یو
نژ آواز اوریدل کیده / دشپي په شان
دگرځیدو بندیز دورځی لخوا هم
لگول شوی و .

دښار پیاوړی برخی دآسمایی
غر/ مرنجان غوتی / خیرخانه /
بالاحصار او عاشقان عارفان دپردیو
فوځونو دشپي دتیارونه په استفادی
نیولی وو . په دارلا امان کی
هزولوز روان وو . دشهید اصالحین
دشهیدانو ارواح گانو دکابل
دښار دخلکو په کهو شوو غوږونو
کی په بالاحصار کی دکیوناری دستي
کیدو اومکناتن دچارماری کیدو
گونگو سی کولی .

دکابل راهیو تلویزیون
بیرک کارمل یی دتره کی په ویر
شوده چی دمکراوښکی یی ټخولای
اوپه داسی حال کی چی "دشرق نابغه"
ماندپنه یی په ټنگ کی نیولای
وه دروسی ټانکونو له سر نه یی
دافغانانو دخلاصون او آزادی زیری
ورکاوه . خودکابل دخلکوپه سترگو
کی دفرنگی د شاه شجاع څیره ځلیده
چی دتیری پیری یاد یی بیادخلکو
په فکرونو کی راتازه کاوه .

د کابل دښار وگړی دومره
ساره ښکاریدل چی تابه ویل پسه
وینه کی خوب وپیدی دزیات غم نه
یی په شونډو داسی پرگ ولاړولکه
چی په خوب کی خپسی له مری نه نیولی
وی / ځینو په پی واکي داسی شونډی
رپولی چی تابه ویل دژبی په سردغم
پاتی په ۸۵ مخ

رپانده دی وی دښخو دآزادی بیرغ!

مصاحبه زنان پاکستانی با نماینده "راوا"

چندی قبل یکی از نمایندگان "راوا" مصاحبه ای داشت با چند تن از ژورنالست ها و دوستان زن پاکستانی که اینک مامتن کامل آنرا به نشر میسپاریم .

از نصف نفوس وطن ما چشم بیوشند / چگونه ممکن است همین کشور دلدان سازمان مستقل سیاسی زنان را به رسمیت بشناسند اینست که زنان را بی چاره محکوم و ناقصالعقل میپندارند. با اینچنین طرز تفکر عقب مانده و غیر انسانی چگونه ممکن است مبارزه سیاسی زنان را تحمل کنند و به آن موجودیت مستقل قایل شوند .

س: شما با کدام سازمانهایی از افغانستان رابطه دارید و آیا احزاب میانه رو مورد تائیدتان است؟
ج: راوا از نظر تشکیلاتی کاملاً مستقل است. از نظر سیاسی تمام آن سازمانهایی را که از استقلال آزادی / عدالت اجتماعی و مبارزه زنان حمایت مینمایند / تائید میکند. ما با سه حزب میانه رو تا حدودی خود را نزد یک احساس میکنیم ولی این نزدیکی و تفاهیم مأمون به اتخاذ موضع قاطع میانه رو در برابر

جمعیت انقلابی زنان افغانستان خواهان چه نوع حکومتی در افغانستان است؟

ج: پس از سرنگونی دولت دست نشانده کابل و تأمین استقلال کشور مردم خواهان آزادی های اجتماعی اند که سالهای متمادی در عطش آن بوده اند. راوا همواره با سایر نیروهای دمکرات و آزادیخواه کشور طالب استقرار دولتی مبتنی بر استقلال / دمکراسی و عدالت اجتماعی است. همچنان راوا میخواهد تا زنان افغانستان از حقوق مساوی با مردان برخوردار بوده حق شرکت را در امر اقتصاد / سیاسی و اجتماعی داشته و در تعیین سرنوشت کشورشان سهم داشته باشند.

س: چرا اکثر جمعیت انقلابی زنان افغانستان را با دیگر سازمانها پیوند میدهند و آن را مستقل نمیدانند؟

ج: وقتی در کشور ما عناصر و نیروهای انحصار طلب / ضد زن

مطبوعات پاکستان دشنام گفتند.
این دسایس و سازش هاتازمانی که
انحصار طلبان تروریست در محنت
سیاسی کشور ما وجود دارند ادامه
خواهد یافت.

س: شما با کدام کشورها رابطه
دارید؟

ج: این سوالیست که بارها در
روزنامه ها و مطبوعات پاکستان
به آن مواجه شده ایم ولی یکبار دیگر
به همگی اعلام میداریم که ما را با
احزاب دیگر اشتباه نکنند. احزاب
پشوری و ایرانی که تا گلودروا بستگی
غرق اند/ دیگران را هم در آئینه خود
می بینند و بناء نمی توانند تصور
کنند که ما چگونه مستقل و غیروابسته
بوده میتوانیم. ما با افتخار و صدای
رسمی گوئیم که نه هرگز استقلال سازمان
خود را خدشه دار ساخته ایم و نه وابستگی
به کشور یا حزب دیگر تحمل کرده ایم.
اگر احزاب مخالف مادر و غ نمیگویند
باید هر سند و مدرکی را که در رابطه
با وابستگی ما به کدام کشور خارجی
در اختیار داشته باشند انتشار دهند.

س: به قول خود شما راوا
فعالیت های مخفی و علنی دارد/ مخفی
چرا؟

ج: در داخل کشور اوضاع اختناق
و فاشیستی حاکم به ما اجازه نمیدهد
بقیه در صفحه ۸۰

انحصار طلبان است و اینکه آنان
تا چه حد از حقوق زنان پشتیبانی
میکند. اما با تاسف می بینیم که
اتحاد سه گانه تاهنوز هم دچار
جبن سیاسی و موضع کجدار و مریز نسبت
به نیر و های انحصار طلب و در را س
آن با ند گلبیدین است.

س: گاهی در بعضی از مطبوعات
پاکستان اتهاماتی علیه راوا
را خوانده ایم. چرا چنین است؟

ج: از آغاز جنگ مقاومت تا
کنون بنیادگرایان و مضموم
دار و دسته گلبیدین به
افسار گسیخته ترین شکل شروع به
توطئه گری بر ضد ما کردند. در اوایل
اتهامات کثیفی که فقط شایسته
خودشان بود به ما بستند ولی چون
همه ی این لجن پاشی های بیشرمانه
به اصطلاح گل خشک ربه دیوار زدن بود
از نفوذ خود در برخی از مطبوعات
مبتذل پاکستان استفاده کرده و هر
قدر می توانستند علیه ما فحاشی
کردند. این منحرفین پر عقده
در روز هایی که خواهر مینا
رهبر و بنیانگذار جمعیت انقلابی
زنان افغانستان بدست خاد و به
همکاری با ند گلبیدین به شهادت
رسیده بود فرومایگی را در حادی
رساند ندکه به آن شهید ما نیز
به زبان پست و هرزه شان در

دملگرو ملتو دعفوی سازمان

افغانستان

پرته دمحاکمو نه د اوږدې مودې بند او شکنجو گزارش
(مارچ ۱۹۹۱)

د رنو دوستانسو /

دملگرو ملتو دعفوی سازمان (امنستۍ انټرنیشنل) دکابل دپلچرخې محبس نه پر تله محاکمو او اوږدې مودې بند او شکنجوپه هکله یو گزارش برابرکړی چې مونږ یې په لنډه توگه دهغه ترجمه تاسې ته وړاندې کوو. سره له دې چې دملگرو ملتو دعفوی سازمان اوداسې نور سازمانونه په دې نه دي بریالی شوي چې دافغانستان دمحبوسینو سره بدسلوکی او شکنجو په هکله یو دقیق او هراړخیزه گزارش برابر کړي. ۱۰ مایه رسمي توگه ددې جنایاتو دیوې کوچنۍ برخې خپرول هم په معینه سطح کې دا اهمیت وړ دی .



دیوگزارش په اساس په سلگونو سیاسي بندیان یې له دې نه چټه محاکمه شې اوکوم جرم ولري ان تر (۹) کالو پورې داستنطاق پټه مرکزونو او په بیلوبیلو بېلاکونو کې چې ددولت دامنیتي وزارت لخوا اداره کیږي / ساتل شوي دي .

دهمدې گزارشونو په ښاهغوي دخپلوقانوني مشاورینو او دکورنۍ غړو سره دملاقات اجازه نلري او د دوامدارې بدسلوکی او شکنجو سره مخامخ دي او هغوی په دې شرایطو کې نیول شوي چې لاتراوسه په دې نه دي بریالی شوي چې په اړه اندازې دملگرو ملتو دمحبوسینو دقواعدونه چټه

←

دمحبوسينو په هکله يې لري / برخمنند
شۍ .

بنديان هغه کسان دي چه د دولت
په مقابل کې په وسله وال او غيـر
وسله واله فعاليتونو تورن دي .

.....

سياسي بنديان د استنطاق په
اولو مرحلو کې چه ممکن څو مياشتي
دوام ومومي په بيلابيلو کورنو کې
ساتل کيږي . بنديان په دې موده
کې دايما تر شکنجولاندې وي .
د گزارش په اساس د اکوټي هيڅکله
پاکي نه دي / په پوره اندازه هوا
نلري او بنديان د صحن نامناسبو
شرایطو له کبله په جلدې ناروغيو
اخته دي . څرنگه چه کورنيو سره د
ملاقات اجازه نشته نو يوي کورني
لپاره څو هفتي وخت پکاردې چه دخپل
بندې د اوسيدو تقريبي ځای وپيژني .
د پلچرخي د (۱) او (۲) بلاکونو
بنديان د نورو بلاکونو او بهرنه
ديو نامعلومې مودې لپاره
چه ممکن څو کاله پري ولگيږي په
کامله توگه په تجريدکي پراخه
دي . د گزارش پر بنا دغو بنديانو
سره بدسلو کې شوي اودوي د طبي
سهولتونو د نشتوالي نه کړيږي .
د کورني ملاقاتونه / کتاب / راډيو /
ورځپاڼي او قرطاسيه ته اجازه نه
ورکول کيږي .

.....

په کابل کې د رياستونو په
نوم د استنطاق زيات مرکزونو
شته او يو نامعلوم تعداد داسي
مرکزونه هم د ولاياتو په مرکزونو
کې دي . د گزارش په اساس په دغه
ټولو مرکزونو کې شکنجه عملي
کيږي مگر هغه اطلاع چه پدي وروستيو
کلوکې دملگرو ملتو دغوي سازمان
لاس ته راوړي وايي چه په خامه توگه
د استنطاق په پنځه مرکزونو کې
په سيستماتيک ډول شکنجه روانه ده .
پنځم رياست :

د رياست دارلaman ماڼۍ ته
نږدې موقعيت لري چه دوه شعبې
لري يوه دننه په افغانسان کې
د دولت ضد گروپونو دمنځ وړلو
مسئوليت لري او بله يې همدا دنده
دهيوا د بهرنه لري .

پنځم رياست په خاص ډول دهغه
کسانو دنيولو اوشکنجه کولو
مسئوليت لري چه د کودتاه لاره اچولو
تورن دي .

اووم رياست :

د شکر درک په منطقه کې موقعيت
لري او پنځم رياست ته ورته دنده
لري . دعيني شاهد دوينا پراساس
چه پخوا يو امنيتي افسرو دملگرو
ملتو دغوي سازمان ته ووييل چه
پاتې په ۶۵ مخ

یکی از دوستان ما از مناطق مرکزی گزارش میدهد :

مردم غیور مابه نوگران اجنبی درس عبرت میدهند

ضد ملی نصر وبخاطر جلو گیری از خونریزی بیشتر افراد زندانی را آزاد وبه لت وکوب مفضل آقای رضایی اکتفا میکنند اما اورا تا سرحدی چوب زدند که تا اینکه شبانه روز به هوش نیامد و چون از راه رفتن مانده بود مدت یک هفته را در بستر جنایت و خیانت خویش سپری نمود.

وقتی رضایی از بستر بیماری وی جنایت خود برمیخیزد مردم اورا آزاد و برایش تفهیم نمودند که برگردد و تا جایی که ممکن است سایر مردم دوران و جبران پست و فرومایه ایران را ببینند و پیام مردم نه مرده رابه آنان برساند که بعد ازین اگر در منطقه شان پارا کج گذاشتند آنها قطع واگر به چشم بد ببینند آنها از حدقه بیرون میکنند و این بار عوض عمامه از ریسمان دار کار خواهند گرفت.

آقای محمدی مسئول سپاه پاسداران درین منطقه چون حریف خود را درین حالت غوار و از میبیند از خوشی زیاد در کالای نمی گنجد ولی آن بد بخت غافل ازین بود که

بقیه در صفحه ۷۹

در ۱۵ میزان ۱۳۶۸ یکسری از نوگران رژیم فاشیستی ایران بنام محمد علی رضایی که مسئول سازمان نصر در ولسوالی جاغوری است چند تن از افراد مسلح خود را در قریه نه مرده به بهانه اینکه گویا با گروه پاسداران جهاد دارد جمعآوری مینماید. سازمان نصر که نظیر باند تروریست گلبندی به مکیدن خون مردم مظلوم و بی دفاع ماعادت کرده این بار نیز میخواهد بادر مرده حاصره قرار دادن قریه به چپاول اهالی پرداخته و آخرین داروندار آنها را بر بایده و لای مردم سلحشور و آگاه این منطقه که ازین پلان خائنه آگاه می داشتند آمادگی گرفته و به مقابله می پردازند که در نتیجه آقای رضایی را دستگیر و در حالیکه عمامه اورا به گردن انداخته از سر قریه کشان کشان تا پایمان آن میآورند و افراد مسلح را نیز خلع سلاح و در داخل مسجد زندانی می سازند.

بعد از چند روز مردم بخاطر جلوگیری از حملات وحشیانه و انتقام گیرانه سایر افراد سازمان

سیمای زنان در کویت پس از جنگ

کویت از جمله کشورهای است که به اثر خط اندازی و نقشه برداری استعمار کهنه در حیات یک کشور عرض وجود کرده است. هرباشنده سرزمین کویت که در همان آغاز ایجاد کویت خود را منحیت کویتی راجستر نموده بود اکنون خودش و اولاده اش کویتی محسوب میشوند و باقی باشندگان کویت یعنی ۷۰٪ نفوس آن کشور غیر کویتی و همشهری درجه دوم محسوب گردیده و از حقوق سیاسی محروم میباشند. ولی فکر نشود که ۳۰٪ کویتی راجستر شده همه حقوق سیاسی دارند. ۱۶٪ دیگر یعنی زنان کویتی راجستر شده هم از حقوق سیاسی محروم بوده فقط ۱۴٪ مذکر حقوق سیاسی دارند که اگر اذلال و نوجوانان را بخاطر نداشتن سن رای دهی از میان بکشیم ۴٪ نفوس کویت عملاً در حیات سیاسی جامعه نمیتوانند سهم داشته باشند. اینست قانون اساسی ۱۹۶۴ کویت که به شیخ صباح بادداشتن آن خسود را دموکراتر از سایر امرا و شیوخ حوضه خلیج و عربستان سعودی احساس میکند. ولی مردم کویت و بخصوص زنان این کشور آنرا بمشابه مضحکترین قانون اساسی جهان به تمسخر میگیرند. زنان کویت که منحیت یک قوه فشار سهم

فعال در وارد ساختن کابینه قرون وسطی کویت به استعفا ادا نمودند طی تظاهراتی که هفته اول ماه مارچ در شهر کویت برگزار نموده بودند خواستهای خود را برای آینده کشورشان بیان نمودند. یکی از زنان کویتی در مصاحبه با خبرنگار تلویزیون خبری (CNN) گفت: ما زنان طی هفت ماه که کشور ما توسط عراق اشغال شده بود در کشور خود مانده رنجها و مصایب ناشی از اشغال را محتمل شدیم. ما بیشتر جرات میکردیم از خانه برآمده در قسمت شامین ارتباطات / انتقال سلاح های خفیف / رسانیدن غذا و غیره به نیروهای مقاومت داخل کویت همکاری کنیم. بناءً حق داریم در تعیین سرنوشت آینده کشور خود فعالانسه نقش داشته باشیم و آنانی که به قصرهای عربستان سعودی در ناز و نعمت بسر میبردند نخواهند توانست بیشتر ازین حقوق ما را سلب کنند.

فریده محمدی یکی دیگر از شرکت کنندگان تظاهرات در جواب این سوال که خواست زنان کویت چه میباشد گفت: ما برای کشور خود دموکراسی میخواهیم. زمانی که در کشوری دموکراسی حکمفرما گردد حقوق زنان بخودی خود تضمین میگردد.



خواهران، مادران! اگر بخاطر کسب حقوق و

د خلیج د جگړې نه وروسته :

د کویت د تیلو څاگانوته ولی اور واچول شو؟

امریکایانو نو نږدې ۱۰۰ بلیون ډالره اټکل کړی. همدارنګه جوړه شوی چه لږ ترلږه په سلوکی ۷۳ د بیا ودانولو تړونونه باید امریکایانو ته وسپارل شی .

برخیره پردی د آلمان "سوسیال دموکرات ګوند" اعلان کړی چه دېوش د ادارې د ارقامو په بنسټ کوم چه د امریکې کنگری ته وړاندې شوی د امریکې دولت د خلیج په جگړه کی ۱۸ بلیون ډالره ګټه تر لاسه کړی. دېوش د ادارې ارقام چه کنگری ته وړاندې شوی دا په ډاګه کوی چه امریکې په جگړه کی ۴۲ بلیون ډالره مصرف کړی پداسی حال کی چه ۶۰ بلیون ډالری عربستان / کویت جاپان / آلمان او دنورو شتمنو انډیوالانو نه یی په ګوته کړی .

* * *

دمصر د بیاودانولو شرکتونه چه د نږدې تر لاسه کولو لپاره د کویت دولت سره په تماس کی شوی و هغه وخت نا امید شول چه خبر یی تر لاسه کړ چه د بیا ودانولو ټولنې پروژې امریکایي شرکتونو ته خاصاً

پاتی په ۷۸ مخ

د (WBAI) رادیو چه مرکزی په نیوریاک کی دی ویی چه د پنتاګون (د امریکا د دفاع وزارت) ۳۵۲ کارکوونکی د خلیج په سیمه کی د امریکا د پلان په هکله یو طبقه بندی شوی سند برابره کړی وه . په ۲۰۰ مخیز سند کی په ډاګه کړی چه د ۱۹۹۰ کال د نوامبر په ۱۱ مه نیټه چه د خلیج جگړه لانه وه شروع شوی / امریکا د کویت د جلاوطنی دولت سره یو تړون لاسلیک کړی و چه دهغی په بنسټ د کویت د تیلو د څاګانو اور وژنه په انحصاری توګه امریکایي شرکتونو ته سپارل شوی ده . داسی بریښی چه د امریکې څواکونه لږ ترلږه پنځه کاله په کویت کی تم شی . ددی په هکله د توجه وړ خبره دا ده چه ځنو عربی څپرونو ادعا لره چه امریکایي الوتکو قصداً د کویت څاګانو ته اور اچولی تر څو دا تړون معتبر وساتی .

د کویت د مالی وزیر شیخ علی خلیفه الصباح د کویت د بیا ودانولو لګښت ۳۰ بلیون ډالر اټکل کړی پداسی حال کی چه

آزادی خود بر نخیزیم هیچ کس بداد مانخواهدرسید

سرگفتن مردانک از هزاران سرگفتن علخ و ناگفته :

فریاد مرا کسی می شنود؟!

یکی از خواهران ماقمه بر از غم و اندوه خود را بازبان ساده برای پیام زن فرستاده اند. ما با سپاس فراوان از این خواهر عزیز و ابراز همدردی و همبستگی با وی داستان زندگی را با اندکی دستکاری به نشر میساریم.

همچنان بدینویسلسه از تمام خوانندگان خود میمانه تقاضا می نمایم حتی الوسع بکوشند سرگذشتها و داستانهای ازین نوع را که بیانگر واقعیت ستم کشیدن مردم بخصوص زنان مادردهه خیر باشد برای ما فرستاده و سهم برارزش خود را در بهبود مجله ایفا نمایند.

بی ناموسی .

پدرم همیشه از طرف همین اوباشان تهدید بمرگ میشد. چند بار از او جریمه گرفتند/ او را توهین کردند. من نمیدانستم و پدرم هم چیزی نمی گفت که چرا این انسانهای بی رحم نسبت به او اینطور برخورد دارند. با اینکه ما زیاد اصرار میکردیم که علت اصلی این رویه غیر انسانی را نسبت به وی از زبان خودش بشنویم ولی او چیزی نمی گفت. پدرم نه خلقی بود و نه پرچمی و نه خادی. برعکس از آنان شدیداً نفرت هم داشت. اما با آنها هم از طرف گروپهای حزب اسلامی آن رو ادیت میدید.

روزگار سختی داشتیم. همه ی آن علاقه و محبت آتشی که نسبت به

بقیه در صفحه ۷۴

سالهای بعد از کودتای خلقی هابو ده من در صف هشت لیسه الایی ننگر هار درس میخواندم. شنیدم که "امیران" جهاد فرمان صادر کرده اند که دختران نباید درس بخوانند و رفتن آنان به مکتب شرعاً مجاز نیست. به همین دلیل پدرم مرا خانه نشین ساخت. مدتی گذشت و منطقه ما بدست مجاهدین افتاد. در ابتدا همگی به مجاهدین از دل و جان کمک میکردیم. به آنان نان میدادیم جای میدادیم و خلاصه هر نوع خدمت آنانرا میکردیم. در منطقه ما افراد حزب اسلامی گلبدین بسرکردگی انجینیر غفار مسلط بودند. ابتدا برخورد آنان با مردم عادی به وقتی پاهایشان در منطقه محکم شد شروع کردند به ظلم و غارتگری و

پیام زن و خوانندگان

بیا هم "پیام زن" ته ډیر لیکونه رسیدلی دی . مونږ پداسی حال کی چی دی گرانو لوستونکو ته خپله خوښی څرگندوو په ډیر معذرت سره هیله مند یو هغه لوستونکی چی دلیکونو ځوابونه یی دناوخته رسیدلو یادځای دکم والی په خاطر مو پدی گنه کی نشر ونشو کړای دخپلو لیکونو ځوابونه دی په راتلونکو گڼو کی ولولی . د "پیام زن" دتولو علاقمندانو څخه غواړو چی لاندینو ټکو ته پاملرنه وکړی :

۱ - که نه غواړی چی اصلی نوم مو په "پیام زن" کی راشی نو باید خپل ځان ته مستعار نوم وټاکي .

۲ - هغه کسان چی د "پیام زن" او زمونږ دنورو نشریاتو غوښتونکی دی باید روښانه کړی چی دکومو گڼو او په څه تعداد ورته ولیږل شی .

۳ - خپل آدرس دقیق او روښانه ولیکي .

۴ - خپلی مالی مرستی او دنشریاتو بیی د ډاگه په وسیله نه ، بلکه زمونږ په بانکي آدرس ولیږي .

۵ - رپوټ ، گزارش او دجهو په باره کی مطلب ، دخپل دکار او دژوند ځای نه چی دگواډی رژیم ، بنسټپالو او زمونږ دخلکو نورو دښمنانو جنایتونه ، ظلمونه اوستومونه پرخلکو باندی په ډاگه کړی ، مونږ ته ولیږي . دا ستاسو ارزښتناکه مرسته د "پیام زن" سره گڼل کیږي .

۶ - هیله ده چی خپل رپوټ یا گزارش دپانۍ په یو مخ اوپه روښانه خط ولیکي . دنورو ژبونه د ترجمی په صورت کی د اصلی متن یوه کاپی هم مونږ ته ولیږي .

بدست آرید. "پیام زن" او دیگر نشریات
راو "باز هم برای تان فرستاده
میشود .

برادران در گرامی

نور آغا از پشاور

نامه ی تا نرا گرفتیم . شماره های

"پیام زن" برایتان ارسال گردید .

به امید همکاری های شما .

برادران عزیز عبد القیوم رسولی /

محمد عظیم و نثار احمد از چترال / از

ارسال نامه ها و ابراز احساسات

برادران شمامنونیم . پرسش هاییرا

که دریکی از نامه های تان مطرح نمودید /

در شماره های قبلی "پیام زن" بطور

مفصل به آن پر داخته شده است که

بامطالعه آنها میتوانید معلومات

کافی در مورد "جمعیت انقلابی زنان

افغانستان" / فعالیت و اهداف آن

پیام زن و خوانندگان

دبلوچستان دپشین ټخه زمونږ ورور
سهارگل جمال یومفصل لیک رالیرلی
چه دادی دهغه ځنی برخی نشرته سپارو:
"گرانو خویندو! احترام / مینه او
سلامونه می قبول کړی.

دپیام زن" دمجلې ۲۱ او ۲۲ ګڼه لاسته
راغله ټوله می ټکی په ټکی ولوسته
چه په لوستلوی هم ډیر خوشحاله شوم او
هم ډیر خفه . خوشحاله ځکه شوم چه د
داسی جمعیت په موجودیت خبر شوم چه
هدف یی زمونږ د هیواد د مظلوم اکثریت
یعنی ښځو د حقو غوښتنه او دفاع ده .
اوس په دی هر څوک پوهیږی چه دمځکی
دمخ انسانان ټول ښځی زیږوللی
اوروزلی دی نو ښځه دانسان مور/
دکور ډیوه / د ژوند ملګری او د جامعی
نیم وجود دی چه بیله ښځی حتی
ژوند امکان نه لری اودا هم
هرچاته معلومه ده چه په ځینو
هیوادو په تیره بیا زمونږ په هیواد
کشی ۰۰۰ د حیواناتو په شان خرڅیږی/
دقتل په بدل کی ورکول کیږی / زې و
بوډاګانو ته ودیږی/ تر څلورو پوری
پوه سړی ته حواله کیږی/ د علم
د زده کړی څخه بی خبره پاتی کیږی/
د هر ډول آزادی څخه محرومیږی
پرناچیزه شی وهل / توهین او وژل
کیږی اوداسی نور په سلهاوو ځلونه

ورسره کیږی چه لیکل یی کتابونه
غوږی . خودنیکه مرغه "د افغانستان
دانقلابی جمعیت" (راوا) له امیده
ډک پیغام دا زیرګ راګوی چه د دغه
جمعیت د ننگیا لیکو میرمنو
او پیغلو تلاشونه اوکوښښونه به زمونږ
د وړان دمنو رو او تعلیم یافتنه
ځوانانو په مرسته زمونږ د کړیدلو
ښځو داد پیږیو توره شپه په یوه
نیکمرغه سپا بدله کړی

دمجلې لوستلو وځورولم حتی
وژړولم په دی چه شپږ څلوېښت
مخ کښی یی دیوی مبارزی افغانی
محترمی خور شهیدی مینا (کشور کمال)
د شهادت غمجنه واقعیه بیان شوی وه
چه د کرای دیوه بی وجداننه /
ضمیر فروش / درنده صفته او بزدل
قاتل په وړا سطره شهیده شوی وه . غټه
خبره داده چه دا څرخ شوی خا یی
څوک و/ چاګمارلی او کرایه کړی و
او ولی یی کرایه کړی و؛ مینا خو
نه څوک وژلی و نه یی د چاقو خورلی
و نه هغی غوږتالم د ظلم ټخه منع کاهه
او ګمراهانو ته یی دانسانیت
لارښوونه کوله او هغی خوبه د جهالت
د جیلخانۍ اسیران / رحم / انصاف /
عدل او انسانیت ته رابلل چه په
دی کښی نودمرګ ته سوال پیدا کیږی؟
زما یاور دی چه "د افغانستان د ښځو
انقلابی جمعیت" کارکوونکی به هغه

پیام زن و خوانندگان

شمع چه گرانی مینا بله کزیده
مره کیدوته پرینردی ثوک چه زن په
لری اوپه زپه کبشی رحم او عاطفه
لری او ثوک چه دآزادی په قسد ر
پوهیږی هغه هیتکله گرانه خور
شهید میناله یاده نه باسی که په
ظاهره دهغی دروندپوه گل شوه هیلې
او امیدونه یی نیم خواشوی / له
سینی نه یی دوینو سره گلو نیسه
وتوکیدل اودارمانوڅخه ډک زن په
قبرته کوزه شوه خویاد به یی دهمیه
دپاره قایم پاتی شی ځکه چه هغه
دخپل وطن دملیونونوڅخو دلخواه
آرمان قربانی شوه . روح دی یی
گل او یاد دی یی همیشه وی .

دروډپرتاد آزادی شهیدی گرانسې
مینا! دآزادی شهیدی!!

گرانه وروره / شهیدی خورمینا
یو پوستر تاسی ته ولیږل شو .
"پیام زن" مجله په منظمه توگه
تاسی ته رسیږی .



همکار عزیز احمدضیا / دریمن
شماره بازم نامه ای از شما دریافت
نموده ایم . مطلبی راکه در شماره قبل برای
نشر فرستاده بودید / بدلیل تراکم مطالب
از نشر بازماند . ما اشتباهاً در
صفحه جواب به نامه ها از نشرش ذکر

رفته بود که بدین وسیله از شما و سایر
خوانندگان پوزش می‌دانیم . در شماره
های آینده حتماً از آن استفاده خواهیم
نمود . به امید ادامه همکاریهایتان .



"توره فتح خان وکړه"

غږ دمیروگی لاره "

گرانه وروره ع/ج/ ستاسو دری مقالې
مونږ ته ورسیدلې چه ټولې دشروروی خو
دځای دکموالی له وجهی دهغه
دجملې نه د "توره فتح خان وکړه
غږ دمیروگی لاره" د مقالې په نشرولو
مو اکتفا وکړه . هیله ده خپلې قلمی
مرستی مونږ سره ټینگی وساتی .

دخوست استراتیژیکې و لایست
دغوايي دکودتا راهیسي دخلقی او
پرچمی غلامانو ترکنترول لاندی وو .
څنگه چه دروس غلامان گلاب زوی/
شهنواز تهی اوسلگونو تش په نامه
جنرالان دهمدغه ولایت وو اوزیات
خلک یی دتبلیغ ترتاشیر لاندی
راوستل نو ځکه ددی ښارنیولو
زیات اهمیت درلود . څنگه چه جنگ
دمجاهدینو او نجیب دحکومت د
آزمايښی دگروونوپه همدغه وچه
دواړو خواوو زیات کوشش کاوه چه
جنگ ددوی په نفع تمام شی خو خوست
فتح شو مگر پوښتنه
دانه چه خوست په ډیر لږ وخت کی دچا

خواهران عزیز و مبارز،

شماره ۲۵ و ۲۶ "پیام زن" در مورد سنگباران عسدهای از هموطنان زن و مرد ما بوسیله عربها و مزدورگان پست شان مضمون و عکهای آورده بود که واقعا انسان را نگران میداد. این عربها که از سرزمین فلسطین بوسیله انقلابیون اعراب رانده شده اند، دلگانی هستند که تنها وطنفروشان جدیدی مثل سیاف، گلبدين و همفکران آنان حاضر به پذيرايي شان ميشانند و بر من شعری درین مورد سروده‌ام که بعنوان هدیه ناچیزی برای تان تقدیم میدارم. ولی باور دارم که نتوانسته‌ام عمق این درد و وحشت مستولی بر ملت عذابدیده‌ام را تصویر کنم.

با عرض حرمت "فردی"

در اینجا خلقی در آتش بدون شعله میسوزد

نه فریادی

نه آهی

ساکت و آرام

سکوتش آسمان جنبان

نگاهش عرش را در آنسوی مرز خدا لرزان

نه آهی کز ملائک مژه را سوزد

نه دودی تا که سقف کهکشانها را سیاه دارد

ولی در کالبد بیروح او

در جسم او در جان او

حماسه خونین رنگ



و یا هنگامه توفانی

تو پنداری که خود توفان

برین گلزخم آزادی

ز راهی دور

ز خونین کلبه پرشور

از آنجائیکه شاهین و عقاب پر کش و سر کش

به لاشخوران میتازند

و جغد های نحس را

زان گلشن سرخینه بی پروا میرویند

این کرکسان،

بسوی مأمن خونین من پر باز میدارد

چیره پرداز سیه کاران می گردند

درینجا

بروی ارض آزادی

بجسم شق و خون کرده و خون نام آزادی

بروی لانه گلفام آزادی

به سنگ جهل و بدنامی

قهرمانی را به تیر "رجم" می بندند

الا ای بی وطن!

ای سایه افکن!

ای لعن و نفرین کرده دنیای خونبار عرب!

نه تو فرزند زیتونی

نه تو زائیده در "دیرپاسینی"

نه از سرخ جوش "یافایی"

نه تو میمون، میمونی

نه فریادی بگوشت "تلزعتر" میزند

ای ننگ!

تن مظلوم "جولان" و

کران تا کران "رود اردن"

"جمیله دختر صحرا" و "لیلا"

ترا با شعله آتش "رجم" خواهند کرد

در آنجا!

همه نو باوگان حماسه های سنگ میسازند

درفش افتخار بر جسم و جان سنگ می بندند



و پای سنگ می بوسند

نمیدانی ؟

که بر پهنای "ارض طالع و موعود"

ملت تو

بر شرار سنگ

سجده های افتخار آویخت

به مغز قاتل "صبرا" "شتیلا" سنگ را کوبید

و نام سنگ را بر تارک آزادی

اندر جهان آویخت

و اکنون تو

بروی مامن من

پر چم زرد جنایت را بیای سنگ می بندی

بفرق دوستداران "شتیلا"

حامیان خون "صبرا"

همدل و هم جان جانبازان "صحرا"

سنگ را با ننگ می کوبی

تو ای نفرین

مگر دنیا نمیداند که تو ؟

بروی ارض خونبارم

دختران سینه زخمین

مادران قهرمان و قهرمانان را

یتیمان را

بباد پر هوس بر باد می داری

و روح گند و چرکینت به شهوت شاد میداری

ترا و ریزه خواران ترا

این خلق من

آن خلق تو

اینجا "رجم" خواهند کرد

آنجا "رجم" خواهند کرد

ننگ بر تو

ننگ بر تو

فبروری ۱۹۹۲

دُردی

پیام زن و خوانندگان

په عمر مرشو .

دچین دکمونیسټ ګوند اوسنۍ
مشران چه وروسته دماتو دمرگ
نه واک تر لاسه کړی دهغه پرځنــو
خطاګانو باندې چه د فرهنگۍ
انقلاب په لړ کلن دوران کۍ
مرکتب شوی و ګوته نیولی خوسره له
دی / دچین کمونیسټ ګوند دهغه
دخطاګانو سره سره دیو ستر
رهبر په صفت چه چین یی دپیرو
بدبختیو څخه وژغوره پیژنی .

همکار عزیز H.N. از استرالیا

از نامه و کمک مالی شما صمیمانه
تشکر نموده خواهان ادامه
همکاری هستیم .
مجله "پیام زن" برایتان
بصورت منظم خواهد رسید .

ګرانه وروره محمد حسن رحیمی /

ستاسی ښکلی شعر چه دهیواد
دځوریدلو اوپه بند کی اسیرو ښځو
سمبولیک تمثیل شوی و مونږ ته ورسید
چه په همدی ګڼه کی موخپور کړی .
هیله مند یو چه خپل ونورو همکاريو ته
ادامه ورکړی .

ستاسو دسلامتیا وبریالیتوبونو

په هیله .

برادر محترم رمضان حسین زاده
از تهران / از احساسات برادرانه شما
قدر مندیم . نشریات "راوا" را برایتان
فرستادیم . امیدبا ارسال گزارش ها
و مطالب سو دمند پیام زن را غنا
بخشید . مو فقیه تانرا خواهانیم .

از کتابخانه و آرشیف "پریا"
از دښمارک نیز نامه ای داریم که
خواهان ارسال "پیام زن" و دیگر
نشریات "راوا" آریدید . ما ضمن اینکه
خواستار همکاری های این دوستان
خود می باشیم / تعدادی از نشریات
خویشرا بر ایشان ارسال نمودیم .

سوزان / مژگان و تعداد دیگری از
خواهران هوادار جمعیت انټه لابی
زنان افغانستان که نخواسته اند
نام های شان ذکر گردد / از یکی از
لیسه های شهر کابل برای ما طبع
نامه های جداگانه ای از وضع
اسفبار مکاتب و تعلیم و نیز غم
واندوه مردم معذب و در کشیده ی
کابل گزارشهایی فرستاده اند . این
خواهران عزیز مانفرت رانزجار
شانرا در برابر رژیم کابل و
بنیادگرایان جاهل گلابدینی ابراز
داشته و بخاطر انتقام خون مینای
شهید سوگند یاد کرده اند . مادر حالیکه
از ابراز همکاریهای ایمن

پیام زن و خوانندگان

خواهران صمیمانه سیاست‌گیزان ار ی
میکنیم. احساسات انقلابی شانرا
می ستاییم .

از مطالب و گزارشات ارسال
شان درین شماره و هم چنان
شماره های آینده حتماً استفاد
خواهیم کرد. به امید پیروزیهای
این خواهران و ادامه همکاریهای
شان .

آیا گلبدین دخیلو با دارانو

له نظره ولویدلی ؟

محترم ورور اصغر داسلام آبا د
نه / ستاسو لیک ورسید بیره مننه .
دا دی په همدی گنه کی هغه خپروو .
ستاسو دنورو لیکونوپه انتظار .
د "پیام زن" دمجلی گرانو او
مبارزو چلوونکو/

و روسته له تاوده سلامونو
ستاسی زیات بریالیتوبونه په دی
معتبره / آزادی غوښتونکی اودتولونه
مهم دهنستپالنې اوپردی پالنې پر ضد
خپرونه کی غواړم .

زه حیران یم چه څنگه تاسو د
فرنسیرپستانگلیسی ژبی ورځپانې
د مارچ دلمری نیټی په گنه کی چه
یومطلب راغلی هغه ته موسترگی
ندی لگیدلی او یا تاسو ته د توجه

وړ مسئله نه وه ؟ که نه نو تاسی پرهغه
باندی باید یوه تبصره درلودلای .
په هر صورت . په دی مطلب کی چه
افضل بخاری لیکلی ددی په څنگ کی
چه عربستان ته دمجا هدینودلیرلو
مذمت شوی او هغوی پی دمزدورانو
په نوم یادکړی داهم ویل شوی چه
گویا دخلیج دجگړی په دوران کی
چه مجا هدین عربستان ته استول کیده
گلبدین سره مشورت نه و شوی او دا
دپخوا د آی.اس.آی / سی.آی.ای او د
سعودی حکامو یو محبوب او په زړه پوری
شخصیت (گلبدین) اوس له نظره
ولویدلای .

زماله نظره دایو احمقانه او
قضایاوته سرسری او په ساده لوحی سره
کتل دی چه فکروشی گلبدین اوس د
پاکستان / امریکی او عربستان
انتخاباتونو ته دمحببت او توجه وړ
سړی ندی . همداسی چه "پیام زن" په
یوه مقاله کی راغلی حقیقت دی چه
دپاکستان جاسوسی او استخباراتو
شکوگلبدین پی په غیبه کی ونیو /
لوی پی کړ او هغه پی وروزل ترڅو په
پوځت کی دده نه دیو ایجننت او جاسوس
په حیث کارواخلی . وروسته دهغه
نه ضیاء الحق دادتروریستو بنسټپالو
مشریی په خاص وول او په پیرو
سپارښتونوسره سی.آی.ای ته معرفی
اوحوا له کړ. وروسته ددی نه و

پیام زن و خوانندگان

چه داخناورصفت "امیر" دروسان—
 اودهغوی دمریانو پرزدجهداکی
 بی بی اتفاقی و اچوله اودیپاکستان
 داستخباراتی شیکوپه مستقیم او
 کامل ملاتپرسه دزیات شمیرخوان /
 عالم / و طندوست اومبارزوروشنفکرانو
 په خائنه ترور او قتل لاس پوری
 کچه د اکار اوس اوس هم دوام لری .
 گلبدین یادیل هر تنظیم مشرکه
 خپل خان پاکستان او امریکی ته شه
 بی خرڅ کړی / څنگه کولای شی چه شپه
 او ورځ دپاکستان په خاوره کی او د
 امنیت مقاماتو تر پیری لاندی
 بی پروا او په آزاد ډول دومره
 سړی و وژنی او په جنایت بوخت وی .
 اوهره شپه لکه لیوه په شان نورو
 مخالفو تنظیمونو ته ځان قابو کوی
 ترڅو دهغوی شریف / ملی او دمکراسی
 ته معتقد کسان دانگی دانگی
 کړی ؟

اصغر ر. د اسلام آباد نه .

از "اتحادیه اسلامی ولایات
 شمال افغانستان" / کارت تبریکی
 بمناسبت عید سعید اضحی دریافت
 داشته ایم . باتشکر از این دوستان
 خواهان همکاری های ایشان میباشیم .

مجله اذان مجاهد و خراسان
 ارگان نشراتی "سازمان جهانی
 مجاهدین اهل سنت" از لاهور نامه ای
 فرستاده وطی آن تقاضای ارسال
 نشریات "جمعیت انقلابی زنان
 افغانستان" را نموده و خواهان
 همکاری متقابل گردیده اند . مابا
 ارسال "پیام زن" و تعدادی از نشریات
 "راوا" منتظر همکاری های ایشان
 میباشیم .

خواهرگرامی زهر اظاهری از
 برکلی کالیفرنیا /

مجموعه شعری تان بنام "میلاد"
 را که برای نشریه "پیام زن" اهدا
 نموده بودید بدست مارسیده از ارسال
 این تحفه گر انبیا با
 صمیمیت فراوان
 سپاسگزاری مینماییم .

حتما در فرصت مناسب نظر خود را
 در مورد این مجموعه شعری برای
 تان خواهیم نوشت .

موفقیت های بیشتری بشما
 آرزو میکنیم .

سازمان "افسران مسلمان و مجاهد
 افغان" / اعلامیه تان مبنی بر قطع
 مد اخلات خارجی بخصوص آی. اس. آی
 پاکستان و نقش افسران ملی در سرنگونی
 دولت پوشالی کابل و... برای ما

ژوندی دی وی دافغانستان د ټولو ملی

پیام زن و خوانندگان

رسید .

از ارسال اعلامیه تان متشکریم .
موفقیت های بیشتری برای شما
آرزو میکنیم .

همکار همیشگی م . جعفری از هالند
از لطف تان ممنونیم . مضمون ارسالی
تانرا بخاطر تراکم مطالب درین
شماره بچاپ رسانده نتوانستیم که
امیدواریم معذرت مارا بپذیرید .
چشم براه نامه های شما مییم .

همکار عزیز (ن.ح) از سوییدن
اولین نامه شما رسید . شعری
سروده شده ی تان تحت عنوان
"شکست سکوت" در همین شماره به نشر
رسید . امیدواریم باز هم باما
همکاری نمایید .

برادر محترم س . م . شمسی
از پشاور / نامه ی تان را گرفتیم .
از لطف تان تشکر .
برادر عزیز / در صورتیکه
خواستید باز هم برای ما نامه
بنویسید امیداست توأم با وقار /
متانت و سنگینی باشد .

همکار گرامی غلام غوث
از پشاور / با امتنان از ارسال
گزارشتان / آنرا در شماره های
بعدی "پیام زن" بچاپ خواهیم رساند .
همکارهای تانرا بامادامه دهید .

برادر عزیز احمد فرید از
اسلام آباد / سپاسگزاری صمیمانه
مارا بخاطر فرستادن نامه /
پیشنهادات و اظهار همکاری تان
پذیرید . حتی المقدور خواهیم
کوشید نظرات تانرا در نظر گرفته
آنرا تحقق بخشیم . در قسمت معرفی
برخی خواهران منتظر آدرس های
آنان خواهیم بود . درین مورد
نامه جداگانه ای به شما ارسال
داشتیم . به امید نامه های بعدی تان .

آیا خواست دمکراسی

معادل کفر است ؟

خواننده ارجمند صاحب الحق
جلیلی از پشاور / نامه تان رسید .
برخی از نشریات را برای شما
ارسال شده . بدینوسیله امید داریم
با فعالیتها / مرام و اهداف
مبارزاتی "جمعیت انقلابی زنان
افغانستان" آشنا شوید .
از احساسات و وطندوستانه تان

او دموکراتیک و قوتونو پوره یووالی!

پیام زن و خوانندگان

قدر دانی میکنیم. از مزدورانی چون
گلبدین / سیاف و جمیل الرحمن
و مزدوران حقیر رژیم جمهوری
اسلامی ایران / عیسویانی که
دربین مردم ما به جاسوسی و
تفرقه افکنی مصروف اند و ... نه
تنها شما بلکه قاطبه ملت ما
از آنان متنفرند.

کلمه "دمکراتیک" یا "دمکراسی"
ویا هر اصطلاح سیاسی دیگری که جهانی
شده و در نوشته ها و گفتار روزمره
متداول گشته نمیتواند دال بر
لامذهبی و بی دینی بودن کسی که آنرا به
کار برده باشد. این برچسب را
تنها و تنها بنیادگرایان بر ما
میزنند. با کسی که شهادت دفاع
از ما بحث داشتید - که یقیناً از
جمله بنیادگرایان بود - اگر
می پرسیدید که جمعیت انقلابی
زنان افغانستان را اگر بخاطر
یکاربرد کلمه "دمکراسی"
لامذهبی میدانی / بنیادگرایانی
که نشریات شان پر از آیات
قرآن و احادیث است و کلمه
دمکراسی را هم هرگز یکار نمیبرند
چون آنرا معادل کفر میدانند چرا
و به کدام دلیل به یکدیگر میپزند
و دسته دسته کشته میشوند؟ کدام

شان لامذهب اند؟ بگذریم از اینکه
دمکراسی برای انسانهای کره زمین
حال ضرورتی است مثل تنفس بخاطر
زنده ماندن.

پس روشن است که شخصی مذکور
در چنته خود چیزی برای رد مطالب
"پیام زن" نداشت جز برچسب زدن /
بی اعتبار ساختن و تبلیغات توأم
با منافقت.

در پایان از حسن نظرتان نسبت
به مطالب مجله و اظهار تسلیت و
همدردی تان بخاطر شهادت خواهر
مینا صمیمانه سپاسگزاری میکنیم.
سلامت و موفق باشید.



شعرار سال دوست گرامی ما
جمیله نبی از کانادا که مدت ها
قبل آنرا ارسال نموده بود.

قو قو قو برگ چنار : روسکا کردن فرار
خلقی های خونخوار : ملت کردند بهدار
پرچی های لاشخوار : میکنند لحظه شمار
کلب الدین شده خمار : از کشته ها کرده منار
برهان الدین در فرخار : "میزند لاف بسیار"
گفتار دارد نه کردار : میکند دالر شمار
سیاف سخت مکار : به وهابیت افتخار
نمر و سپاه در ایران : خود را کردند در حصار

کاشکی راکت میبودم

به وطن فروش میخوردم

خوارا گفتند: "راوا" "راوا"

مه گفتم زنده باد



پیام زن و خوانندگان

گردنم بسته به نکتایی خارج نکنم
منکه از تار وطن بافته ام کالر خویش



محترم صدیق حیا

از محترم
مد یق حیا
تا بحال
چندین نامه /
یک قطعه تصویر
و تعداد زیادی
از اشعارشانرا
دریافت داشتم
ایم . ما از
همکاری قلمی

این دوست عزیز سپاسگزاری نموده
تصویر شانرا درین شماره چاپ
و از مجموعه اشعارشان یکی را
انتخاب و به نشر میرسانیم .

امیدواریم این دوست شاعر
و نویسنده ما به همکاری شان
ادامه دهند .

پیامی از گاو

چه خوش گفت بازبان حال کاوی
که ای مردم ! چرا پام ندارید؟
زمین را قلبه کردم در زراعت
که آنجا دانه و غله بکارید
عرق ریختم برای راحت تان
که تا یکدم نشاط فرحت آرید
بحلق تان چکانم شیر صافی
که یادی از حقوق مادر آرید
شما را مسکه دادم دوغ و قیماق
کمسریکدم بخواب خوش گذارید
به عمر خود نکشتم پشه ایرا
چرا اکنون مرا قاتل شمارید؟
بنام سوره باشد به قرآن
چرا توهین مرا هلیحظه دارید؟
چشمک مری زمن سرزد ندانم
که نامم بر (نجیب سفله) آرید ؟
صدیق حیا ❀ ❀ ❀

کلمات / اگر توام با دعوت به
مبارزه / شورش و طغیان نباشد /
به نوحه سرایی ای میماند که هیچ
دردی را دوا نمیکند . یقین کامل
داریم خلقی که آگاهی و تفنگ
داشته باشد حتماً پیروز میشود .
چنین خلقی هم شعرا و نویسندگانی
از خود بیرون میدهد که هر کلمه
از شعر و بیان شان راهگشا
و همچنان گلوله های سربینی اند که

برادر عزیز و درد دیده ما
عمر فاروقی / شاعر و محقق کرد از
دنمارک / نامه تان در رابطه با
غیاب قلم شعرا و نویسندگان بخاطر
فجایی که در کردستان رخ میدهد
برای ما رسید . ما در حالیکه به
شما و تمام خلق مبارز کرداظهار
همدردی و همبستگی مینمائیم به
این باور نیز هستیم که شرح صرفاً
درد و غم و اندوه و لوبازبازترین

پیام زن و خوانندگان

به سینه دشمن مینشیند . سلامت
و کامگار باشید .

برادر عزیز محمد عمـرازان
دنمارك / اولین نامه ی شمارسید
از حسن نظر تان نسبت به "راوا" و
احساسات تان در برابر شهادت
رهبر و بنیانگذار "راوا" ممنون
و سپاسگزاریم . "پیام زن" و دیگر
نشریات "جمعیت انقلابی زنان
افغانستان" برایتان ارسال گردید .
دوست عزیز / در شماره قبلی
"پیام زن" صرفاً از پذیرفتن وجه
اشتراك سالانه به علت نشر نامنظمش
یادآوری شده بود که البته به
مفهوم عدم قبول بهای تکمـاره
نمیتواند باشد . این را صرفاً بخاطر
رفع سوء تفاهم یادآوری نمودیم .

امیدواریم وعده همکاری تانرا
با ما فراموش نکنید . موفق باشید .

از ایران "تنظیم خواهـران
مسلمان افغانستان" نشریه تان بنام
"رهروان سمیه" را دریافت نمودیم
تشکر . شما ره های "پیام زن" سایر
نشریات برایتان ارسال گردید . موفق
باشید .

خواننده عزیز س . ا . ی / با
ایران امتنان از همکاری شما /
گزارش ارسالی تان قابل نشر بود
ولی به علت تراکم مطالب درین شماره
از نشر باز ماند . در شماره های
بعدهی "پیام زن" حتماً آنرا به چاپ
میرسانیم . باز هم برای ما نامه
بفرستید .

برادر محترم هـ . شـ . ف
از اسلام آباد چهارمین نامه شما
را گرفتیم . قبلاً نامه جداگانه ای
برای شما ارسال گردیده بود / باز
هم نامه ای فرستاده و در صورت امکان
خواهیم کوشید با شما از نزدیک
ببینیم . همکاری تانرا با ما
ادامه دهید .

همچنان "همبستگی" ارگان نشراتی
"فدراسیون سراسری شورای پناهندگان
ایرانی" از سویدن و نشریه "مجمع
اسلامی دانشجویان ایران در کانادا"
به اداره "پیام زن" رسیده است که
با سپاس فراوان آرژو میکنیم این
دوستان ما ارسال نشریات شانرا
قطع نکنند .

آدرس مکاتباتی :
RAWA
P.O. Box 374
Quetta
Pakistan

کردستان سرزمین رنج و مبارزه

اینترتیب :

- ۱- کردهای ترکیه ۱۲ میلیون نفر
 - ۲- کردهای ایران ۷ میلیون نفر
 - ۳- کردهای عراق ۴/۵ میلیون نفر
 - ۴- کردهای سوریه ۱/۲۵ میلیون نفر
 - ۵- کردهای شوروی ۱ میلیون نفر
- شمارش نفوس کردها تا حالا دقیقاً انجام نگرفته زیرا دولت‌هایی که ملت کرد بر آنها تقسیم شده نخواسته اند افزایش نفوس سالانه را اعلام نمایند



خاک کردستان که در پنج کشور منقسم است بالغ بر ۴۸۸۲۹۲ کیلومتر مربع مساحت دارد یعنی بیش از یک و نیم برابر کشور انگلستان .

در معاهده سایکس-پیکو که در ۱۹۱۶ بین بریتانیا / فرانسه و شوروی امضاء شد کردستان را بین پنج کشور (ترکیه / ایران / عراق / سوریه و شوروی) تقسیم نمودند .

نفوس کردستان بین ۲۵ الی ۲۶ میلیون نفر تخمین زده میشود —



زنان همپای مردان در کوهستان می‌جنگند .

میباشد .

(۲) ایران :

در سال ۱۹۲۲ خلق کرد رهبری اسمعیل خان شکو برضد رژیم مستبد سلطنتی رضاشاه قیام کردند/ در سال ۱۹۴۶ جنبش مردمی ای براه افتاد که به تاسیس جمهوری مهاباد تحت رهبری قاضی محمد منجر گردید .

جنبش کردها در دوران استبداد محمدرضاشاه هم هیچگاه از پیانیفتاد و مهمترین سازمانهای آزادیخواه کردی درین زمان بوجود آمدند و از استحکام بسی برخوردار شدند . جمهوری اسلامی بایورشهای بمراتب سیعانه تروسیاهدلانه تر بر کردستان دشمنی خونی خود را با آزادی و بهروزی خلق کرد ثابت کرده است . در حال حاضر سازمانهای متعددی در کردستان ایران مشغول مبارزه مسلحانه با رژیم ایران اند از آن جمله است : (۱) حزب دمکرات کردستان و گروهی که در ۱۳۶۶ از آن انشعاب کرد . (۲) سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه له) شاخه کردستان حزب کمونیست ایران . (۳) سازمان مجاهدین خلق ایران . (۴) چریکهای فدایی خلق ایران (گروه اشرف دهقانی) (۵۰) راه کارگر .



و همیشه در ارائه آمار و ارقام رسمی نفوس کردها ناصداق بوده اند . منطقه کردستان از شمال به جمهوری ارمنستان شوروی/ از شرق به آذربایجان ایران و عراق از جنوب به خوزستان ایران و عراق و صحرای شام و از غرب به رود فرات و قسمتی از ولایت انادول محاط است .

مردم شجاع کرد بخاطر آزادی ملی/ خودمختاری و کسب حقوق شان جنبشهای زیادی براه انداخته اند که مشهورترین آنها زین قرار اند :

(۱) ترکیه :

در سال ۱۹۲۵ جنبش خلق کرد به رهبری شیخ سعید پیران و در سال ۱۹۲۷ به رهبری جنرال احسان توری پاشا براه افتاد . در سال ۱۹۳۷ جنبشی برپا شده بود که از طرف دولت فاشیستی ترکیه با استعمال سلاح کیمیاوی به شدت سرکوب گردید .

کردهای ترکیه هم بخاطر نیل به آزادی مدتهاست سلاح بدست گرفته اند . هرچند دولت کنونی ترکیه به عقب نشینیهای در زمینه فرهنگی نسبت به کردها تن داده اما اینها از خواستههای اساسی ملت کرد فرسنگها دور است . بین سازمانهای مهم در کردستان ترکیه یکی هم حزب کارگران ترکیه

بدون مبارزه علیه فاشیسم بنیادگرایی مبارزه

۶) سازمان چریکهای فدایی خلق
ایران (اقلیت - کار).

۳) عراق :

در ۱۹۲۲ جنبشی تحت رهبری
شیخ محمود برپا شد و مردم کرد توانستند
حکومت خود را در سلیمانیه تاسیس
نمایند. این حکومت از طرف دولتهای
بریتانیا و عراق رسمیت شناخته شد.
در سال ۱۹۸۲ در اکثر مناطق
کردستان عراق قیامهایی به
مناسبت هشتمین سالروز مباردمان
شهر قلعه دزه که بتاريخ ۲۴ اپریل
۱۹۷۴ بوقوع پیوسته بود به راه افتاد.

در همین قیام بود که زنی مبارزه
اسم سنوبر به شهادت رسید و تعداد
زیادی زندانی شدند. خیزشهای
زیاد دیگری نیز در جریان جنگ
ایران و عراق بوقوع پیوست. در جنگ
خلیج بعثت تضعیف دولت عراق بوسیله
حمله آمریکا و متحدین/کردها
قیام سرتاسری به راه انداختند و با
اینکه موقتاً پیروزیهایی کسب
کردند اما به شدت سرکوب گردید که
منجر به کشته شدن تعداد زیادی
از مردان و زنان و کودکان و آواره شدن
بیشتر از دو میلیون کرد گردید.



برای آزادی و دموکراسی بی معنی است.

خصوصیات جنبش کردستان :

جنبش مردم کرد که تقریباً شش دهه از عمر آن میگذشت دارای خصوصیات مبارزی است :

— کردها برای رسیدن به اهداف آزادیخواهانه خود همیشه به مبارزه مسلحانه تکیه کرده و آنرا رکن اصلی مبارزات خود دانسته اند. حاکمیت دولتهای ضد دموکراتیک و فاشیستی در ایران / عراق و ترکیه عامل اصلی این توسل به قهر کردها شده میشود .

— این جنبش هاهمیشه از حمایت وسیع توده های مردم برخوردار بوده بهمین دلیل با سرکوب خونین و وحشیانه ی دولتهای مستبد فروکش نکرده بلکه برعکس نبرد حق طلبانه شان شعله ورتتر شده است .

— اردوی منظم و مقتدر دولتهای فاشیستی با آتشبار سنگین خود نتوانسته اند دسته های چریکی و پارتیزانی انقلابیون کرد را درهم شکنند. اگر شورش در یک منطقه سرکوب گردیده فوراً منطقه دیگری دست به شورش زده است .

— کردستان محاط به کشورهای است که هیچکدام آن نمیتوانند پشت جبهه مطمئن برای مبارزین کرد بحساب آید .

— جنبش کردستان عمدتاً متکی بخود بوده و چندان از حمایت سایر کشورهای برخوردار نیست .

— جهانیان چهره واقعی این جنبش را به دلیل نارسایی های تبلیغاتی آنچنانی که باید درک نکرده اند .

— یکی دیگر از جهات درخشان این جنبش عدم نفوذ و حضور فاشیسم مذهبی و بنیادگرایانه است و تا حال این جنبش از مکروب نوع ایرانی یا افغانی آن در امان مانده است .

— زنان بارگران این پیکار را بدوش میکشند و بعزت عدم نفوذ بنیادگرایی توانسته اند در حد قابل ملاحظه ای در جنبش سهیم باشند . اما از اینکه جامعه کرد مثل سایر جوامع جهان سوم عقب نگذاشته شده / از آزادی های اجتماعی و حقوق خود محروم است .

— کردها تا حال نتوانسته اند به اتفاق هم جبهه متحد وسیعی را ایجاد نمایند. به همین دلیل به پیروزی چشمگیری بخاطر ایجاد دولت مستقل و یا خودمختار دست نیافته اند. اختلافات داخلی بین مبارزین کرد باعث تضعیف قدرت جنگی آنها گردیده است .

— اگر ملت کرد خودمختاری



رهایی بخش خلق شانرا باخون
خویش گلگون کرده اند :

(۱) لیلا قاسم زن مبارز کردی
که در ۱۹۷۴ بخاطر فعالیتهای سیاسی
و شرکتش در شورشیهای کردستان به دست
عمال رژیم بعث اعدام شد. وی اهل
خالقین بود.

(۲) سنوبر محمودرش از سال
۱۹۸۰ - ۱۹۸۲ مسئول برگزینی
تظاهرات ضدبعثی در شهر قلعه دزه
کردستان بود که در ۱۹۸۲ به ۲۲ سالگی
بدست رژیم صدام به
شهادت رسید. او عضو اتحاد دانشجویان
بود.



سنوبر محمودرش

بقیه در صفحه ۴۸

میخواهد دولتهای مستبد با اعمال
ستم ملی و سرکوب خونین و صدها
دسیسه و توطئه دیگر نمیگذارند
ملت کرد هویت مستقل خود را داشته
باشد. بطور مثال در کردستان
عراق برای از بین بردن هویت ملی
کردها از سه شیوه کار میگیرند.

(۱) کردها را بصورت جبری داخل
حزب بعث می سازند.

(۲) کردها را جبرا از مناطق شان
بیرون کرده به مناطق عرب نشین
انتقال میدهند.

(۳) اعراب را در مناطق کردستان
اسکان میدهند.

نقش زنان کرد در مبارزات :

میگویند زن نصف جامعه
است و لی کردها میگویند زن نصف
جامعه و مادر نصف دیگرش هم است.
از آغاز شورشها در کردستان
زنان علاوه بر بچه داری و انجام
کارهای منزل در فعالیتهای سیاسی
و اجتماعی سهم فعالی گرفته اند.
آسمان ملت شجاع کرد مثال
سایر ملت های دربند پر از ستاره هایی
از مبارزان جاودانش است که در بین
آن مبارزین قهرمان زن درخشش
خاصی دارند. اینهم بطور نمونه نام عده ای
از زنان مبارز کرد که درفش نبیرد

از " جمعیت انقلابی زنان افغانستان " به ملت مبارز کُرد :

همبستگی



بتو ای کُرد دلاور
بتو ای صخره‌ی سرخین
موج توفنده‌ی هامون غمین
در غروب شب سرخ
دست عفریتی صدام
به سرب تکیه بداد
کلبه‌ی ساکت و ناشاد ترا
خوشه چین خرمن ناپالم نمود
در شفق گلبن سرد
باد بر رایحه‌ی گلزخمانت
عطر گل خون می بارد
یاسمن می کارد
دست نجواگر تو
در افق‌های دراز

راز باروت نمایاند چه خوب !
اینطرف !

وز ورای دو سه مرز
اژدها با خط و خال
سایه‌ی من می بلعد
اره بر گیسوی من می دارد
تیر بر تارک من می کارد
آه !

ای دوست !
من و تو قافله‌ی هم پیماییم
زاده رنج و شکنج و غم و درد
باش !

تا !
تیر همبستگی ام را بکمان زه کشم
یا که بر خامه‌ی تاریخ "پیام"
راز سرخین خودم را و ترا
چون شقایق کارم



رزمده کردی



قربانی فاشیزم مدام

۳) شهیدآمنه سور. اوهم از فعالین تظاهرات بود که در کنسار سنوبر در ۱۹۸۲ در قلعه دزه جان باخته
 ۴) عابده یاسین/ بعد از تحمل شکنجه های فراوان و بی حرمتی وحشیانه در برابرش در زندان به شهادت رسید.

۵) مارگوبیت/ پیشمرگه قهرمانی بود که در نبرد هسای مسلحانه زیادی شرکت فعال داشت.

۶) حبسه خانی نقیبه هم از زنان مبارز کنرد است که خدمات بزرگی برای اعاده حقوق زن انجام داده.

انواع شکنجه در حق زندانیان :

رژیم بعث عراق مثل سایر فاشیست های که با فشار و سرکوب و اختناق خود را بر مردم تحمیل کرده اند از انواع شکنجه و بدرفتاری مقابل زندانیان کار میگیرده. از آن جمله : فرو بردن پارچه های شیشه در بدن / در حضور زندانی تجاوز کردن / شکنجه اطفال و کودکان شیرخوار در برابر چشمان مادر محکومش / کشیدن ناخن / کندن گوشت بدن بوسیله انبوس / راه رفتن اجباری زندانی روی شیشه های شکسته / نگهداری زندانی در اتاق کوچکی

که به عمق نیم متر آب دارد / برق دادن زندانی تا سرحد بیهوشی / پرس کردن زندانی بوسیله دستگاه پرس که با اعتراف کند و یا خرد و خمیر شود. علاوه از این در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ بیشتر از ۱۵۰ کودک از شهر سلیمانیه ربوده و به زندان افکنده شدند که اکثریت شان ییازیر شکنجه یا حین تجاوز به آنان کشته شدند. همچنان با ماسکهای وحشتناک این کودکان را تا سرحد مرگ میترساندند.

رژیم فاشیست صدام برای کشتار دسته جمعی علاوه از بمباردمان سنگین هوایی و آتشبار توپهای دور از سوزاندن / زنده بگور کردن و گازهای کیمیاوی کار میگیرد.

تشکیلات سیاسی در کردستان :

الف : احزاب و گروههایی که جز اتحاد کردستان اند :
 ۱) اتحاد میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی متشکل از دو گروه دیگر است : ۱) کومله که خود را نماینده گاران و دهقانان و سایر زحمتکشان میدانند / ۲) اتحاد شورشگران کردستان (اتحاد انقلابیون کردستان) که هدف آنها دمکراسی برای عراق



حضرت علی (رض) میفرماید:

سَبْعُ أَكْوَلٍ حَطُّومٌ

خَيْرُ مَنْ

وَالْظَلُومُ غَشِيومٌ

حیوان خونخوار و

درنده از امیر ستمکار و

خشن بهتر است

هستند و برقراری جمهوری اسلامی

عراق به رهبری شیعیان را میخواهد.

(۶) حرکت مجاهدین عراق .

(۷) حزب کمونیست عراق به رهبری

بهاء الدین نوری .

(۸) حزب زحمتکشان کردستان

عراق .

(۹) حزب بعث یاری/ از احزاب

سابقه دار است . هدف آن از بین

بردن حزب بعث مدام حسین است و

از طرف کشور سوریه حمایت میشود.

و خودمختاری برای کردستان است .

(۳) حزب دمکرات کردستان که

در ۱۹۴۶ پایه گذاری شد و خود را نماینده

مردم ستمدیده میداند . هدف اینها

هم خودمختاری کردها و دمکراسی

برای عراق است .

(۴) حزب سوسیالیست کردستان

عراق .

(۵) حزب سوسیالیست کورد

(پاسوک) هدف آن عمدتاً تشکیل

کردستان بزرگ یعنی متحد ساختن

کردهای چار کشور است .

(۶) حزب دمکراتیک کردستان .

(۷) حزب کمونیست عراق (شاخه

کردستان) خود را نماینده کارگران

میداند خواهان جدایی کردها از

عراق نیست .

ب: احزاب و گروههایی که

در اتحاد کردستان نیستند :

(۱) حزب کمونیسم عراق .

(۲) پرچم انقلاب (آلای شورش)

(۳) حرکت جنبش کردستان که

دوست جمهوری اسلامی ایران

است .

(۴) حزب اله کردستان که توسط

ایرانیان ساخته شده و میخواهد

اهداف جمهوری اسلامی ایران را در

کردستان پیاده کند .

(۵) مجلس اعلای اسلامی عراق/

از دوستان جمهوری اسلامی ایران

شرکت نماینده "راوا" در محفل حلبچه

افغانستان نیز در آن شرکت نمودند. درین گردهم آیی بیشتر از ۲۵۰ نفر شرکت داشتند. محفل ساعت ۳:۲۰ آغاز شد. در ابتدا شرکت کنندگان به خاطر گرامیداشت خاطره‌ی شهدای حلبچه یک دقیقه سکوت کردند بعد آیاتی چند از قرآن پاک تلاوت گردید بدنبال آن مقاله‌هایی به زبانهای کردی / فارسی و انگلیسی قرائت گردید هم‌چنان سرودهای دسته جمعی به زبان کردی اجرا شد. یکی از شرکت کنندگان جمعیت انقلابی زنان افغانستان درین محفل مقاله‌ای قرائت نمود که مورد توجه سایرین قرار گرفت.



۱۸ مارچ ۱۹۸۸ بود و حلبچه روزهای آخر زمستان خود را سپری میکرد که بمب افکنهای عراقی بیشتر از ۲۰ بار این شهر را مورد حمله قرار داد. هزاران نعره زخم ناخورده روی جاده‌ها پخش شدند. اینها همه قربانیان سلاح کیمیاوی بودند که رژیم بعث عراق آنرا بر مردم بیگناه این شهر بکار گرفت. بیشتر از ۷ هزار انسان بشمول زنان و کودکان قربانی این حادثه غم‌انگیز و تاریخی شدند.

کردهای مقیم پاکستان در ۱۷ مارچ سال جاری به مناسبت تقبیح فاجعه حلبچه در شهر کویته پاکستان محفلی برگزار نمودند که بنابه دعوت آنان چندتن از اعضای جمعیت انقلابی زنان



قربانیان حلبچه

بقیه

چهارده به - ارسیه - اه

جنایاتی ازین قبیل یک مسئله عادی روز است .

گروپ مسلح دیگری از ستمی های سمت شمال که پایندره ای از شرافت نیستند علاوه از اختطاف دختران و پسران کم سن و سال بخاطر عیاشی شان به چور و چپاول منازل و دوکان ها میپردازند . همین دسته از او یا شان است که به حمام زنان پورش برده و مرتکب اعمال شنیع در حق زنان

میگردند .

رژیم نجیب برای دامن زدن فحشا کلیهای تفریحی متعددی بر ابرپاساخته است . کلیپ سازمان جوانان یکی از مراکز این فساد است . آنان بدینوسیله جوانان دختر و پسر را اولاً منحرف و بعد در شبکه های اطلاعاتی خادبه خدمت میگیرند . سازمان زنان که بنا به شورای زنان پیاد میگردیده مقایسه سایر ارگانهای مشابه نقش فعالی در به فساد کشانیدن



ا انتقام بیدادگری ها و جنایات رژیم را مردم ما هرگز فراموش نمیکنند

جوانان دارد.

یکی از شیوه های جنایتکارانه رژیم کابل در بخدمت گرفتن جوانان / معتاد ساختن آنان به مواد مخدر (هیروئین / چرس و الکل) است. در بین او اخراین انحراف به پیمانه وسیع گسترش یافته است. پارکهای شهر نو / ز رنگار و تیمورشاهی و باغ بالا و سایر نقاط تفریحی کابل به مرکز اجتماع معتادین مبدل گشته. اینان اکثراً خادی ها / تسلیمی ها و اعضای جنایتکار حزب خلق و پرچم اند که در ملا عام به هرزه گویی مشغول اند. جالبتر از همه اینک در قطعات اردو / خاوندی / ملیشای دولتی و خادچرسما حواله است.

در فابریکه های شراب سازی کابل الکل به پیمانه وسیع تولید و به بازار عرضه میگردد. هم چنان شرکت "افغان کادت" و شرکت "دمیوی سمون" روزانه هزاران بوتل و دکا از شوروی وارد میکنند.

در سرتاسر شهر کابل مشروبات الکلی بطور علنی و به پیمانه وسیع بفروش میرسد. به علت دایم الخمر بودن بسیاری از رانندگان حوادث ترافیکی بیشماری در شهر رخ میدهد اما هیچگونه جزایی به متخلفین داده نمیشود زیرا اکثریت شان خادی / تسلیمی و یا منصبداران دولتی

اند. در زمستان ۱۳۶۸ در سرك چهارم پروژه وزیر آباد تانك زره دار به اثر بی احتیاطی راننده اش با سرویس شهری تصادم میکند که در نتیجه ده نفر کشته و بیش از ده نفر زخمی بجای میگذارد. راننده زره پوش کاملاً بی توجه و خونسرد از صحنه دور میشود. در حمل سال گذشته راننده خادی ای که کاملاً مست بود مقابل ریاست ملی بس ریش سفیدی را با موتر خود خرد و خمیر میکند در حالی که عده ای زیادی از عابرین ناظر صحنه بودند خادی مذکور با تشارک کردن چند دو و دشنام به ریش سفید بی خیال به مرکز جنایات خود حرکت میشود.

پوهنتون کابل که مردم آنرا به درستی فیشنتون نامیده اند در واقع به مرکز فساد و عیاشی تبدیل شده. از درس و تعلیم خبری نیست زیرا اکثر استادان ورزیده به شهسادات رسیده اند یا زندانی شده اند و یا خانه نشین و یا به کشورهای دیگر فرار نموده اند. از جانب دیگر از طرف مقامات بالایی به استادان ابلاغ میگردد که در "اوضاع انقلابی" تعلیم آنقدر مهم نیست محصلین فقط باید مشغول باشند. این هم طبق برنامه فساد اخلاقی و به انحراف کشاندن جوانان دخترو پسر و شستشوی مغزی

←

مبارزه برضد ارتجاع و هرگونه

بطور سیستماتیک عملی میگردد.

شاگردان و محصلین نه بخاطر کمایی شان به درس و تعلیم بلکه بخاطر بدست آوردن کارت کمیساری نظامی خود را شامل مکتب و پوهنتون میسازند تا موقتاً هم اگر ششده از خدمت عسکری خود رانجات دهند. اکثریت شان دورنمای زندگی خود را بسیار تاریک میبینند و نمیدانند چرا باید درس بخوانند و در آینده چه خواهند شد.

معلمین صنف اول مکاتب ابتدایی مکلف اند که در سال تعلیمی جاری (۱۳۷۰) شاگردان را خودشان جمعآوری و برای خود صنف تشکیل دهند در غیر آن اضافه بست میشوند.

شاگردان در سال تعلیمی گذشته (۱۳۶۹) صرف سه ماه درس خوانده اند که در هر صنف از ۵۰ - ۶۰ نفر شاگرد تنها ۱۰ - ۲۰ نفر آن حاضر میبود. این بار که دستور بود امتحان شاگردان کمی جدی تر گرفته شود تا ۵ فیصد شاگردان توانستند کامیاب شوند زیرا اکثریت آنان سواد نداشتند.

همیشه معمول بوده که شاگردان مکاتب و پوهنتون در چانس سوم و چارم به صنف بالاتر ارتقا داده میشوند و این امر گراف بی سوادی شاگردان رابه پیمانه وسیع بالا برده است.

در سال تعلیمی ۱۳۶۹ حدود ۸۰٪

شاگردان و ۵۰٪ معلمین فرار نموده اند و زارت تعلیم و تربیه مجبور شده تا افراد غیرملکی را بخدمت بگیرد/ باینصورت تعلیم و تربیه عملاً در نازلترین سطح آن سقوط میکند. از جانب دیگر پروگرام های تعلیمی کپی شده از روسها که به خواست مردم و جامعه ما مطابقت ندارد نمیتواند پاسخگوی نیازهای تعلیمی شاگردان باشد. دولت تصمیم گرفته تا سیستم تعلیمی ساخته شده ی روسها را ملغی و به عوض آن سیستم تعلیماتی غربی را تطبیق نماید و با این "نوآوری" میخواهد سطح تعلیماتی را بلند ببرد!

با وجود فعالیتهای شیطانوار و سیستماتیک رژیم بخاطر بیسودماندن و به انحراف کشاندن و بالاخره مطیع ساختن شاگردان و محصلین هنوز هم مقاومت ها و عکس العملهایی از جانب آنان دیده میشود بطور نمونه در ۱۹ جدی ۱۳۶۹ محصلین در لیلیه مرکزی پوهنتون بخاطر وضع بد غذایی و سرد بودن اتاقهای لیلیه دست به اعتصاب زدند و با شکستادن شیشه های تعمیر لیلیه و لت و کوب مفضل اجیران پس است "دفاع خودی" نفرت و انزجار خود را در برابر رژیم مزدور به نمایش



گذاشته تا اینکه دولت
خواسته‌های آنان را
برآورده ساخت.

وضع درآمد مصیبت بارت‌ر
از سایر ارگانهاست.

عساکر بطور عموم روحیه فرار
دارند. وضع خوراک و پوشاک شان
خوب نیست. برخورد صاحب‌منصبان
با عساکر غیر انسانی و توأم با خشونت
است. سمت و سمت بازی یک اصل
قبول شده و معمول در اردو است.

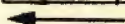
قوماندان قطعه دوستان شخصی
و قوم و خویش خود را در تشکیل خود
میگردد. کسانی که با قوماندان
روابطی ازین نوع نداشته باشند
باید قطعه را ترک گویند که معمولاً
بنام نفرکشی جبراً به یکی از جبهات
جنگ سوق میشوند. پیلوتها از امتیاز
خاصی برخوردارند مثلاً دامن رتبه‌های
فوق‌العاده جنرال / خانه در مکروروی
و سایر امتیازات در معاش و مواد
مصرفی که این امر باعث اختلاف
سایر کارکنان قوای هوایی با آنان
میشود. پیلوتها طیاره را مال شخصی
خود میدانند. برای انتقال زخمی
پاکشته شده در جبهه جنگ از اقارب
شان پول میگیرند در غیر آن به هیچ
صورت آنان را انتقال نمیدهند.

چیزی که بازارش بسیار گرم
است رشوه خواری در تمام سطوح

قطعات اردو است. هیچ کاری بدون
رشوه و وسیله درآمد انجام نمیگیرد.
چون رژیم نجیب خود را در آستانه
سقوط میبیند جنایتکاران رده‌های
بالایی رژیم یک‌ه‌پریکه پرخود را
از افغانستان کشیده به کشورهای
غربی پناهنده میشوند. در طول
سال گذشته دستگیر پنجشیری / کریم
میثاق / حشمت کیهانی / اسداله سروری
و مدها جنایتکار دیگر موقتاً خود را
از خلق آویز شدن با چوبه دار مردم
نجات داده اند.

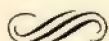
سطح زندگی مردم عادی شهر راکه
بار رژیم مزدور همکاری ندارند
میتوانید از روی جدول نرخ مواد
خوراکی و مصرفی ذیل تصور نمایید
که چطور تورم و قحطی مردم کابل را
به جان آورده است :

ردیف	جنس	مقدار	قیمت به افغانی
۱	کچالو	فی سیر	۵۵۰
۲	پياز	رر	۱۰۰۰
۳	لوبیا	فی کیلو	۴۵۰
۴	نخود خام	رر	۲۰۰
۵	روغن	رر	۲۵۰
۶	آرد	فی سیر	۱۵۰۰
۷	گوشت گاو	فی کیلو	۱۱۰۰
۸	گوشت گوسفند	رر	۱۴۰۰
۹	برنج لک	فی سیر	۲۲۰۰
۱۰	برنج باریک	رر	۳۰۰۰



"دای.اس.آی سیاست ..."

دگورباچف امنیتي مشاور اپوژنی -
پریماکف په دی عقیده وچه بنسټیز
حل لاره به دنجیب تر مشری د ملی
روغی جوړی ائتلافی حکومت جوړول دی.
سناتورهای په افغانستان کی
دای.اس.آی دنقش په هلکه وویل:
"دکلو نوپه اوردو کی دپاکستان آی.اس.آی
دمقاومت اساسی گروپونه دمرستی نه
بی برخی ساتلی اودپیسو اووسلو زیاته
برخه یی دبسنډپالو مشر گلبدین
حکمتیار ته ورکوله ترخوپه معامله گری
سره هغه قدرت ته ورسوی. دروسانو
د تسلط په دوران کی پداسی حال کی
چی اړتیا افغانان یی دی هڅول ترخو
دهغه چا تر مشری و جنگپری چه
د پیرو مالک امکاناتو خاوند وی.
دروسانو دوتو نه وروستنه
دای.اس.آی یو اړخیزه کړووکړو
دمقاومت هلې ځلې پیری سستی کړی،
ځکه مجاهدینو نه غوښتل چه
پاکستانی عواملو تر فرمان لاندی
و جنگپری. په دی وروستیو میاشتو
کی پاکستانی مقاماتو ځنځی
څرگندونی کړی چه ددی نظام
استراتژی نه دلاس اخستلو په معنی
دی. دفرنډتیر پست ورځپاڼه
کال ۱۹۹۱ دجون ۹



نوم	جنس	مقدار	قیمت به افغانی
۱۱	نان خشک	فی قرص	۲۵
۱۲	نان سیلو	رر	۱۴۰
۱۳	بوره	فی کیلو	۴۲۰
۱۴	شیرینی	رر	۶۰۰
۱۵	چای	رر	۲۵۰۰
۱۶	کرایه خانه	فی اتاق	۱۵۰۰
۱۷	چوب سوخت	فی سیر	۵۰۰
۱۸	زغال	رر	۱۶۰۰
۱۹	تیل پطروول	فی گیلن	۱۷۰۰
۲۰	تیل دیزل	رر	۱۵۰۰
۲۱	تکه ناقته	فی متر	۳۰۰
۲۲	تکه کتان	رر	۷۰۰
۲۳	بوت لیلای	فی جوړه	۳۰۰۰
۲۴	بوت منازه	رر	۴۰۰۰۰
۲۵	قلم خود کار	فی دانه	۸۰
۲۶	کاغذ	فی تخته	۲۰
۲۷	کتابچه مد ورقه	فی جلد	۱۵۰

راکت باران شهرکابل که توسط
یک مشت عناصر خود فروخته ویی وجدان
که بخاطر بدست آوردن پول و امکانات
نظامی از بیگانگان صورت میگیرد
همشهریان بی پناه مارا در کابل
دچار ترس و مشکلات فراوانی ساخته
است. تا حال اکثراً قربانیان این
راکت زدنها مردم عادی شهر بونه
اند. این اکتها دو مرتبه در ده
افغانان جایی که ایستگاه هشت
لین سرویس شهر است اصابت کرده /
بقیه در صفحه ۷۷

آقای عرفات، ...

سیاهترین قصابان رژیم (شهنوازتنی) دریک حبله بربری؟؟ و باز اگر عرفات چراغ سبز ندیده باشد چطور است که میانجیگریهایش تنهایی تو و مزدوران است و نه «امیر» دیگر؟؟

اما بحث اصلی بر عرقریزیهای آقای عرفات است که خود را در وسط دو طرف یکی وطن فروش بی نظیر و دیگری تروریست و فاشیستی بی نظیر انداخته / یکی را «دولت مترقی و قانونی» و دیگری را «حزب قدرتمند و متشکل» نامیده و دستهایشان را بهم میدهد.

و واقعاً آقای عرفات خود را دیده و به و زن و حیثیت بزرگ «سازمان آزادیبخش فلسطین» توجه نکرده که به این نوع پادرمیانی بین آن دو جوانب پلید برخاسته است. آقای عرفات اینکار شما «ساف» را آلوده میسازد. این پادرمیانی ای نفرتبار و توهین آمیز نسبت به مردم افغانستان است. شما رژیم میهن فروش را به رسمیت شناختید ولی حالا میکوشید آنرا بایاندی از آدمکشان «قدرتمند و متشکل» یکجا برگردانید مردم عذاب دیده ی ماسوا رکنید؟؟

متأسفانه آقای عرفات به آن وساطت بین دشمنان قسم خورده مردم

ما اکتفا نکرده و گامی دیگر هم درین جهت نمیگذارد. او در دومین کنفرانس جهانی اسلامی منعقد خراطوم (اواخر اپریل ۱۹۹۱) دولتها و مردم ایران و پاکستان را با گلبدین دریک ردیف قرار داده و از «هرسه» خواست تا «با فعالیت و کار بیشتر بکوشند توطئه های امریکایی- صهیونیستی را در مناطق شان خنثی سازند».

این مربوط خود آقای عرفات است که چگونه در مجامعی که از گلبدین در آن بعنوان نماینده افغانستان یا مقاومت دعوت بعمل آمده باشد / شخصاً و یا خوشرویی حضور مییابد. از نظر مایکچنین کنفرانسهای اسلامی یا غیر اسلامی که جانیانی چون گلبدین در آن شرکت کنند یقیناً مجامعی با ماهیتی ضد دمکراتیک و شدت ارتجاعی بوده و فاقد هرگونه ارزش آزادیخواهانه و ضد امپریالیستی میباشد. اما برجسته ساختن گلبدین و او را بمشابه به اصطلاح نماینده افغانستان یا اپوزیسیون دانستن / دومین توهین زشت و فراموش نشدنی است که آقای عرفات در مقابل مردم ما مرتکب میگردد. او حق نداشته و ندارد تا عصاره ی ارتجاع و تاریک اندیشی کشور ما / دجالی را که از دهانش قطرات خون پاک رشید تریستن

آزادی ملی و آزادی اجتماعی از

فرزندان وطن ما میچکد *خنثی گر
توطئه های امریکایی - صهیونیستی*
بداند .

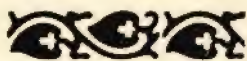
ادامه یکچنین موضعگیریهـا
وبرخوردهای ضدمنافع واحساسات
مردم ازسوی آقای عرفات میتوانند
به حرمت خاص جنبش آزادیخواهانـه
فلسطین نزد مردم مالطمه واردکنند .
کار رهبری دولت وسازمان
آزادیبخش فلسطین بافعالیتـهـایی
سبک و حقیرمانند ترتیب دیدار
دوتن از مردودترین وشنگین ترین
چهره هئادر افغانستان وحتی جهان
(نجیب وگلبدین) ویادست دردست
گلبدین درکنفرانـسـها ومحافل ظاهر
شدن / بهیچوجه سازگارنیست . این
فقط لکه ایست وباهیچ ملحوظ به
اصطلاح دیپلماتیک ونظایرش قابل
فهم بوده نمیتواند .

نتفاضه هر روز شهید
میدهد اسرائیل ۴۰۰هزار
یهود از شووی "وارد" کرده است ؛
صهیونیستـهـا قراراست ۱۰۰هزار
خانه درمناطق اشغالی منجمله
نابلس ورامله بنانمانند ؛ یک
ملیون یهودر امیخواهند دراورشلیم
بزرگ اسکان دهند ؛ اخیراً نیروهای
فلسطین از صیدون (لبنان) نیز خلع
سلاح شدند وصدها دشواری عظیم
دیگر دربرابر انقلاب فلسطین

قرار داردکه لازم است آقای عرفات
دایماً بآنها بپندیشدوبازهم اگر
فرصت اضافی برایشان باقی میماند
خوبست آنرا صرف مهمانـداری
میهن فروشان وجلادان ملت مانکرده
ونتیجتاً برای جنبش فلسطین
خفت وبی اعتباری نخرند .

و نکته آخراینکه معلوم نیست
پرزیدنت عرفات از نزدیکی ودوستی
بیش از حد باخمینی چه دروکرد که
اکنون به منحوس ترین /خطرناکترین
وارتجاعی ترین باند بنیادگرای
وطنی که هنوز به قدرت هم نرسیده
(وهرگز نخواهد رسید) اینطور
پرحرارت ومحبت چشم دوخته است ؟
نکند آقای عرفات فریفته شعارهای
"ضدامپریالیستی" و "ضدامریکایی"
"امیر" گلبدین شده باشد ؟؟

ا گرچنین باشد آنگاه مردم
ما از ته دل آوازخواهند دادکه آقای
عرفات این موجودارزانی شما باد !



پیام زن و دیگر نشریات جمعیت انقلابی زنان افغانستان را

درکوبته از کتابفروشی :

Rohail Ahmad
New Quetta
Book Stall
Jennah Rd.
Quetta

در اسلام آباد از کتابفروشی :

Book Land
Markaz G-9
Asad Plaza
Shop No. 2
Islamabad

در پشاور از کتابفروشی :

مکتبه سرحد
خیبر بازار - پشاور

بدست آورده میتوانید .

معبر مبارزه با بنیادگرایی میگذرد

رحیم چنزایی...

دولت پوشالی و ارتجاع بنیادگرایی باید به هر شکل / در هر سطح و به هر وسیله ی ممکن چه درد اخل کشور و چه در پاکستان و سایر کشورها به دفاع از چنزایی و چنزایی ها برخیزند. هیچ بهانه و خود را به کوچه حسن چپ زدن و ادای "های انقلابی" نمایانه نمی توان از انجام اینکار طفره رفت. هر نیروی صادق آزادیخواه باید این امر را مسئولیت تخطی ناپذیر خود بداند.

۲) مبارزه مستمر و قاطع نیروهای ملی و دمکرات در برابر بنیادگرایان. مایپوسته و آشکارا بنیادگرایان و بخصوص باند گلبدین را من حیث و حی ترین / خاینترین و سیاهترین نیرو خوانده ایم. این نه بخاطر زن بودن ما و نه بخاطر اینست که دست آنان بخون رهبر مارنگین است؛ ما خود را درگیر این مبارزه آشتی ناپذیر ساخته ایم زیرا خطر استیلای بنیادگرایی را در افغانستان ما / کمتر خطرناک و نابودکننده تر از تجاوز شوروی و بقای سگهای پشیمیدانیم. به همین دلیل از تمام نیروهای آزادیخواه درخواست نموده ایم که اگر جوهرشان

به ننگ ریاض و سازشکاری آغشته نیست / شهادت بخرج داده در مبارزه مقابل بنیادگرایی آرام نه نشسته و ما را در برداشتن این بار گران تنها نگذارند. البته این به هیچوجه به معنی نفی مبارزه علیه کمبودهای یکدیگر درجه های ضد بنیادگرایی نیست. نیروهای دیگر هم به هوش آمده دریابند که بنیادگرایان گلبدینی قدرت طلبان دیوانه ای هستند که بخاطر رسیدن به آن از هیچ خیانت و جنایتی روگردان نمی باشند. (همدستی گلبدین و تنی) . آنان با تحمل سیاسی بیگانه بوده و هر فرد و گروهی را که دارای کوچکترین مخالفات سیاسی و فکری با خود تشخیص دهند باتکیه به زور و ترور از سر راه خود دور میکنند.

رحیم چنزایی از شکنجه گاهش - اگرتاکنون قتل گاهش نشده باشد - دعوت صدها شهید دیگر مردم ما را فریاد میکند که :

نیروهای آزادی دوست /

من جرمی ندارم جز هواخواهی از آرمانهای ملی و ضد بیگانه پرستی. زندگی و مرگ من زیاد اهمیت ندارد من و امثال من که جرئت مبارزه برضد میهن فروشی و بنیادگرایی بقیه در صفحه ۹۰

اوپتیریا به ...

نیروهای جبهه انقلابی دمکراتیک خلق اتیوپی (EPRDF) نیز به سرعت پیشروی نموده و قدرت را در ادیس آبابا در دست گرفته و اعلام داشتند که در اولین فرصت انتخابات عمومی با شرکت کلیه نیروهای سیاسی اتیوپی منجمه طرفداران و حزب منجیستو انجام خواهد گرفت . جبهه آزادیبخش خلق تیگره که جز اصلی (EPRDF) رامیسسازد دارای مناسباتی نزدیک با (EPLF) بوده و حق مردم اریتریا را برای استقلال تائید میکند .

پیروزی ۳ میلیون مردم اریتریا با سرزمین حدود ۱۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع بر رژیم وابسته به مسکو منجیستو که در کشوری پهناور چون اتیوپی (یک میلیون کیلومتر مربع مساحت با قریب ۵۰ میلیون جمعیت) حاکم بود و اردویی متشکل از ۴۰۰ هزار نفرات منظم و ۳۰۰ هزار نفر ملیش با پیشرفته ترین سلاحها در اختیار داشت بارد یگراین حقیقت رابه اثبات رسانید که اگر ملتی هرچند کوچک و فقیر متحد شده و بخاطر نیل به آزادی با اتکا بخود به پا خیزد / قادر خواهد بود کمزورترین دشمن و حتی ابر قدرتی را درهم شکند .

اریتریا در ۱۹۵۲ بصورت فدراتیو بعنوان منطقه خودمختار به اتیوپی ضم شد ولی در ۱۹۶۲ هیلاسلاسی آنرا جزء اتیوپی اعلام داشت . از همین زمان به بعد منطقه جنبش استقلال طلبانه در اریتریا بسته شد و دستجات متعصب و پارتیزانی علیه دولت اتیوپی به نبرد برخاستند . سقوط هیلاسلاسی در ۱۹۷۴ و بمیان آمدن رژیم هایل مریم هم نتوانست موجب اختتام جنگ رهایبخش مردم اریتریا گردد .

حدود لا اقل ۶۵ درصد جمعیت اریتریا مسلمان و ۳۵ درصد آن مرکب از مسیحیان اند ولی خوشبختی مردم اریتریا آن بود که از همان آغاز جنبشهای شان صیغه کاملاً



آزاد یخواهانه / ملی و عمیقاً دمکراتیک داشت . کلیه سازمانهای آزادیبخش و بخصوص نیرومندترین و موثرترین آن یعنی جبهه آزادیبخش خلق اریتریا (E P L F) به اشاعه افکار بنیادگرایانه اسلامی یا مسیحی هیچگاه اجازه نداده و این ایده های ارتجاعی و تاریک اندیشه را از ریشه برکنند و برکنند تا اتحاد خلق برهم نخورده و امر بزرگ جنگ آزادیخواهانه صدمه نبیند .

اکثریت اعضای رهبری ج ۱۰ خ ۱۰ عیسوی مذهب اند در حالیکه اکثریت رزمندگان این جبهه را مسلمانان تشکیل میدهند .

اساسی ترین مسئله ای که در حال حاضر در برابر مردم اریتریا و اتیوپی قرار دارد عبارتست از تعیین روابط

دوطرف و چگونگی حل دسترسی اتیوپی به بحیره سرخ . بغیر از طریق اریتریا (بنادر عصب و مساوا) اتیوپی هیچ راهی به آب ندارد . محافل و جناحهای زیادی در اتیوپی بخاطر همین اهمیت حیاتی اریتریا است که به هیچ قیمتی جدایی اریتریا از اتیوپی را نمی پذیرند .

پیروزی انقلاب اریتریا با قربانیهای بیشماری حاصل شد . حفظ انقلاب و تحکیم آن وظیفه ای به مراتب دشوارتر است . امام مردم مصمم و آزادیخواه اریتریا و اتیوپی مسلماً باتکیه و اعتماد بخود و قطع هرگونه نفوذ و مداخله بیگانه / بازهم خواهند توانست بردشواریه را غلبه یا بکنند .



رزمندگان اریترایی

دملاالی روغتون دفعالیتونو رپوت
په ۱۹۸۹ او ۱۹۹۰ کالونوکی

۱۹۹۰	۱۹۸۹	
۹۳۱۶۳ کسان	۷۴۰۳۰ کسان	به مجموعی توگه دناروغو علاج اوکتنه
۱۳۰۹ رد	۱۷۳۱ رد	هغه ناروغان چه بستری شوی
۱۲۶ رد	۲۶۹ رد	هغه ناروغان چه عملیات شوی
۲۷۵۶ رد	۲۴۴۰ رد	لابراتواری کتنی
۱۳۴۰ رد	۷۷۳ رد	پانسمان
۱۰۳۶ رد	۱۸۴۱ رد	د (P.V) کتنه
۲۲۰ رد	۱۶۴ رد	هغه پنځو چه ماشومان زېږولی
۱۹۴۱ رد	-	اکسری
۴۸۹۴ رد	-	بېچکاری

ملالی روغتون په ورځ کی
د (۲۵۰-۳۵۰) کسوپوری مریضان گوری
چه د او پی ډی (OPD) رجسټریشن



هغه ناروغان چه وروسته له راجسټرکولونه د ډاکټرانو دمعاينی په انتظار کی دی .

د ملالی روغتون فعالیتونه

دروزی او زده کړی لپاره یو کورس
هم لری .

دروغتون ټول کار کونکي
۴۲ کسان دی چه ۶ کسه یی ډاکټران/
۱۲ کسه یی نرسان او پاتی نرسور
فارمسیست / لابرانت او نرسور
فنی او اداري کارکوونکی دی .
په روغتون کی د لانسیډی
عملیاتونه کیږی:

سیزارین / هیستریکټومی/
تایریدیکتومی / ایندیکټومی/
گسترو جیوجونستومی/کولی سیستریکټو-
می/هیمورو هیدیکتومی او نرسور
واړه عملیات .

او په دی توگه یی زموږ د مظلوم ولس لپاره دخپل وس او توان په اندازه خدمت کړی . همدارنگه ددی روغتون تکړه نرسان په هر ۱۵ ورځو کی یو وار د امینوار و پنځو د څارنې په طریقه / د ماشومانو سالمه روزنه / د ماشومانو د واکسین اهمیت / د ماشومانو د نظافت اهمیت دسابو او میوو په صحی توگه مینځل او داسی نور مفید مطالبو په باره کی پنځو لپاره تربیوی پروگرامونه په لاس کی نیولی چه دهغی په څنگ تربیوی فلمونه هم ښودل کیری .

"د افغانستان د پنځو انقلابی جمعیت" سره له دی چه د امنیتي پاتی په ۶۴ مخ

نه (۵) روپی او دبستری کیدو نه ۱۰۰ روپی اخستل کیری . مگر علاج / اکسری / لابراتوار او نورصحی کارونه یی له پیسو نه انجام نیسی.

دملالی روغتون دپروستی میاشتی دکار گزارش

ناروغان	۴۹۶۱ که پنځی
بستری شوی ناروغان	۳۷۹۲ که ماشومان
هغو پنځوچه ماشومان زیږولی	۶۴ که پنځی
عملیات شوی ناروغان	۵۴ که ماشومان
پانسمان	۲۴ که
لابراتوار	۲۶ رد
اکسری	۲۸۶ رد
	۲۴۷ رد
	۲۲۴ رد

دا روغتون برخیره پر دی چه دناروغانو علاج کوی د نرسنگ تربیوی کورسونه یی هم سمبال کړی چه تر اوسه ډیر شمیر نرسان روزولی



دملالی روغتون کارکوونکی پنځوته د "راوا" سیاستونه روښانه کوی .

امنستی اترنیشنل . . .

عقاید/نژاد و قومیت یا جنس دستگیر شده باشند .

اعضای امنستی یا گروه‌ها و بخش‌های وابسته به آن در کشورهای خودشان کار نمی‌کنند. آنها برای رهایی زندانیان در سایر کشورهای کار می‌کنند. این اصل سازمان عفو بین الملل را مستقل و بی‌طرف نگه می‌دارد. اعضای امنستی در کشورهای خودشان می‌توانند در ساحات خصوصی نظیر اشاعه آگاهی در مورد حقوق بشر، کار پس‌اندازند. آنان از دولتهای شان می‌خواهند تا تصامیم ملل متحد را تأیید و برای الغای مجازات مرگ مبارزه نمایند. امروز پس از ۳۰ سال / امنستی دارای بیش از یک میلیون و یکصد هزار عضو / مشترکین و کمک دهندگان

در بیش از ۱۵۰ کشور جهان می‌باشد و ۴۲۰۰۰ گروه داوطلب در بالغ بر ۷۰ کشور دارد.

سازمان عفو بین الملل سهم قابل توجهی در افشای گوشه‌ای از جنایات و تخلفات نسبت به حقوق بشر در کشورهای مختلف ادا کرده است ولی نمی‌دانیم چرا چشم‌پوشی‌هایی گلبین در پاکستان و عملیات تروریستی و جنایتکارانه‌ی علیه روشنفکران آزادیخواه میهن ما بسته است و او حزبش را که بیرحمی و سیاه‌کاری‌هایش روی فاشیسم رژیم پوشالی / رژیم ایران و عراق و چلی و اسرائیل را سفید میکند بمثابة مخوف‌ترین و کثیف‌ترین دم و دستگاه ضد حقوق بشر افشا نمی‌کند .



آلمان شرقی غرق در . . .

کارخانه‌ها / آنها را می‌بندد. غیر از کارگران سایر بخش‌های مردم هم به اشکال گوناگون خشم و نارضایتی شان را از وضع ابراز می‌دارند. کارگران بیکار شرقی از ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار بعنوان اجرت بیکاری شغل دریافت می‌دارند که با توجه به تورم روز افزون و بخصوص بالا رفتن کرایه

خانه‌ها / بهیچوجه تکافوی گذران زندگی شائرا نمی‌کنند. البته در سایر کشورهای اروپای شرقی آنچه بنام کمک ماهانه به بیکاران پرداخت می‌شود ازینهم ناچیزتر است. این کمک درپو لیندکه نرخ تورم ۲۵۰ درصد است تنها معادل ۵۰ دلار در در مجارستان و چکسلواکی که تورم قوس صعودیش را می‌پیماید

د ملالی روغتون فعالیتونه

لحاظ نه پیری ستونځی لری اودخاد ایجنټانو او تروریستو بنسټپالو له خوادشید تهدید لاندی دی خوبیا هم په ټینگه اړانه خپله دننه په مخ وړی . ملالی روغتون یواځنسی هغه روغتون دی چه زیات شمیر مراجعین لری او دا په دی دلیلونو:

(۱) دناروغ او ناروغ لرونکو سره د روغتون دټولو کار کونکو دمحببت نه ډک او انسانی سلوک .
(۲) دناروغانو دقیق او صحیح تشخیص او لازم علاج .

(۳) دنورو تنظیمونو بی توجهی دناروغانو په مقابل کی . کله چه دناروغ وضع ډیره خرابه شی بیا یی ملالی روغتون ته استوی .
(۴) څرنگه چه دننه په هیواد کی دهیڅ ډول علاج او درمل زمینه نشته نو زیاتره ناروغان ملالی روغتون ته راځی .

"د افغانستان دښځو انقلابی جمعیت" سره له دی چه هر اړخیزه ستونځو سره مخامخ دی بیاهم زمونږ په آزادیپوښونکی جگړی کی خپله تاریخی دننه په ټه توگه سرتسه رسولی . دننه په افغانستان او پاکستان کی برڅیره پرمخی خدماتو دزنه کړی په ساحه کی د جنیکو او

هلکانو ښونځی یی پرانیستلی دی همدارنگه دښځو لپاره دسواد د زده کړی کورسونه او دلاسی منایجو کارخانې جوړی کړی . ددی په څنگ کی په منظمه توگه په محفلونو او غونډوکی د ښځو دسیاسی پوهنسی دجگړو پلو پخاطر کنفرانسونه او سیمینارونه ورکول کړی .

آلمان شرق غرق در . . .

تقریباً ۷۰ الیومېاشده ولی مردم بخش شرق آلمان معاش و امکانات زندگی خود را با بخش غرب مقایسه میکنند که تمام بابرخی مورد تحقیق آمیز مقامات و کارفرمایان و احساس ناراحتی روانی ازین ناحیه / از نظر شان غیر قابل قبول میاید .
جهت کاهش اثرات روانی و اجتماعی بیکاری / موسسات مشورتی و کاریابی ایجاد گردیده که عملاً هیچ د ردی را دوامتوانسته و کاری از دست آنها ساخته نیست .

آنچه یک فرد ۵۳ ساله مقیم برلین شرقی میگوید در واقع زبان حال اکثریت باشندگان بخش شرق است : «علیرغم اطمینان هلمت کول که روزگار همه یزودی بهتر خواهد شد و نه بدتر / واقعیت اینست که زمین زیر پای خودم خالی میشود . زندگی خانوادہ پرمختت برای ما فاقدارزش است . »



پرته د مجاکمونه د . . .

شکنجه په معمولی اوسپنماتیکه توگه په ۱ ووم ریاست کی عملی کیږي . " د استنطاق په مرکزونو کی اووم ریاست په ټولو کی بدننام دی . هرڅوک چه هلته وړل کیږي مجبوره دی چه اعتراف ورکړي . دځاد غړي او کارکوونکی پښې مغروره دی او افتخار کوي چه د دولت ضد توطی پی شوی کړی دی نوله دی کبله دهغوی لاسونه دشکنجو په ورکولو کی آزادی دی . داشکنجی

شامل دی پر برقی شوک / وهل ټټول / زوپندول / درول / په تخت باندی د بندى په ساعتونو څملول اودهغه په گپه باندی ختل / په شدید تودواوسړو کی بندى په ساعتونو درول / د بندى دسرویشتانو/پريره اوبریت شول "

نوموړی شاهد لوی پيشی چه په ۱۹۸۹ کال کی واقع شو وویل چه دیوه بندى ماتومان یی راولړل اوهغوی یی شکنجه کړل ترڅو نوموړی بندى نه د دولت ضد



دپلچرخى د زندان بدسلوکی / شکنجه او اعدام په تاريخ کي هم بى ساری دی .

فعالیتونو اعتراف واخلی . خلورم ریاست :

د ا ریاست په اختصاصی توگه په تعلیمی موسساتو کی د دولت ضد فعالیتونه کشفوی . دگزارش په اساس د ا ریاست دپنونځیو معلمین / دپوهنتون استادان محصلین ا ونورهغه کسان چه په تعلیمی موسساتو کی کارکوی دنیولو ا ویندی کولو مسئولیت لری .

لمری ریاست :

دوه شعبونه تشکیل شوی چه یوی په بی بی مهر دکابل په شمال ختیز اوبلی بی ښارته نږدی وزیر اکبر خان کی موقعیت لری . دگزارش په اساس د ا ریاست دعادی ښاریانو چه دولتی ضد فعالیتونو کی تورن دی دنیولو ا ویندی کولو مسئولیت لری . ددی ریاست مسئولیت دنوروریاستونونه پراخ دی .
عمومی ریاست :

د ا ریاست دکابل په مرکز په بولوی ما نه کی موقعیت لری چه دصدارت په نامه یادیږی . په دیځای کی ددولتی امنیت وزارت اودملی امنیت اختصاصی محکمې آمریتونه همځای پرځای کړی شیدی . د ا ریاست دهغو دولتی لوړ رتبه مامورینو اونورو عالی مقام کسانو چه ددولت

ضد فعالیت کی تورن اوشکمن دی دتحقیق کولو مسئولیت لری .

داریاستونه دنیولو ا ویندی کولو په لړکی پرته له دی نه چه پولیس او اردو ته خبر ورکړی دوی پخپله ددی دوه ارگانونو (پولیس ا وفوځ) پرځای امضاء اړپه نیولو اوتړلو اقدام کوی .
دپلچرخي لسمری او دوهم بلاک :

په کابل کی چه دهغو بندیانو دوسیه لانه وی تهیه شوی هغه دپلچرخي دمحبس اول اودوهم بلاک ته استول کیږی . په دی بلاکونو کی بندیان دبهراونورو بلاکونو بندیانو نه په تجریدکی پراته دی چه دناملومی مودی لپاره ممکن څوکاله و ی پاتی کیږی .

اول بلاک چه ۴ کسيزه ا۲۰ کسيزه کوټی لری مجموعاً ۸۰ بندیان په هغه کی ځایږی . اودا دپخوانی دولت دکا بیڼی وزیران اولوپرتیو سیاسی بندیانو ته اختصاص ورکړی شیدی . بهرنی بندیان اوڅوک چه په مرگه محکوم دی هغوی هم په دی بلاکونو کی ساتل کیږی .

دگزارش په اساس بندیان په محدوده توگه دتازه هوا نه استفاده کوی مگر ملاقات اودبهر سره رابطه بالکل منع ده . کتا ب /

چه پرته دمحاكمو دېند او پلټنه —
مرکز ونوکی ددولتي امنیتي وزارت
لخوا توقیف شوی دقیقاندی معلوم...
د اول اودو هم بلاک سیاسي بندیانو
واقعی تعداد ۱۰۰۰ کسانوته
رسیری .

دغو بین المللی سازمان وړاندیزونه :

دملگرو ملتو دغو سازمان —
دافغانستان دولت نه غواړي چه :
(۱) ضمانت وکړي چه هېڅ څوک
په پټو بندی خانو کی په غیبر
قانونی توگه دی بندی نه کړای شی .
اوټول بندیان دی دنیولونه وروسته
ژرترژره یوعدلی مقام ته وسپارل
شی .

(۲) تضمین وکړي چه ټولو بندیانو
ته ډیر ژر دخپلو خپلوانانو —
حقوقدانو او داکترانوسره دتمس
سهولت برابرشی .

(۳) د ټولو ریاستونو بندی
خانې/ دپلچرخي دلمړي او دوهم
بلاک مکمل لیدنی اوڅارنی صلاحیت
مستقلوبشر دوستانه سازمانوته
ورکړل شی .

(۴) هغو ټولو مامورینو ته
چه دبنديانوساتل/ پلټنه —
دنورو کړووکو مسئولین دی په جمعی
توگه اوپه صراحت سره ابلاغ شی چه
پاتی په ۶۸ مخ

راډیو / قرطاسیه اوورځپاڼی ته
اجازه نه ورکول کیږي . دلمړي بلاک
بنديان په هفته کی یو واری کولای شی
چه دکورنیو غرونه یو اندازه پیسی
اوجامی ترلاسه کړي .

داسی ویل کیږي چه دوهم بلاک
دری پوره لری هریو پوځوړکسيزه
او ۹۰ سیزه کوتی لری . چه یو پوځ
مجموعاً د ۲۸۸ کسوبندیانو گنجایش
لری . دوهم بلاک کی په مجموعی توگه
د ۸۶۴ کسوبندیانو گنجایش شته
د راسیدلی خبرپه اساس دوهم بلاک
کی هغه غیرمحاكمه شوی سیاسي
بنديان ارسیری چه دمحاكمی په
انتظار دی .

تر ۱۹۹۰ کال پوری ۱۲۴۷ کسان
د دولتي امنیتي وزارت لخوا نیول
شوی چه په دی کی ۷۲۶ کسه هغه
بنديان چه دکابل دبنديانوسه
کی ترڅارنی لاندی و شامل دی . ۵۷۴
کسه بندیان دپلچرخي دمحبس په
اول اودو هم بلاک کی بندیان و چه
دهغه جملی ۲۶ کسه دپلټنه
لاندی و ۳۱۹ کسه دمحاكمی په انتظار
او ۲۲۹ کسه بندیان چه جرمونه یی
ثابت شوی او "دقانونی مراحلو"
ترسره کو لو پخاطر ترڅارنی لاندی
و .

دملگرو ملتو عفوی سازمان
ته دهغو سیاسي بندیانو شمیر

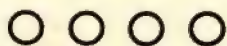
جنایتی از وطن فروشان . . .

با عصیانیت میگوید که شما ننگه و ناموس ندا رید این زنهای بیچاره چه گناهی کرده اند که شما آنها را پیاده میکنید بحال این زن بیچاره که پایش موخته رحم کنید و به عذر و زاری میگوید که شمارا میشناسم شما از قریه کوستان میباشید بگذارید زنهایروند.

زنهای ملرزیدند و اشک میریختند موتروان را که ننگه افغانینست و ناموسداری مقابل آن وطن فروشان پست فرا گرفته بودند از دکه اگر سرم برود اجازه نمیدهم زنهای بدبخت و بیگناه را پیاده کنید. پرچمیها عصائی شده وبدون درنگ بر روی نظر محمد غریب ضربه نموده اورا سوراخ به سوراخ کرده بشهادت رساندند. حاجی عبدالشکور که دیگر زندگی در مقابل ننگه افغانیت برایش بیمفهوم شده بود و از خشم میسوخت آنها را جنایتکاران بیناموس خطاب کرد و دمیدم دستهایش را بهم میمالید و افسوس میخورد که اگر مسلح میبودم جواب شمارا میدادم. با این کلمات جانیان عبدالشکور را هم به شهادت رسانیده وبعد بسروروی فتح محمد و نور محمد رگبار کرده آنها را نیز به شهادت میرسانند. بعد از آن دو زن را کشان کشان از موتریز میبر

می اندازند و هرشش پرچمی به آنها تجاوز میکنند. زنهای دیگر بیهموش افتاده بودند جانیان و طن فروش بر طفلهای هشت ساله / شش ساله و چار ساله شان هم رحم نکرده و آنها را مورد رگبار کلاشنکوف قرار دادند که دردم اجساد سوراخ سوراخ کوچک شان بی حرکت بروی ریگستان می افتند . بدین ترتیب پرچمی ها رعایت حقوق زن را که در فرهنگ پیشرافتی / بیناموسی / بی عفتی و بی وطنی شان درج شده است در ریگستان های نیمروز پلاکشیده حک میکنند و زنان نیمروز باز هم بهتر متوجه میشوند که آزادی و احترام پرچمیها نسبت به زنان مین ما یعنی چه ؟

خواهرتان نادیه از باباسیان زاهدان .



پرتنه دمحاگونه د . . .

شکنجه یوجنائی عمل دی اوپه هیخ ډول تحمل نشی کیدای .
ه) ټول بنديان چه دمحاگمی په انتظار دی / عدالت ته دی وړاندی کړی شی / هغه عدالت چه دین المللی دیوی عادلانه محکمی دحد اقل معیارونو سره مطابقت ولری .



اسداله سروری در دست دولت هند



دولت هند اسداله سروری این جاسوس
جنایتکار را به کی خواهد داد ؟ به همباند
دیرینش نجیب وطنفروش و یایار وهمدست
نوینش گلبدین تروریست و فاشیست ؟

اتحاد شوروی در ...

(شماره هفتم دسامبر ۱۹۹۰) قسمتی ازین کمکها صریحاً در بدل منافعی سیاسی داده میشود از جمله قرضه چهار بلیون دالر عربستان سعودی به شوروی در بدل پشتیبانی شوروی از تصویب مسوده شورای امنیت مبنی بر استعمال قوه در برابر عراق و مثال دیگر آن قرضه بانکی پنج بلیون مارک آلمانی یعنی (۹۰٪) کمک وعده شده دقیقاً قبل از امضای قرارداد وحدت مجدد آلمان توسط آلمان غربی است. جاپانی ها تا حالا ازدادن کمک قابل توجه خود داری کرده اند ولی حین سفر سال آینده میخائیل گورباچف به جاپان امکان اعطای کمک به مقیاس وسیع در بدل استرداد جزایر کوریل به جاپان وجود دارد. (صفحه ۱۴)

وضع اجتماعی و سیاسی در شوروی بدتر از وضع اقتصادی آن کشور است. جریان اعتراض مجامع کارگری و سایر تهدیدستان روزتاروز شکل جدی تر و سازمان یافته تر بخود میگیرد. نخستین سالگرد جنبش اعتصابی سال گذشته کوزنتس با اعتصاب بزرگ سال گذشته با بعدنامه (۴۷) ماده ای گروه گورباچف بخاطر بهبود وضع محیط کار و زندگی

و برسمیت شناختن حق ایجاد اتحادیه مستقل کارگران معادن پایان یافته یکسال از اضمای موافقتنامه مذکور گذشت ولی بهبود قابل ملاحظه در وضع کارگران حاصل نشده. کارگران معادن تصمیم به تشکیل اتحادیه مستقل خود گرفتند. کنگره موسس آن ماه اکتوبر سال ۱۹۹۰ تشکیل اتحادیه مذکور را اعلان کرد ولی حزب حاکم باز هم کوشید تا به اشکال علنی و مخفی اعمال نقوذ نماید و از جانب دیگر سفارت های ایالات متحده و انگلیس هم (بحواله گاردین) حضور خود را تامین نموده بودند تا بتوانند جهت حرکت بعدی اتحادیه جدید را در مسیر دلخواه خود تعیین کنند غافل از آنکه اتحادیه مذکور در مسیر تکامل ضرورتاً به خارج هم هر دو مبدل خواهد شد. اعتصاب و تظاهرات ماسارچ ۱۹۹۱ معدنچیان سایبریای اوکراین که به کمک این اتحادیه برگزار شد یکبار دیگر کاخ کرملین را به لرزه درآورد. از هم پاشی و روحیه عدم اطاعت از محافل حاکم حتی ارتش را هم فرا گرفته و تعداد عسکر گریزی نه تنها در جمهوری ها بلکه در شهرهایی چون مسکولینینگراد روبه افزایش است در حدی که حتی "ستاره سرخ" ارگان ارتش شوروی را مجبور به اعتراف ساخته است. به استناد تبصره مورخ

۱۵ اکتوبر ۱۹۹۰ سرویس جهانی بی بی سی تعداد عسکرگریزی تا آن زمان بالغ به سی هزار نفر بوده و علاوه بر سالانه پانزده هزار عسکر در اثر امراض و حوادث شیکه از استعمال مفرط مواد مخدره و مشروبات الکولی ناشی میگردند تلف میشوند.

حرکت جدایی طلبانه جمهوری ها تقریباً هفتمین سال گلاسنگوست گورباچف است ولی بعد از انتخابات محلی نسبتاً آزاد سال گذشته جدایی طلبی در جمهوری ها و محلات در سطح دولتی خود تکامل کرده این حرکت آنقدر سریع رشد نمود که کشور را در آستانه تجزیه قرار داد. ارتش و کی. جی. پی که میدان ترک تازی خود در اروپای شرقی را منفعلاً به غرب واگذار کرده بودند این زمان به خشم آمده گورباچف را زیر فشار گرفتند تا کاری کند. گورباچف که خودش نیز علاقمند این میراث بود و هم نمیتوانست با اردو و کی. جی. پی شاخ به شاخ شود تصمیم گرفت مهره هایی چون شواردناده / شتالین . . . را کنار گذارد و بعضی از پشتیبانی نیروی بالفعل ارتش و کی. جی. پی بیشتر برخوردار گردد و امادین میسان عامل بازدارنده ای هم وجود داشته است و آن عبارتست از جلوگیری از رویارویی مجدد با امریکا / تمایل

گورباچف ب رای حفظ شهرت و اعتباری که در غرب بدست آورده و او را تا سرحد کسب جایزه " ملخ " نوبل پیش برده جمع عدم تمایل خود گورباچف و سایر گلاسنگوستی ها به تسلیم بلا قید و شرط به رقبای داخلی حزبی شان عمدتاً طرفداران برژنیف . این موقعیت گورباچف را واداشته تا به روش کجدار و مریز هم در رابطه با ریفرورمهایش و هم در رابطه با جهان غرب توسل ورزد. در وضع حاضر گورباچف در واقع بین دو چوکی نشسته است ولی تمایل قویترش ب طرف حفظ اتحاد شوروی و پست ریاست برای خودش است . بتاسی از همین سیاست است که به ارتباط خواست جدایی طلبانه در جمهوری ها بتاريخ هفدهم مارچ ۱۹۹۱ ریفراند م برگزار شد تا به سرکوب گری های آینده جمهوری ها جامه " دمکراتیک " پوشانیده شود. از جمله پانزده جمهوری شش جمهوری این ریفراند م را تحریم کردند. سه جمهوری بالتیک (مولد اويا / گرجستان و ارمنستان) و در حوزه های اخذ رای فقط سريلان ارتش دیده میشدند. جمهوری فدراتیو روسیه که بزرگترین و مهمترین جمهوری شو روی محسوب میگردد ریفراند م را تحریم نکرد ولی در متن سوال طرح شده در ریفراند م يك جمله



اتحاد شوروی در . . .

را اضافه کرد: "آیا شما می خواهید که جمهوری فدراتیو روسیه یک رئیس جمهور منتخب داشته باشد؟" اهمیت این جمله ازین ناشی میشود که گورباچف یک رئیس جمهور منتخب مردم نیست و این رئیس جمهور منتخب برای جمهوری فدراتیو روسیه کسی دیگری بجز بوریس یلتسین مخالف عمده گورباچف نمیباشد.

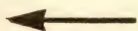
نتیجه ریفراند م با وصف تمام آنچه در بالا تذکر داده شد برای گورباچف در مجموع مثبت بود (ولو با اکثریت ناچیز یعنی مطابق گزارش رسمی از جمله ۸۰٪ افراد واجد حق رای که در انتخابات شرکت کرده بودند ۷۸٪ آن رای داده بودند) و ۲۲٪ بر علیه آن رای داده بودند) و سوالیکه در اینجا مطرح میگردد اینست که سناریوی آینده چه خواهد بود؟

جای شك نیست که بحران شوروی در همه جهات سیر صعودی خواهد داشت و بادر نظر داشت این مطلب نتیجه ریفراند ۱۷ مارچ برای گورباچف بگفته یک مخالف برجسته، پوپوف Popov | کریدیتی بسیار خواهد آورد. میدان فعالیت برای ارتش و گنجی هم اکنون بسیار نااموار و پرخطر است.

Bill Killer | ثورنالیست

امریکایی که طی چهار سال آخر در مسکو نماینده "نیویارک تایمز" بوده و شاهد عینی محسوب میگردد در انترنیشنل هرالد تریبون می نویسد: "مقاومت برضد احیای سیستم برژنیف اکنون محدود به یکمده افراد شجاع نیست. در همه جا مقاومت وجود دارد و ترس از کرملین طی سالهای اخیر بسیار کاهش یافته است. حتی در جمهوریهای چون آذربایجان و قزاقستان که احزاب حاکم سابق انتخابات را برده اند/حلقه های حاکم مجبور به تبارزدادن روح نشانیسم و استقلال نسبی از مرکز شده اند. علاوه بر این اساس احصاییه های رسمی حدود ۵ تا ۶ میلیون نفر در کوپراتیفهای غیر دولتی کار میکنند/عده اعضای اتحادیه اجاره داران زمین به یازده میلیون میرسد و تعدادی هم از طریق کار در موسسات مشترک شوروی - خارجی نفع مالی میبرند و اینها همه طرفدار اقتصاد بازار محسوب گردیده نیرویی خواهند بود که بحکم منافع خود در برابر بازگشت به گذشته دست به مقاومت بزنند."

بامرور مطالب بالا منطقی خواهد بود که پیشبینی هراسناک بدبینانه را اجدی بگیریم. طرفداران برژنیف در ارتش و کی.جی.بی برای

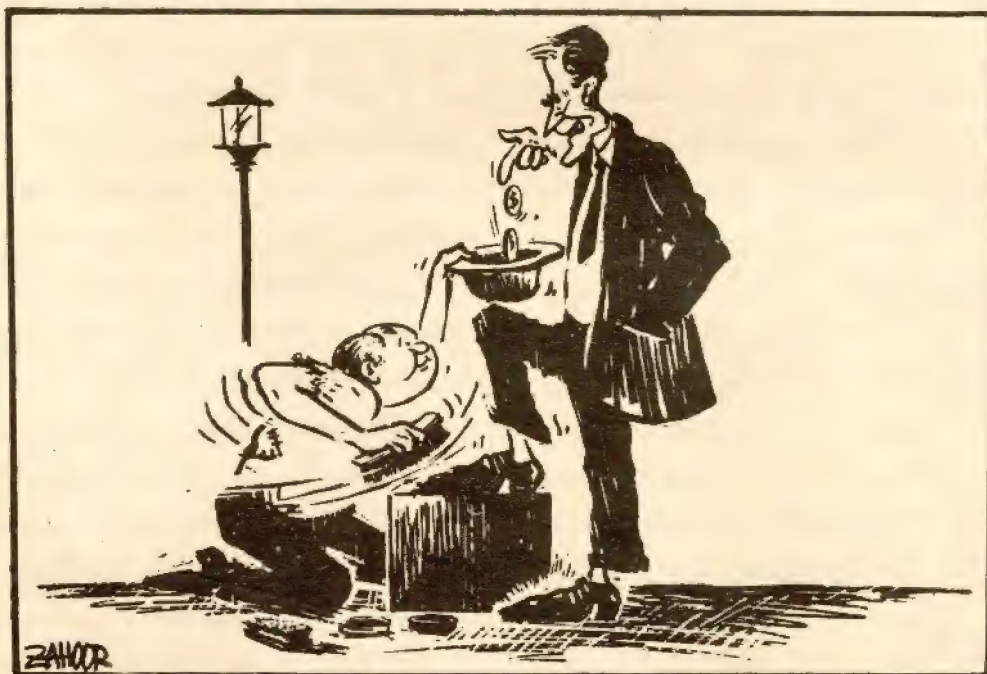


اتحاد شوروی در ...

حفظ موقعیت پیشبرد سیاستهای خود جنگ داخلی را ناگزیر میدانند مثلاً دگروال ویکتور الکسنس بلندگوی ارتش در پارلمان شوروی میگوید: "نارآرامی در ارتش شبیه به ۱۹۱۷ است زمانیکه در ولایات عساکر و بحریه با بلشویکها همدست شدند و حکومت محلی را برانداختند. این پروسه به شکل یک اختلاف ملیتی آغاز خواهد شد ولی اکنون همه میدانند که این اساساً یک اختلاف سیاسی است." هرال د تریبون چهارم فبروری ۱۹۹۱

یوری بورتین (Yuri Bortin)

عضو هیات تحریریه نشریه روسی Independent Gazette
آغاز و انجام گلاسنوست و پروسستروپیکه
گورباچف را چنین ارزیابی میکند:
گورباچف با انتقاد از برژنف آغاز و
و بابرگرداندن سیستم فرمانروایی
تیپ برژنف - در سطح فدرال - که
چیزی جز دیکتاتوری اشرافیت حزبی
بوده نمیتواند ختم کرد. ولی مسلماً
دیکتاتوری در مقابل خواستههای
مردم شوروی قرار گرفته و بناً آخر الامر
به دست آنان برچیده شده به زباله دان
تاریخ سپرده خواهد شد.



کارتون از فرنسیرست

فریاد مرا کسی...

مجاهدین داشتیم آهسته آهسته به سردی میگرائید. داستان غم من چنین آغاز میشود:

یکی از شبهای تاریک و بارانی بود. آسمان هم درین شب فغان زیاد میکشید. رعد و برق دروقفه های کوتاهی سراسر منطقه را روشن میکرد. در همین شور و غرش توفان بود که دروازه خانه ای ماتحتك شد. پدرم نزدیک دروازه رفت و پرسید که کیست جواب داده شد که من کوچی سرگروه انجینیر غفار هستم. چون ازین نوع تك زدنه های نیمه شب شدید آواهمه داشتیم همگی خود را نزدیک دروازه رساندیم. پدرم در را باز کرد. دقیق تشخیص داده نمیتوانستیم که کی ها هستند و تعدادشان چندانست اما بهر صورت فهمیدیم که تعدادشان زیاد است پدرم با سراسیمگی از آنان پرسید خیریت باشد درین ناوقت شب چه کار دارید؟ آنان گفتند که ترا انجینیر غفار خواسته. برویم کنار ما همانجا معلوم میشود که چه میخواهیم. پدرم جز رفتن چاره ای نداشت چون در غیر آن اربابزور میبردند و کسی هم بدادش نمیرسید. آنان پدرم را باز و دبر کردند.

شب بسیار به آهستگی میگذشت

همه انتظار پدر را داشتیم. ولی هیچ درکش معلوم نشد. بسیار دیر شد. درین اثناء مادرم به یکبارگی به گریه افتاد و فریاد کشید و خطاب به من گفت شاید دیگر پدرت برنگردد. او قربانی را بخاطر خودت قبول کرد. برادران و خواهرانم همگی به گریه شدند. هر کدام پدر می گفت و فریاد میکشید. صدای شور و گریه مابلند شده میرفت. آسمان هم خود را در ماتم مایک شریك ساخته بود. با صدای ماهم صدا شد و تا صبح با ما گریست.

راستی که پدرم دیگر نیامد. او همه ما را تنها گذاشته بود و دیگر برنگشت. جلادان گلبدینی او را از ما گرفتند در حالیکه هیچ گناهی نداشت.

مدتی گذشت. روزی مادرم با محبت فراوان بمن گفت که پدرت بخاطر تو شهید شد. من ترسم انجینیر غفار برادرانت را هم بکشند. من با تعجب از مادرم پرسیدم که چطور پدرم بخاطر من شهید شد؟ او در جواب گفت: انجینیر غفار چندین بار از توست خواستگاری کرده بود اما پدرت جواب رد داده بود. بعد از چندین بار رفت و آمد که پدرت تا آخر قبول نکرد. انجینیر غفار به پدرت گفته بود که اگر پیشنهادم را قبول نکنی عاقبت بد دارد و برایت سنگین تمام میشود.



خواهران، مادران! ما زنان باید با اعتماد و

مادرم با اشک و ناله ادامه داد: "راستی که چنین شده. دخترم حزبی ها بسیار ظالم و وحشی هستند. اگر موجودیت خودت نمی بود شاید این مصیبتها را هم نمی دیدیم. ماهیچ چاره دیگری نداریم بهتر است شهر برویم تا از شر این دزدان مال و جان و ناموس مردم خلاص شویم." در جریان همین گفتگو بودیم که کسی آمد و گفت که نعیم آمده. نام نعیم برایم آشنا بود. او از ولسوالی سرخورد و بخاطر مردانگی و مهربانی هایش همگنی او را میشناختند و دوست داشتند. جوان جنگی و دلاور بود. او را مادرم داخل خانه خواست و صحبت هایی کردند. بعدها فهمیدم که وی بخاطر خواستگاری من آمده بود. مادرم به این ولایت رضایت داشت شاید هم به این خاطر که از شر سرگروپهای گرگ مفت حزب اسلامی که همه گرسنه نبودند در امان باشیم. من هم قبول کردم تا اگر بتوانم بوسیله او انتقام پدرم را از انجییر غفار بگیرم زیرا میدانستم که با از بین بردن او تمام مردم بهسود آرام میشوند. وضع منطقه ماطوری بود که هرکسی چند نفر مسلح داشت دختران مردم را بزور از خود میکرد و یا آنها را مورد تجاوز قرار میداد. جریمه و کشتن و بستن کار عادی و روزمره بود.

خلاصه اینکه چند روز بعد با نعیم سرگروپ نامزد شدم. نعیم هم برایم قول داد که انتقام پدرم و تمام دختران و زنان بهسود را از انجییر خابین و کشیف میگیرد. من یقین کامل داشتم که حتماً نعیم این کار را میکند.

مدتی گذشت. انجییر غفار در ک کرده بود که نعیم نقشه ای دارد و حتماً دست به عمل میشود چون او را می شناخت که جوان دلاور و قاطع است. انجییر غفار پیش دستی کرده و فوراً دست به عمل میشود و در اولین فرصت دل آقا برادر نعیم را که مشهور به دلبر بود دستگیر و به شهادت رسانید. متعاقباً نعیم را که باشش تن از اعضای گروپش در همان حوالی اقامت داشت محاصره میکند. زود خورد شدیدی بین آنان مورت میگیرد بالاخره نعیم شدیداً زخمی میشود. چون نتوان راه رفتن را داشت نتوانست فرار کند و در یکی از قلعه های شگی مخفی شد اما پناهگاه از طریق یکی از زنان محل که با انجییر غفار روابطی داشت افشا میشود. آنان به این قلعه هجوم آوردند. نعیم با افرادش با قهرمانی مقاومت کردند اما این مقاومت زیاد دوام نکرد چون نیروی شان ضعیف بود و همگی از بین رفتند. نعیم بقیه در صفحه ۷۹

اتکاء به خود در راه کسب حقوق خود مبارزه کنیم!

د قفس مرغی

د اوله یم بدبخته دی قفس کښی پیدا شوی
کوچنی والی نه تر اوسه په توهین هویدا شوی
دهوا مرغان دی ټوله په هوا کښی روزل شوی
مگر زه ددی نعمت څه دپخوا نه جدا شوی
څو څو ځلی می وزر او بدن ټول په وینو شوی
څو مالک لره تر اوسه په بی شرمه رسوا شوی
نور می هم په حال خبر دي خوهغه هم داسی وائی
چه لازم دی ستا لپاره دی زندان کښی پناه شوی
ددغه قفس پر بل قفس مالک یم خرڅه کړی
خوپه دی کی یوڅو ورځی لږ په مینه ندا شوی
ده زلمه مالک پرخوا بیا هیچانه یم ورپری ایښی
دځگر او سیلی کارم خو په ریز مسمی شوی
غمپر غمدی نیادی نشته خوشحالی څه یم محرومه
دا دچا رسم و رواج دی دارواج کښی فدا شوی؟
خدایه زه هم ستا پیدا یم لکه نور چه پیدا شوی
پرما ولی دا تورتم دی پر جهان زه رها شوی؟
ځما امید به دوتو وی که به مړه شمه همدلته
که ته ځما په حال خبرشی دزړه سونکو غوغا شوی
دقفسه مړه راوړم پر جسد می لیوان گرځی
حضیره می نامعلومه په خوراک یم دچا شوی؟
ای ځما پاتی مرغانو خولی منگولی مو تیری کړی
پر ماتیره شول خوتاسی دی قفس نه هوسا شوی
څو زړه سونکی نور پیدا کړی "رحیمی" هم کړی ملگری
کوندی وی قفسان ماتکړی ټول مرغان په هوا شوی

گلبدین اونجیب ، نوک او اوری !

"فرشته پرست" د ۱۹۹۱ کال د می پنځمه گڼه کی د لیکل شوی مطلب په اساس نجیب په اصطلاح دسولی دجیبی په لومړنی کنگره کی یادونه وکړه چی د رژیم او پیښور کی میشته مخالفینو تر منځ پتی لیدنسی کتنی سر ته رسی . هغه ددی خبری تصدیق وکړ چه دوه شخصی پیامونه دگلبدین حکمتیار له خوا لاسته راوړی ولی د پیامونو مضمون یی په ډاگه نکړ .

همداشان د حزب اسلامی تقریباً پولس زره غړو د جوزجان په ولایت کی خپله پیلوی دگور اگی رژیم د سیاستونو نه اعلام او دچوپړو ځواکونو سره یوځای شوی . د ادڅو کالو پتـو لیدو کتو نتیجه وه کوم چه دهغه ولایت دمقاماتو او حزب اسلامی قوماندانانو ترمنځ تیرسره کیده .



د تروریست "امیر" غوره . . .

نودوخت په تیریدوسره دمزدور او بیدارانو ترمنځ اختلاف پیـو کیدونکی کار دی . دگلبدین او عربی

جمیل الرحمن په منځ کی وحشیانه وینی تویونی نشی کولای چه د عربستان او گلبدین په مناسباتو بی تاثیر پاتی شی .

دگلبدین دمکره ډک بیانات په رښتیا ددی متل سره سمون خوری چه : "ته به یی خولعت دی وی ستا په پـلار" . نویدی توگه امکان نلری چه خپل سعودی مخدومیـن ترآخره وغولوی .



بقیه

چهارده بهار سیه

راکتی مقابل پارک تیمورشاهی در ایستگاه بسهای چهلستون / یک راکت د سرک مندوی واقع پل باغ عمومی و چندین راکت در بازار کوته سنگی اصابت کرده که به اثر آن تعداد زیادی کشته و زخمی شدند. در ۷ حمل سال گذشته راکتی که از پغمان فیر شده بود در پل محمودخان به مینی بسی اصابت کرد / ۲۷ نفر کشته و به همیـن تعداد زخمی بجا گذاشت .

شهر مزدحم و دومیونی کابل با

این فیرهای کورویی هدف تلفات جانی و مالی زیادی دیده و مردم حالا دیگر میدانند که عاملین این جنایات دستپورده کی هاهستند و چرا مرتکب این نوع اعمال غیر انسانی میشوند .



دکویت دتیلو خاگانوته...

(Bectel) شرکت ته سپارل شوی دی .
وروسته له هغې مصریانو کوښښ
وکړ ترڅو د انساني قوې داستولو
تړون ترلاسه کړي خو بیا هم هغو ته
وویل شو چه د انساني قوې دلیبرالو
حق هم امریکایی شرکتونو پورې اړه
لري او ښه دی چه دوی سره پسه
تماس کی شی .

"مسلم" د ۱۹۹۱ د اپریل دوهمه

* * * *

دکویت دتیلو وزیر داکتر
رشید العمیری دتیلو د خاگانو
د اوږوژنۍ د عملیاتو پر او نه یی
چه د امریکایی شرکتونو په وسیله
عمل کیری ناخوښی وښودله . کله
چه هغه په دې عملیات کی د شوروی
د شرکتونو د گډون یادونه وکړه /
امریکایی شرکتونو ژبه یی وکړه چه
اور د ۳ کالو پرځای د لسو میاشتو
په موده کی به مړ کړی .

"مسلم" د ۱۹۹۱ کال د اپریل

دری ویشتمه



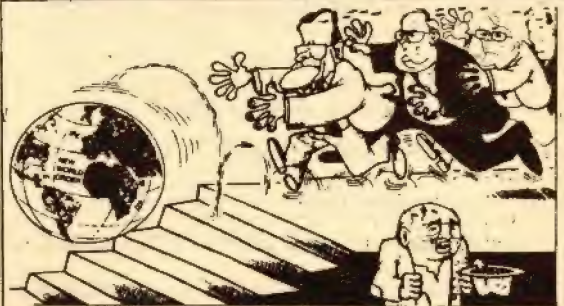
Mrs. Hafez
A/c No. 9631-1
Habib Bank Ltd.
Frere Street Branch
Saddar-Karachi
Pakistan

آدرس بانکی:

فرانسوا میتران هم سړی وژنی

په دې وروستیو وختوکې
پیرما ریا دفرانسی داستخباراتو
پخوانی رئیس د اخیره په ډاگه کړه
چه جمهور رئیس میتران په کال
۱۹۸۲ کی دهغه نه غوستی و چه
ابونضال په بیروت کی ووژنی .
هغه وو یل : "زه دداسی فرمان نه
حک پک شوم / ځکه مافکر کاوه چه
دفرانسی جمهور رئیس دخیلوسیاسی
مخالقینو جسمی له منځه وړل نه
غواړی ."

"دې مسلم" اپریل ۹ / ۱۹۹۱



دولت شوروی وگړیاچف هرچه بگویند
پوځ است و اقعیت اینست که این ابرقدرت
ازپا افتاده وقتی باهفت کشور صنعتی
غرب مواجه میشود فقط کاسه گدایی بدست
دارد .

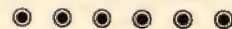


دعبوری حکومت . . .

په پټه سوداګري لګيادي . عبدالقيوم
دکابل قونسل په پېښورکي وويل چه
په دي وروستيو وختوکي هغه د
مجددي / گيلاني اومولوي نبي محمدي
سره کتلي دي .

په دي وروستيو کي دسعديو د
عربستان/دمالي مرستي ترلاسه کولو
لپاره دمجددي هلي ځلي کومـ
نتيجه ته ونه رسيدى . ځکه دسعودي
عربستان دولت په واشنگټن کي خپل
بادارنه پدې موردکي رضائيت
ندى ترلاسه کړى .

دصحى وزير سيدنادرخـ
برطرفي او ددهغه پرځاى دمجددي
زوى داکټرنجيب اله ټومـ
په عبوري حکومت کي اختلافات
لاپس زيات کړي . مولوي خالص
زياته کړه ددى برطرفي اوټومبلونه
بي هيڅ ډول اطلاع نه درلوده .



فرياد مراکسي . . .

راکه نيم جان بود دستگیر ويا داس
وتبر اورا قطعه قطعه کردند .

باينصورت فاميل من وفاميـ
نعم بخاطر هو او هوس حيوانـ
انجنيير غفار و هم رکابان فرومايه اش

مردم غيور مابه نوکران . . .

مردم ديري ازود عمامه اورا هم به
گردنش انداخته خلق آويزش خواهند
کرد .

ا هالي آزاديوخواه ده مرد ه
با اين عمل خود يکبار ديگر ثابـ
ساختمند که به هيچ صورت تسليم
فشان و ددصفتي سازمانـ
مزدور ايران نمى شوند . و در عمل
خروش بر آوردند که کسانیکه وجدان
وشرف خود را فروخته راجير قدرتها
بيگانه اند بايد بفهمند که مردم
د برابرشان قدبرافراشته و سرنوشت
شان بهتر از سرنوشت خليفهـ
پرچمي ها نخواهد بود .



در خاک سياه نشستند . ولي ميدانم
که مثل من و خانواده ماتم دارماصدهـ
و هزارهـاي ديگر هم هستنـ
جنايتکارانه تر و خاينانه تر مورد
دست درازي و قتل و غارت انجنيير
غفار هـاي حزب آدمکش گلبديـ
قرار گرفته اند .



مصاحبه زنان پاکستانی ...

که فعالیت علنی داشته باشیم و اما در پاکستان وجود تروریست‌های بنیادگرا و بخصوص باند گلبیدین و نفوذ آنان در بخش‌هایی از دم و دستگاه دولت پاکستان مانع فعالیت وسیع علنی ماست. تازمانی که چنین حالتی وجود داشته باشد مبارزه ما بطور مخفی نیز ادامه خواهد یافت.

س: به نظر شما دولت کابل سرنگون خواهد شد؟

ج: ماهیچه گفته ایم که رژیم کابل سرنگون میشود ولی همواره نیروی سقوط دهنده آن مجاهدین واقعی و ملت یکپارچه خود را دانسته ایم. اما باز هم نفاق افکنی بنیادگرایان و تروریسم وحشیانه حزب گلبیدین مانع اصلی در راه اتحاد ملت و هماهنگی نیروهای نظامی آن بوده است. بسیاری از مجاهدین در سنگرهای شان از مورد حملات قرار گرفتن از پشت سر توسط باند گلبیدین در بیم و اضطراب بسر میبرند. اگر چنین نمی بود در اولین روزهای پس از خروج روسها مجاهدین قادر به سرنگونی دولت کابل بودند.

س: موضع قاطع تان در برابر گلبیدین آیا هنوزایی با روسها نیست؟

ج: هرگز نه. مبارزه ما برای تأمین آزادی و دموکراسی جدا از مبارزه علیه بنیادگرایان بوده نمیتواند. گلبیدین بمشابه مارآستین جنبش ماست که به آن از درون زهرپاشی میکند و ضربه می زند. برخورد روسها و نوکرانش با گلبیدین مبارزه و معامله هردو است. از همین روروسها مثلاً در کتابی بنام "رزمندگان راه آزادی یا آدمکشگران؟" عمدتاً به افشا انحراف اخلاقی گلبیدین پرداخته و به ذکر فساد یکی د مورد جنایت از صدها جنایت اکتفا میکند.* اما برای ما مبارزه ساخته ساختن گذشته و مسایل اخلاقی افرادی چون گلبیدین از اهمیت اساسی برخوردار نمی تواند باشد. ما برآنیم که سیاستهای فاشیستی/ تروریستی/ خائنه و ضد ملی و ضد دموکراتیک و ضد زن او و حزبش را افشا کرده و علیه آن تا آخر به مبارزه ای تزلزل ناپذیر ادامه دهیم. به همین دلیل ما از سایر نیروهای طرفدار آزادی و دموکراسی وطن خواسته و میخواستیم تا هیچگاه مبارزه از دیخواهه شان را از مبارزه بر ضد سیاستهای

* از انتشارات نووستی-مسکو ۱۹۸۵- درین کتاب

به گذشته رهبران تنظیم های هفتگانه برخورد شده ولی در رابطه با گلبیدین به فساد اخلاقی

وی و جریان اخراجش از مکتب لیه تمرکز داده است.

گلبدین جدانسانند.

س: در حکومت ضیاء الحق بنیادگرایان بخصوص حزب گلبدین بیشتر مورد حمایت قرار می گرفتند آیا تفاوتی را در این زمینه بین دوران حکومت بینظیر و حکومت فعلی نواز شریف با دوران ضیاء الحق می بینید؟

ج: مسلماً در دوران ضیاء بیشترین کمک به حزب گلبدین می شد و بیشتر از همه مورد حمایت سیاسی و نظامی وی قرار داشت و دست وی را هم در تروریزم و جنایتکاری در پاکستان باز گذاشت. در حکومت ۲۰ ماهه بینظیر هم چیز بسیار متفاوتی نسبت به گذشته ندیدیم که بنا بر عوامل داخلی و خارجی وی نمیتوانست سیاستهایش را در قرضیه افغانستان مستقلانه دنبال کند. از جانب دیگر حکومت بینظیر از استحکام لازم برخوردار نبود و به توجه به وجود بقایای حکومت ضیاء الحق در ارگانهای مسئول امور تنظیم ها نمیتوانست تغییری در حمایت مقامات پاکستانی از گلبدین پدیدار گردد. اکنون هم از نظر مواضع تفاوت نکرده. اساساً از زمانی که حزب گلبدین بخاطر جنایاتش از طرف حکومت پاکستان مورد مواخذه قرار نگیرد نمی توان از تغییر برخورد به این حزب تروریست

محبت کرد.

س: در مورد موضع ضد امریکائی گلبدین که به این تازگیها شدت یافته چه نظردارید؟ هم چنان بیاناتی که بعضا امریکائیان بر ضد گلبدین میدهند آیا از نظر شما مسئله جدی است؟

ج: گلبدین آدم حقیر و بدنامی در کشور ما بوده. اما اشتباه اول از ذوالفقار علی بوتو بود که بمنظور مخالفت با حکومت داوود روی او سرمایه گذاری کرد و بعد ضیاء الحق معرف این تروریست به سی. آی. ای و دولت امریکا شد. یعنی در واقع سی. آی. ای از طریق مقامات استخباراتی پاکستان بود که گلبدین را ساخت.

از آن پس امریکا مثل اینک که گم شده اش را در جنگ مقاومت مردم ما یافته باشد / حزب گلبدین را هر قدر میتواند کمک کرد. این کمکها در حدودی است که عملیات جنایتکارانه این حزب تروریست را تا مدت ها نسبتاً طولانی تکا فو خواهد کرد. بهمین دلیل مردم مادر طوماری بی پایان از تبهکاری های گلبدین و حزبش خط و نشان سی آی ای را می بینند و نمی توانند بپذیرند که دولت امریکا گلبدین را با صدها میلیون دلار



دست نشانده نیز هم‌مدایان آنان سکوت و تحریف خائنانانه نسبت به آن (دمکراسی) را شروع کرده است/ واقعیت اینست که مردم مامثل سایبر انسانهای کره زمین نیازمند و خواستار حکومتی مبتنی بر ارزشهای دمکراسی اند. حکومتی که برآزادی و دمکراسی پشت کند چه عبوری باشد چه غیرعبوری سرانجامی جز سرنگونی نخواهد داشت.

س: کودتای مشترک گلبدین و شهناز تنی ثابت ساخت که کنار آمدن مجاهدین با خلقی ها و پرچمیها امر ناممکن نیست. آیا در آیند؟ سازشهایی ازین نوع را بارزیم نجیب بدور از احتمال میدانید؟

ج: سازش خائنانانه گلبدین و شهناز تنی تحلیل و پیشبینی تمام نیروهای انقلابی و دمکراتیک کشور را اثبات ساخت که بنیادگرایان و بخصوص حزب گلبدین در عمل درخبط مسکو و چاکران آن قرار دارد. برای احزاب فاشیست بر سر قدرت آمدن و باقیماندن اساسیست حالا اگر ضامن این خواست آنها هر کشور و هر منبع باشد مهم نیست. گلبدین به همان فوریت و آسانی که خود را به امریکا و پاکستان و عربستان و ایران فروخت اگر روشنی از طرف مسکو یا رژیم

و مقدار عظیمی اسلحه و مهمات همچو دانه ای سرطانی بر جان ملت ما انداخت / اکنون یایکی دواظهار به اصلاح ضدوی ازین مردک عزیز و نازدانه شان کاملاً روگردان شده است. سی آی ای اگر واقعاً از عیال بنیاد گرایش بیزار شده باشد چرا باوی مثل نوریگای پانامه عمل نمی کند؟ خلاصه از نظر ماتبحال بعضی اظهارات غیر معمول بین دولات امریکا و حزب گلبدین جز شکر رنجی میان بادار و نوکری سرسپرده نمی تواند تلقی شود.

س: آیا "دولت عبوری" قادر به جلب اعتماد مردم است تا بتواند قدرت را بدست گیرد و آنرا حفظ نماید؟
ج: دولت عبوری گذشته از سیاستهای ضد دمکراتیک و ضد زنش از همان زمانی که در راولپندی و با مداخله مستقیم و خفت بار اجانب سرهم بندی شده است / از نظر مابیه مولود حرامزاده ای میماند که نباید به آن دل خوش کرد یا اعتماد نمود. پس از گذشت این چند سال دیگر واقعاً به جسد متعفن بدل شده که فقط باید دفن کرد. با آنکه بنیاد گرایان اصل دمکراسی را هم معادل کفر دانسته و آنرا با انواع استدلالات کوراندیشانیه و احمقانه ملوث میسازند و رژیم

چگونه خواهد بود ؟

ج: بنظر ما کاملاً عادلانه
و انسا نیست که پس از سقوط رژیم
باید کلیه رهبران و کادرهای این
دو حزب و طرفروشان مورد محاکمه و مجازات
قرار گیرند ولی این امر بسته به
ماهیت حکومتی است که قدرت را در
آینده در دست میگیرد. بنظر ما
اعلانهای پیهم حزب گلبدین در مورد
به اصطلاح عفو عمومی گردانندگان
رژیم بدون تردید ناشی از برخورد
سازشکارانه این حزب با طرفروشان
میشود و نه از "انسانیت" "رحم"
و چیزهایی ازین قبیل. حزبی که
از سر تا پایش خون بهترین فرزندان
افغانستان سرمیکند چگونه ممکن
است یکباره "دلسوز" و "رحیم"
و آشنا با رفتاری عادلانه و انسانی
گردد؟ حزب گلبدین مردم بی گنا
و بی پناه کابل را راکت باران
میکند اما در همان زمان از عفو
عمومی نسبت به طرفروشان حرف
میزند. این اوج عوامفریبی و
برخوردی خائنانه است.

س: آیا راوا با سازمانهای
پاکستان رابطه دارد؟

ج: ما با بسیاری از سازمانهای
زنان کشور شمار ابطه داریم. با بعضی
از آنها آشنایی مانست اما عمیقتر است

پوشالی ببیند - چنانچه تجربه
شهنوا نشان داد بیدرنیست
گرانفروشی نکرده خود را برای مدتی
بیا همیشه به دامن روسها خواهد انداخت
تا با ساطور و سرنیزه از برگردن مردم
ستمکش ما سوار باشد.

س: در رابطه با درگیری های
داخلی حزب گلبدین با سایر
نیروها چه نظردارید که آیا در
آینده شدت خواهد یافت ؟

ج: ما همیشه گفته ایم که حزب
گلبدین همچون کشتیتریون و
خارناکترین مکروبی در جنبش ما
جا گرفته و گوشه ای از جنبش کوه
با آن در تماس شود نمی توانست
از آسیب / مرض و حتی هلاکت بدور
باشد. هرگاهیکه مجاهدین در چند
قدمی پیروزیهای مهمی قسراً
گرفته اند / این حزب آتش درگیریهای
داخلی را شعله و رساخته به ترو
و اختطاف مبارزین مخالف پرداخته
و بدین ترتیب به شکلی از اشکال
کوشیده که از موفقیت مجاهدین در
نبرد با رژیم جلوگیری کند. سازمانی
که حزب گلبدین بطور تمام و تمام
از جنبش رانده شده درگیریهای
داخلی مطلقاً اجتناب ناپذیر است
و طبعاً شدت می یابد.

س: اگر بفرض قدرت بدست مردم
بیفتد برخورد با حزب خلق و پرچم

نواز شریف :

"زہ بنسٹپالہ نہ یم"

ان دہاکستان مدر اعظم نواز شریف دہنسٹپالہ تو بہ نہ شرم لری، ہفہ کلہ چہ دشریعت لایحی پہ بارہ کی خبری کولی پہ ہاگہ پی ویل چہ دی بنسٹپالہ نہ دی . مگر دہفہ مخالفو ہلو داتکی رد کری اوپہ دی باوردی چہ د پاکستان جمهور رئیس غلام اسحاق خان غومبتل چہ مای اسمبلہ کی دپیپلز پارٹی سیکولر حزب (ددین اوسیاست بیلٹون پلویان) پہ مقابل کنی نواز شریف دیوستر اسلامی رہبرپہہ حیث خلکو تہ معرفی کری .

اوس نواز شریف غواپی چہ داسلام ستر شخصیت پہ نسوم وپیژندل شی . چاچہ دشریعت لایحہ پیشنہاد کری اودہفہ تصویب غواپی نشی کولای بنسٹپالہ نہ وی .



دمسلم دورخیا پی نہ

وباعده ای خواهیم کوشید تا بپشت تفاقم و همکاری بمیان آید .

مابنوبہ خودہموارہ معتقد بودہ ایم کہ لازم است تاجنیش های آزادی طلبانہ و ضد بنیادگرایی زنان پاکستان و افغانستان و ایران مجدانه تلاش ورزند تا ہرچہ بیشتر با ہم نزدیک شدہ و ضمن همکاریہا در سطوح گوناگون / جہہ قدرتمند و الہامبخشی را علیہ دشمنان مشترک بوجود آرند . در حالیکہ نیروہای ارتجاعی / وابستہ و ضد دموکراسی در کشورہای مایخواہند متحد شوند / چرازنان و سایر نیروہای آزادیخواہ تماشاگر باقی بمانند؟ ما در مورد ایجاد ہمبستگی انتقادات فراوانی داریم کہ تا حدودی آنہارا مطرح ہم کردہ ایم . آرزوی ما اینست کہ قبل از ہمہ سازمانہای زنان پاکستان و راوا با تلاش مشترک / صمیمانہ و پیگیر آغاز گریبوند رزمندہ گردیدہ و در تکاملش جنبش زنان حتی منطقہ را دربرگیرد .

پیام زن زمونہد ہیواد داکروبی برخو بخو زہ دہ .

پیام زن زمونہ دتولونارینہ او بنخود مبارزی نمدخپلواگی، دموکراسی او تونیز عدالت پد لارکئی دی .

پیام زن ولولی اوہفہ دیس او توان پہ اندازہ خپلو خپلوانانو، دوستانو او وطنوالو تہ ورسوی .

مردی وی دہنسٹ پالو فاشیزم!

دنا هید پرونۍ د...

سرود زمزمه کوی / دروس چوپرانو
دېشار په څلور لاروکی دشوړ وړ وې
د دوستۍ او محدودو قطعاتو دراتگ
زیرې ورکول خودېشار سپیڅلې پرگنۍ
نه ور لښېدې ځکه چې د وطن د غم
لړلۍ مور غیږیې د پردیو په تانکونو
گرموله / د وطن ننگیالۍ بچۍ
توپک په اوږه د دنگو غرونو ګوندونو
ته د غلیم دېکار دڅارد د پاره
ختلۍ وو اوځینو دوطنپالنۍ په
جرم د زندان په توروکوټو کی
د شکنجو/ وهلو او تګولو لاندې د مرګ
ورځۍ شپۍ حسابولۍ . بی پتمه
پرچمیانو خپل پرونی ملګری
هوزارتونو نه چې دروسی ودکا
بوټلو نو په نشویی ژمی بندې /
بندې اوپښی یی بی واکه لگیدې
چې دوطن موری په دی بوټلونو
سوداګریوه . دځاینانو په نسوم د
پلچرخۍ د ژوندان پرځای پخپلو
بنګلو کی چې دهیواد د شړل شوو
پرګڼو ورته په میراث کی پاتۍ
شوی و ی بنديانول .

دکابل ښار په ډیره بی صبری
سره د پسرلۍ په انتظار کی وءخو پردی
یرغلګرو دا ژمی یی ډیر اوږد وساته .
دکابل پسرلۍ راوړسید خودا پخوانۍ
پسرلۍ نه وه . د سره غاټول پرځای

دویښۍ سره څاڅکی په مځکه کرل شوو /
دېشکلی هوا د عطر پرځای دویښۍ /
باروت او سوځیدلۍ غوښۍ بویونه
راتلل / دخلکو مځکا او زوړ په
ویرا ا وماتم بدل شوی وء . دکابل
پرگنۍ نه په خپل ژوند پوهیدل اونه
د پسرلۍ په راتگ .

روسی فوج او دهغوی چوپرانو
دخلکو ژوند په سرۍ لښۍ بدل کړی
وه . دکابل دمکتبونو پیغلۍ او
علمیان د افغانستان دنورو وګړو
په شان په سره تناره کی سوځیدل .
دوی چه د علم او ذکاوت خاوندان
وءدا دردونه یی ژر او په ډیره
ژور تیا احساسول اوساګانۍ یی
ستونۍ ته راغلی وې . دهیواد د آزادۍ
اور د هغوی په ګوگل کی لمبۍ
وهلۍ . همدا وءچه دکابل د شونځۍ
اوپوهنځۍ پیغلۍ اوځوانان هم
توفانی شول . په تش لاس د منظمۍ
اردو په مقابل کی ودریدل اوپه
ډیره میړانه خپل آوازونه اوچت
کړل . کله چه دا آوازونه دنگو
غرونو او سردرو کی دتوپک په
لاس علمیانو غوږوته ورسیدل
دهغوی دلازیاتۍ باتوری اومیرانی
سبب و ګرځید .

ناهییداد د تنګ دملالی رښتینۍ
وارشه دعایشی درانی شو نځۍ



په غو لی کی دخپلو همزولو انجونو
 په مخ کی دننگ ملاوت پرله "مسره دی وی
 روسان" ژوندی دی وی افغانستان د
 نارو په وهلو سره یی دخپل سپین
 بهرنی نه د آزادی جنه جوړه کړه اود
 خپلو ملگرو په ملاتړ د آزادی د لښکر
 مخکینه شوه / د وطن لوڼی ناهید ته
 ورجوختی شوی دهغوی چیغی دښوونځی
 له دیوالونو ووتی اوسرک ته شوی /
 دناهید دملگرو لښکر چی تودی وینی
 اوځوانه سایي درلوده دښار په
 هرگوټه کی دښوونځیو دجینکو اوخلکو
 لخوا بدرگه کیدی / ناهید د آزادی
 دجوړ شوی لښکر په سرکی روانه وه
 د آزادی د لښکر گامونو دغلیم زغریز
 تانکو ته دخپلو پښو په دوړو کی
 پټول . دکابل دښاریانو سوې سکوت
 په ناڅاپی زلزلی بدل شو / ټکمان
 یی وخوړ او دکابل لرغونی ښاریایی
 وخوځاوه . دناهید دډرډر ټو چی
 د آزادی په مینه مسته وه دغلیم خونړی
 لښکر په ویره کی واچاوه / غلیم
 دجینکو سیلاب ته دکابل ښار په زړه کی
 داوسپنو بندوتاړه / دتپانکونو په
 سر سره غلیمان ناست و چی له گونو
 یی دشرمناکي ماتی مړی خولسی
 خڅیدلی / رنگونه یی داسی ژپړ شوی
 وه لکه چی ژړی پرسوری شوی وی .
 پوځیانو په لوډسپیکر گډوډ
 وکړ: هله ... په شاشی ... یو

... دوه ... دری ... ومی ویشتی !!
 خودجینکو سیلاب تم نه شوه هغوی
 غوښتل چی دتاریخ پریکړه عملی
 کړی . خپل ځانونه یی دغلیم ځنځیر
 لرونکو تپانکونو مخ ته گزار کړل /
 دتپانکونو دکړیو په ټوټو بدل شوی
 اودخپلو ساگانو نه یی دوطن ساجوړه
 کړه چی دهغوی کړوسی له دی سانه
 ساواخلي . دغلیم دتپانکونو شپیلی
 تاوشوی / دناهید سینه یی نښه کړه چی
 دغلیم دگولیو په باران کی هم
 د آزادی چیغی وهلی .

ناهید دغلیم دانسان وژنکو
 وسلو ښکار شوه اود آزادی دکوتلری
 په شان پخپلو وینو کی دخپل ارمان
 دپاره وپړیځه / دآسمایی دغره ستوری
 اود مورچلونو سندر شوه / دخپلواکی
 زیری اود آزادی فریښته شوه /
 آسمانونو ته والوته اوداستاد ی
 په څیری دهیواد گوټ گوټ ته دغلیم
 دوینو توپولو پیغام ورساوه . په
 سرو وینو کی دپوځیدو په حال کی
 یی هم خپلو مورچلی ملگرو جینکو
 ته دسروشونو په سر اود ارونکو
 سترگو په اشارو کی د آزادی سرود
 انگازی ویلی / دخپلو کوڅو له ویشتونو
 یی دغلیم په سینه غشی وړول اود سرووینو
 په څاڅکو یی د آزادی دناوی خالونه
 ایښودل .

پرهارونه و گنډول .

ناهید دانقلاب پوځلی شپیلی
نغمه شوه اودانگی په خیردغم ځپلی
هیوادپه ځنگلونو/دینتو او غرونو کی
د آزادی د مینانو په تودو مورچلونو
وگرځیده او هغوی ته پی دانقلاب
د سپیڅلی سباوون زیری ورکړ/هغه
زیری چی دناهید پرونۍ دهغی دیری
دورځی جنه جوړوی اود آزادی مینان
د وحشت له توروکوټونه راوباسی ترڅو
د آزادۍ د لمر روښانه وپانگی دهغوی
دیندو شوو سترگوک، رڼا کړی ترڅو
د آسمانی د غره وران شوی دیوالونه
د سړی سپیڅورۍ بلا د پریڅولنه
کال بوتونو بیرته وران اود خپلو
نیکونو د مقاومت د تاریخی نښی
اود آزادی په نور ټاپه شوی لوړ
برجونه د آسمانی اوشیردروازی په
څنډو دناهید په وینولیکل شوو
شعارو نوسره د تاریخی یادگار په
خیر ژوندی ساتی .

ناهید دی شهیدی ملائیکې پخپل
مرگ غم ځپلی هیواد ته ساور کړه
اود انقلاب ژوندی ابدی کړ/دوخت
تور لاسونه یی لنداو تورو دارونکو
کوټو دروازی یی خلاصی کړی ترڅو
د آزادی سپیلنی دناهید د پرونۍ
نه جوړی شوی جنه ترسیوری لاندی
دنړی د جنتونو درنگارنگه میومزه وځی.



ناهید دمرگ په دروند خوب وید ه
شوه د هغه مرگ په خوب چـــــــی
د انسانانو د ژوند ښکلا په کښی لیدل
کیري . ناهید د کابل په غم لړلی
آسمان کی وځلیده .
د غلیم رهبری شوی راکټونه یی
د خپل ټاپه دورانگو په شعلو کی
وسوځول / د غلیم جنگی ماشین یی
د خپلی ښکلا په اور کی لمبه کـــــــړ
اود آزادی د کوټری په شان دهغوی
له تورو لاسونو والوتله اود غلیم
د دارونکو تورو کوټو جندری یی
د خپلو وزرو په پریڅولو د آزادی د مینانو
په پیاد ماتی کړی .

ناهید د ننگ دملالی د ازمول شوی
لوړ په شان د خپل پرونۍ نه جوړه شوی
جنه چی پخپلو وینو یی پرهغی د آزادی
ناری لیکلی وی د خپلو وینو په
تویولو رپانده وساتله / ناهید د خپل
پرهارجن هیواد دانقلاب ناره شوه /
د هرات د شهیدانو / د کرالی د کونډو
د کابل د پوځیانو او برېښو ماشومانو
چغه شوه چی د سره ښکیلاک د تاریخی
د خپلو وینو په تویولو تم کړ/ ناهید
دهیواد په گوټ / گوټ کی د جهاد په
مورچلونو د زندانو په دارونکو تور و
کوټو / دنگو غرونو/ شاو د اگونو
اود سیندونو په غاړو کی دانقلاب
غږول شوی شپیلی ته ساپوه کړه / په
خپلی ځوانی یی دغم ځپلی هیواد

ژوندی دی وی خپلواکی، دموکراسی او ټولنیز عدالت!

به نقل از مجله :

همبستگی ۱
اوت ۸۹نشریه هیأت مؤسس فدراسیون
شوراها و پناهنده گان ایرانی

خارجی به کشورت برگرد!

(و تا وقتی که هستی جای خودت را بشناس!)

مطلب زیر که قسمت اول آن در شماره (۲۰) پیام زن انتشار یافته بود بعلمت
کمبود جاد در شماره قبلی از نشر بازمانده با مطلب پوزش از خوانندگانی که نتوانستند
ادامه مقاله را در شماره قبلی مطالعه نمایند اینک آنرا در این شماره انتشار میدهم .

بعضی آلود و خصمانه عمومی نسبت به افغانی
میتواند ادامه یابد . دررفتار
"برادرانه و دوستانه" ایرانیان با
افغانها همینقدر سر که دردمان و
سبزوار جلو وارد شدن یک دسته ۵۵ نفری
از آنها را که میخواستند از اتوبوس پیاده
شوند و چادر بزنند گرفته اند و به روشان
سنگ و تف پرتاب کرده اند . عده یی از
مردم مشهد این مردم را بدلیل آنکه
نمیتوانند محل زیست ثابتی دست و پا
کنند "وحشی" مینامند . در همین شهر
افغانی ها حق خرید کردن از انوائی های
معمولی را ندارند . در چلو کبابی ها و
قهوه خانه های شهری آنها غذا نمیدهند ،
از میدانهای شهر آنها را میرانند . و
مواردی بوده است که مسافران به سوار شدن
آنها در اتوبوس های عمومی اعتراض کرده
اند ، و رودرویی کودکانشان فریاد
زده اند : "اینها شما شان دزدند" . در مشهد
گشت ثار الله یک افغانی را که جای خواب
نداشت و مجبور شده بود شب را در فلکه ملک
آباد سر کند دستگیر میکنند . در جیب های
او یک انبردست و بیج گواشی پیدا میکنند
و او را به این جرم که لایب این ابزارها را
به قمد دزدی با خود داشته زیر مشت و لگد
میگیرند ، علت این ذهنیت را از لایب لای
مقاله آقای پهلوان هم میشود حدس زد که
البته غیر مستقیم و از قول یک استاد سابق
دانشگاه کابل ، به دستگاه شایعه سازی
و دروغ پراکنی حزب توده اشاره میکند :
" وقتی در کابل بودم هواداران شوروی که
از ایران آمده بودند به من میگفتند
کوچکترین مساله را علیه افغانان یک
پرونده میگردیم و میگفتیم کسانی که از
افغانستان آمده اند اشرار هستند ولی

کاشمیر کارگر ایرانی ساعتی ۱۵ تومان و
با اضافه کار ۱۸ تومان میگرفت ، کارگر
افغانی برای همان کار ساعتی ۱۰ تومان و
با اضافه کار ۱۲ تومان . در کوره بزرگانه ها
دستمزد کارگر افغانی از ۳۰ تا ۵۰ تومان
در روز کمتر از کارگر ایرانی است .
کارفرما هر جاعده ای کارگر ایرانی بلند
میشود تهدید میکند که کارگران را بیرون
خواهد کرد و بجای آنها کارگر افغانی
خواهد آورد . کارگر افغانی (چنانکه از
کلمات "موقت" و "اواره" در طرح سال
۶۳ هم مشهود است) روزمزد است و از
همان حق و حقوق رسمی کارگر ایرانی هم
محروم . بدون هیچ نگرانی از اعتراض
و ابراز همبستگی دیگر کارگران ، میتوان
به او اجاف کرد و بسته به تمایل ، عذرش را
خواست . بی جهت نیست که دولت اسلامی
بموجب همین طرح پا داشته ، در ازای استخدام
هر کارگر افغانی از کارفرما هزار تومان ناز
شت میگیرد ! استفاده دیگر ، اعزام اجباری
افغانها به جبهه ها بوده است . در مواردی
هم دولت ایران افغانها را به کشورشان باز
گردانده است .

محل زندگی بسیاری از افغانها از بقیه
مردم جدا شده است ، افغانها در حاشیه
شهرها ، ساختمانهای متروکه ، اردوگاهها
و به اصطلاح "شهر" های مخصوص ، دسته
دسته در کپرها ، کلبه ها ، و اتاقهای کنشیف
با ابتدائی ترین امکانات ، در کنار
خیابانها ، میانین شهرها و کاراها و یا
در ساختمانهای نیمه تمام که محل کار
آنها هم هست زندگی میکنند . خیلی ها
چادرهایی با خود حمل میکنند که هر کجا
شد چادر بزنند ، این شرایط زیستی و این
حق کشیها فقط بروی بشری از نظر سرات

یکی شویسیم و بان ایرانیسم ساخته و
پیداخته زمان شاه که پیداست برای خلاف
برحق او نیز فواید خود را دارد ، و دوم
تبلیغات و شایعه پراکنشهای احزاب محافظ
منافع شوروی و سیاستهای آن علیه
افغانها در ایران . با آنکه باین دوا هم
جمهوری اسلامی در محبت سرما به داران و
ماحیان صانع در ایران عواید فرودستی
افغانی و تفرقه بین آنان و کارگر ایرانی
را ، به ضرر هر دو ، به سود خویش جیب و آل
میکند . یکی از این ها "روش اجارایی طرح
اشتغال موقت اوارگان مسلمان افغانی"
است که در سال ۶۳ رسمیت یافت : دولت
اسلامی ایران برای کارگران افغانی فقط
در دوازده رشته کار ، که شاق تر و
کنشیف ترس کارها هستند کارت اشتغال
صادر میکند ، کوره بزرگانه ها ، امور
ساختمانی شهری ، تخلیه و بارگیری در
بنادر ، کار در معدن ، سالامبوزی (دباغی) ،
کناورزی در استانهای مورد نیاز ، دامپروری ،
شیشه گیری ، کارگاههای ذوب پلاستیک ، راه
سازی و کانال کشی ، کوره های گچ ریزی و
آهک پزی و چرم سازی . علاوه بر این ،
کارهایی از قبیل جابجایی و یکی از کنشیف
ترین کارها در ایران یعنی کار در مرغدانی هم
به افغانی ها واگذار میشود ، چنانکه
مثلا در شیروان این کار در انحصار افغانی ها
است .

طرح سال ۶۳ با ابلاغیه سال ۶۵ وزارت
کار تکمیل میشود که بموجب آن چون کار
ناوایی با بهداشت عمومی سروکار دارد ،
کارگر افغانی صلاحیت اشتغال به آن را
ندارد . نه فقط در نوع کار ، بلکه در
سطح دستمزدها هم کارگر افغانی موضع
تبعیض است . مثلا در سال ۶۴ در نرخ رسمی

آنان که در افغانستان هستند مردم زحمتکش هستند. " (صفحه ۱۷) از روی نوع برخورد هایی که ذکر آن رفت، و ذهنیت حاضر و موجود بسیاری از ایرانیان، حتی در همینجا، میتوان نتیجه گرفت که فعالیت این دستگاه کم شمتر نمیشود است.

از خلال مقاله، یکی دیگر از سیاستهای وحشیانه، جمهوری اسلامی که مدور کثارت شناسایی برای کنترل حوزه، زیست و رفت و آمد کارگر افغانی باشد در میگیرد.

کارفرمایان به نیروی کار از راستی گرایش دارند. در این مورد یعنی نیروی کار افغانی، این واقعیت را متأسفانه نمیتوان زیاد تفسیر داد. زیرا به با زار کار و سیاستهای کلی یک کشور بستگی دارد و اصولاً دشواری هر مهاجر است در هر جای دنیا. افغانان نباید از این وضع برداشت نادرست بکنند و آنرا حاصل پیشداوری و یا به اصطلاح "خوارگری" بدانند. (ص ۱۴)

معلوم نیست افغانان از چیزی که تا این حد روشن است چه برداشت دیگری میتوانند بکنند. اگر چنین چیزی درست نباشد از ۴۰ درصد کل نیروی کار تاجا و ز کند " (ص ۱۴). چرا؟ میتوان حدس زد که چون اگر تمرکز بوجود آید تشکّل و اعتراض هم بدینالش خواهد آمد. معنی عملی اش اینست که مهاجر افغانی برای رفتن از یک محل به محل دیگر در جستجوی کار - بایه هر دلیل دیگر - آزاد نیست. خوشبختانه کار این طرح نگرفته است. اما نظر آقای پهلوان و توصیه ایشان به جمهوری اسلامی آنست که:

حق آنست که وزارت کشور سیاست صدور کارت شناسایی را یکسره باندوبه این رویه، غیر رسمی پایان دهد... این سیاست بی تردید با توجه به وضع اقتصاد جنگی ایران سیاستی است سخاوتمندانه که حق است برادران افغانی نیز به آن ارج نهند. (ص ۱۴)

هر کس نداند، قطعاً آقای پهلوان ابعاد این سخاوتمندی را خوب میداند. اما آقای پهلوان مروج شوونیم و تبعیضی است. به نظراً و این شرایط واقعی و شیوه تفکر مانست که باید به نفع پناهنده افغانی (که وی، لابد در سمت مشاور جمهوری اسلامی، همه جا و رایج زبان خود دولت ایران "آواره" مینامد) تفسیر کند، بلکه این وظیفه "آواره" افغانی است که خود را به زندگی در شرایط دون شان انسان خوب دهد:

نیروی کارگری ما هر افغانی که شمار اندکی دارد با دشواریهایی روبه رو است، زیرا اغلب در همان رشته ایرانیان به کار اشتغال دارند. فرض بر اینست که اولویت با نیروی کار ایرانی باشد، هر چند که در عمل

که از هرات برخاسته است با کلابه از "خوارگری" ایرانیان سخن میگفت به نظراً و "در بینش مردم ایران یک نوع برتری مبنی اجتماعی دیده میشود که این به یک غرور کاذب در جامعه ایران مندل شده است و این جامعه را به جای کشاده که بیشتر ملل جهان سوم را در کنار جامعه ایرانی خوار می بیند... اگر تحولات اقتصادی را از ایران بگیرد ایران چیزی جز افغانستان نیست". اکنون باید درستی چنین احساسی را می پردازیم. واقعیت اینست که در بین برادران افغانی ما چنین احساسی را ترویج داده اند و به هر حال تفاوت سطح رشد اقتصادی با خود تفاوت های فرهنگی و تربیتی به بار آورده است...

(لایه همن "تفاوت های فرهنگی و تربیتی" که به میران بسیار قابل توجهی تری بین ما و مردم فرانسه و انگلستان و سوئد و آلمان و... وجود دارد توجه کنید. بیعدالتی و تبعیض هم هست. باید پذیرفت و دم برد.

رهبران مهاجران افغانی باید ترویج دهنده، تفاهم باشند و از مهاجران بخواهند خود را با شرایط کشور میزبان وفق دهند. (ص ۱۳)

اظهار نظر در باره بقیه مطالب مقاله را

یکی از افغانان اهل ادب و فرهخته



و نشان دادن آنکه فشار بر پناهندگان حلقه اول فشار بر اقشار پائینی خود این جوامع و حقوق سیاسی و اقتصادی تحصیل شده خود آنست برد اجتماعی و واقعی دارد و میتواند افکار عمومی را علیه تبلیغات راسیستها و عملکرد سیاستهای فاسد پناهندگی دولتها و تصویر دروغین و وارونه‌یی که از پناهندگان و مسائله پناهندگی به خورد مردم می‌دهند بسج کند. اما برای شروع این پیوند می‌باید حساب ما با خودمان روشن باشد. تکیه کردن به این حمایت فقط در صورتی می‌راست و از حالت طلبکاری یا صدقه گرفتن خارج میشود که اعتراض ما به نفس تبعیض باشد نه تنها به جایگاهی که فکر می‌کنیم (اگر به حق) که به خلاف استحقاقمان در سلسله مراتب موجود در این جوامع به ما داده اند. اگر چنین باشد در برابر خودمان را در میان متحدین طبیعی خودمان، یعنی غیمل عظیمی از پیشروترین و آزاده‌ترین نیروهای این جوامع خواهیم دید که مثل خود ما فکر میکنند، به بیعدالتی‌هایی که بر ما و خودشان روا می‌رود معترضند، و میدانند ما دام که مقابل هم ایستاده‌ایم دشمنان مشترک همه ما بی‌هیچ دغدغه‌یی با ما چنان می‌کنند که میخواهند.



حق پناهنده شدن (کنوانسیون ژنو و تعهدات قبل از آن) مهمترین آنهاست. وجود گرایشات منفی و بازدارنده، مثل راسیسم و شوونیسم و ناسیونالیسم هم به رسمیت شناخته شده و عده‌یی در مخالفت با آنها خود را سازمان داده اند، از اینرو در اغلب این کشورها تبلیغات شوونیستی و نژاد پرستانه به موانع جدی و مهم برمیخورد. اگر چنین مطلبی در یک نشریه "محترم" اروپایی چاپ میشد، به ظن قوی به اعتراضات، تظاهرات و محکومیت‌هایی از جانب آرا عمومی برمیخورد. دست کم تمیشت حرفه‌یی از نوع حرفه‌ای آقای پهلوان، آنها هم باین صراحت و بی‌خیالی زد و باز سرافراشته راه رفت. اگر "تفاوت سطح رشد اقتصادی با خود تفاوتهای فرهنگی و تربیتی به بار می‌آورد" این تفاوتهای باید به چنین مبارزات، چنین نهادها، چنین حقوق و چنین دیدگاه عمومی ترجمه شده باشند تا بتوان گفت یک جا از یک جای دیگر "پیشرفته" تر است. اگر معنی تمدن از دیدگاه ما، بخصوص بعد از تجربه در بدی سالیهای اخیر، چنین چیزی نباشد دستاوردی که این تحقیرها و معاشرت برای ما و برای کل بشریت مترقی مهتوانست داشته باشد پاک به هدر رفته است.

در کشورهای پناهنده پذیر اروپایی ما به اندازه پناهنده افغانی در ایران بی‌اروپا ورنیستیم و سازمان بافتگی خود ما و همکاری نزدیکمان با تشکلهای موجود برای انعکاس واقعیات پناهندگی

به انصاف کسانی که شانس خواندنش را داشته اند و اگذار می‌کنم، به راستی اگر کسی به انتقاد ما به وجود گرایشات راسیستی در جوامع اروپایی اینطور جواب میداد به چه چشمی به او نگاه میکردیم؟ در حالیکه در کشور خود ما به حقوق و حیثیت ۲ میلیون انسان در صفحات آدینه و در جهان بیرون چنین تجاوز میشود و آب از آب تکان نمیخورد، حتی هیچ صدای اعتراضی به این مقاله صفحات شماره‌های بعدی نشریه را مزین نمیکند، هیچ خواننده‌یی به مجله نامه نمی‌نویسد، هیچ نویسنده‌یی حساب خودش را از نویسنده

مقاله جدا نمی‌کند یا همکاری اش را با مجله قطع نمی‌کند، شاید از آنجا که ساله افغانها را آنقدر در خور اهمیت ندانسته که نیم نگاهی به مقاله بیندازد، و یا انداخته و بسوی چندش‌آور ناسیونالیسم و شوونیسم مشامش را آزار نداده است. این حقیقت باید برای ما عبرت انگیز باشد. هیچ بهانه‌یی جنگ، فقر، اختناق، پاسخگو نیست. سردبیر مجله میتواند دستش آنقدر باز بود که (لااقل) مقاله را چاپ نکند.

وضعیت پناهندگان ایرانی در خارج کشور در هیچ کجا، حتی در ترکیه و پاکستان تا این حد اسفبار نیست. در کشورهای اروپایی، تحت فشار تشکلهای کارگری، چپ و دموکرات که سنت‌ها و سوابق تشبیه شده مبارزاتی دارند، تقریباً همه جا حقوقی برای پناهندگان بدست آمده که خود

رحیم چندیازی...

را بخود دادیم / مرگ را پذیرفتیم
اما مبارزه و اعتراض علیه نیروهای
که جسم مرا در زنجیر کرده اند / در واقع
دفاع از آزادی و حقوق ملت ماست که
مرتجعان خوک صفت چشم بلعیدن و
پامال کردن دوباره اش را دارند.

بگذار باد دفاع بیهوده را /
صمیمانه و تنابه آخراز چندیازی /
مشت محکمی بر پوزه کشی /
بنیادگرایان فاشیست و مالکمان
خارجی شان بکوبیم !



دمی تلین

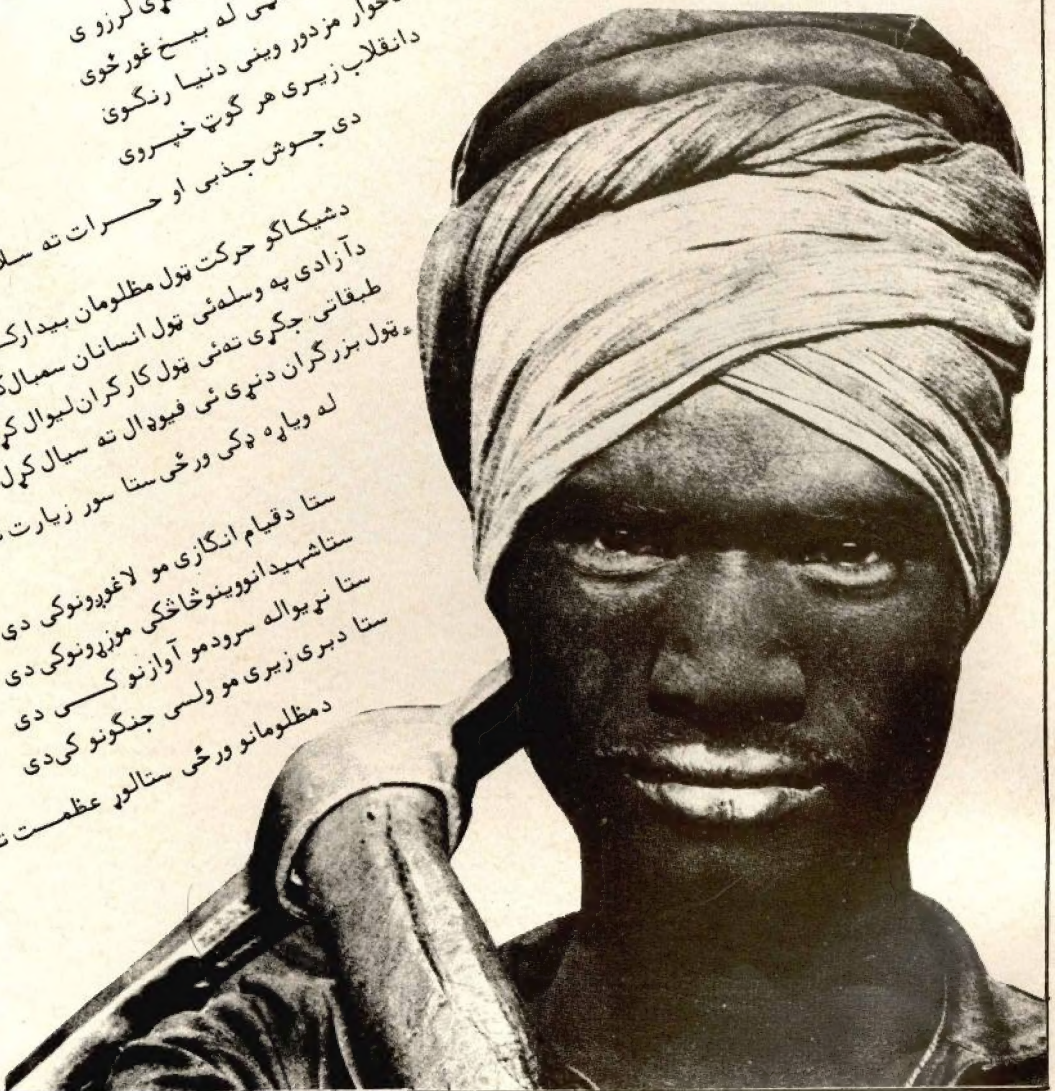
دمی لمړی
دکارگرانو دورځی په ویاړ

لمړی دمی دکارگرانو ورځی
دشیکاگو دمزدورانو ورځی
ای دځوارانو مظلومانو ورځی
د خوارۍ کینو انسانانو ورځی
ستا ددبۍ شان وشوکت ته سلام
د کارگر زور عزیم و غیرت ته سلام

چی د خټکو زوری نی لړزوی
دسرمائی مانۍ له بیخ غورځوی
دځوار مزدور وینی دنیا رنگوی
دانقلاب زیری هر گوټ خپروی
دی جوش جذبی او حسرات ته سلام

دشیکاگو حرکت ټول مظلومان بیدار کړل
دآزادی په وسله ټول انسانان سمبال کړل
طبقاتی جگړی ته ټول کارگران لیوال کړل
دټول بزرگران دنړۍ فیوډال ته سیال کړل
له ویاړه ډکی ورځی ستا سور زیارت ته سلام

ستا دقیام انگازی مو لاغورونوکی دی
ستاشهیدانووینو شاخکی موزونوکی دی
ستا نړیواله سرود مو آواز نوکی دی
ستا دبری زیری مو ولسی جنگونوکی دی
دمظلومانو ورځی ستالو عظمیت ته سلام



د هندوستان د سکرو د بیری کان یو کارگر



PAYAM-E-ZAN (The Message of Woman)

A Publication of Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA)
No. 23, 24 July, 1991



از درماندگی تا دنائت

آیا پروفیسر آندرج زا کو یسلاک Prof. Andrzej Zacwislak و سایر رهبران پولیند با اینگونه حقارتبار و نفرت انگیز زانو زدن در برابر مارگرت تاچر مدراعظم سابق برتانیسه و بزبان آوردن اینکه " سوسیالیزم را نمیتوان اصلاح کرد باید آنرا از میان برداشت " خواهند توانست کشور بحران زده ی شانرا نجات دهند ؟

☆ ☆ ☆

در دهم جنوری ۱۹۹۱ خبرگزاریهای جهان در باره میزان افزایش جرم و جنایت در پولیند گزارش دادند :

پلیس پولیند تأیید کرد که طی فقط دو ماه یعنی از نوامبر تا جنوری امسال بیش از ۷۵۹۳۲۰ فقره جرم به وقوع پیوسته که نمایانگر ۶۸.۳٪ افزایش نسبت به سال گذشته میباشد . قضایای جنایتی ۸۰٪ و دزدی و راهزنی ۱۰۰٪ بالا رفت . با آنکه در عرض مدت مذکور بطور متوسط روزانه ۲۲۷۰ فقره جرم و جنایت وجود داشته ، پلیس تنهابه حل ۳۵٪ آنها موفق شده است .

قرار است دولت پولیند برای تقویت نیروی پلیس خود ۳۳۰۰ وسیله نقلیه مخصوص پلیس وارد کند .